



زبان مادری

دکتر حسن ذوالفقاری^۱

زبان مادری همان است که از بدو تولد و از طریق مادر فراگرفته‌ایم و با آن سخن می‌گوییم. زبان مادری، زبان بومی، محلی و فرهنگی ماست. تمام باورها، آیین و آداب، شعر و ادبیات بومی ما با این زبان شکل می‌گیرد و منتقل می‌شود. این زبان در برخی مناطق جهان به دلایل مختلف در حال خاموشی و فراموشی است؛ از این رو یونسکو در سال ۱۹۹۹ روز ۲۱ فوریه (۲ اسفند) را روز جهانی زبان مادری نام‌گذاری کرد و ۱۸۸ کشور عضو یونسکو از جمله جمهوری اسلامی ایران به آن رأی داد. از سال ۲۰۰۰ این روز در بیشتر کشورها گرامی داشته و برنامه‌هایی اجرا می‌شود.

در کنار زبان مادری، زبان ملی قرار می‌گیرد. زبان ملی آموختنی است و باید در مدرسه و از کلاس اول آموخت؛ اما آیا زبان مادری هم آموختنی است یا به‌طور طبیعی آن را در محیط یاد می‌گیریم؟ زبان مادری زبانی است که کودک از بدو تولد به آن زبان صحبت می‌کند. نزدیکی کودک به صدای مادر و به خود او باعث می‌شود آن زبان را بی‌دانستن قواعد زبان و با گوش دادن، تلاش، آزمایش و خطا و به دلیل نیاز، شوق‌مندانانه فراگیرد. کودک در این مرحله، بدون توجه و اراده خود، به دنبال تمرین یادگیری است. هرچه بزرگ‌تر می‌شود و تجربه‌هایش بیشتر، دایره لغات و نحو نقش بسته در ذهن او وسیع‌تر می‌شود. هرچه با مظاهر فرهنگی و قومی و رفتارهای پیچیده‌تر روبرو می‌شود، زبان مادری‌اش، قوی‌تر و مستحکم‌تر می‌شود. این زبان را کودک فراگرفته و با آن سخن می‌گوید، اما تنها نمی‌تواند بنویسد. باید با فراگیری زبان ملی و با کسب مهارت نوشتن، آن را نیز بیاموزد. پس آموزش نوشتاری این زبان بدون «دوزبانه شدن» ممکن نمی‌گردد.

زبان‌آموز بعد از آن که قواعد و دستور زبان مادری خود را در خانه فرامی‌گیرد، می‌خواهد این دستورهای از پیش آموخته‌شده را در زبان دوم هم به کاربرد. در این حالت حتی امکان تداخل‌های زبانی هم وجود دارد؛ اما هرچه آموزش‌های مدرسه‌ای و قدرت تسلط بر زبان دوم بیشتر و بیشتر می‌شود، این تداخل‌ها و تعارض‌ها هم کمتر و کمتر می‌شود؛ اما زبان مادری هم نباید خواسته و ناخواسته تحت تأثیر زبان دوم ضعیف و کم‌رنگ شود؛ زیرا هویت فردی و اجتماعی کودک در این زبان شکل گرفته است. هنر برنامه‌ریزان سیاست زبانی و فرهنگی در همین دقیقه نهفته است که بتوانند بین این دو زبان، تناظر، تمایل و تلازم برقرار کنند نه تعارض و تباین. اکنون در میان گویشوران مناطق دوزبانه دو رفتار نادرست دیده می‌شود:

گروهی از والدین، کودک را در منزل از زبان مادری محروم می‌کنند و به زبان فارسی سخن می‌گویند با این استدلال نادرست که کودک در مدرسه و بعدها در جامعه با مشکلی روبرو نشود. در مدرسه زبان دوم آموخته می‌شود اما آنچه باید در منزل یاد داده شود و در جای دیگر کودک نمی‌آموزد، زبان مادری است. زبانی که باید از طریق نسل‌ها و گویشوران بومی منتقل شود. زبانی که بار سنگین فرهنگ و هنر و میراث‌ها و سرمایه‌های قومی را به دوش می‌کشد.

گروهی دیگر با تعصب‌های قومی و افراطی و گاه با اهداف تجزیه‌طلبانه معتقدند باید از همان ابتدا زبان مادری را به جای زبان ملی قرار داد یا کمی منعطف‌تر «آموزش زبان مادری» را به «آموزش به زبان مادری» تفسیر می‌کنند؛ یعنی تدریس تمام دروس در مدارس به زبان مادری. سالیانی است که این تفکر، آموزش زبان ملی را در مدارس به مخاطره افکنده است. کارشناسان فرهنگستان در بازدید از مناطق دوزبانه علت اصلی دوزبانه نشدن کودکان این مناطق را همین «آموزش به زبان مادری» دانسته‌اند. برخی معلمان گاه از سر تعصب یا برای حتی درس فارسی و ادبیات را به زبان محلی تدریس می‌کنند. دلیل آنان فهم بهتر دانش‌آموزان است اما نتیجه چیست؟ وقتی از این کودکان خواستیم از روی کتاب خود بخوانند یا با ما حرف بزنند، ناتوان بودند.

۱ عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس و مدیر گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی

زبان‌های مختلف هماهنگی هست. آیا میان آنان اختلاف بر سر خرده گویش‌های خود پیش نمی‌آید؟ آیا سورانی‌ها و گورانی‌ها و کرمانج‌ها و کلهرها، اورامی‌ها، زازایی‌ها، لک‌ها، فیلی‌ها و... حاضرند گویش دیگری را به رسمیت بشناسند؟ آیا همین مایهٔ اختلاف بیشتر میان خود اقوام نمی‌شود و تازه موضوع به همین جا ختم نمی‌شود. گویشوران زبان‌های وفسی، نائینی، تالشی، زرتشتی (بهدینی)، لاری، بشاگردی، سنگسری، سرخه‌ای، سمنانی، زابلی و ده‌ها گویش دیگر هم این حق را برای خود محفوظ می‌دارند. در گسترهٔ رنگین گویش‌ها و زبان‌های ایرانی گاه مرزهای زبانی امتزاج زیبایی می‌یابند و ترکیب می‌شوند و طیف رنگینی را به وجود می‌آورند؛ مثل گویش لکی. در این مناطق تکلیف چیست؟ آیا خط واحدی میان این زبان‌ها و گویش‌های هریک هست که راوی زبان و حامل آن باشد؟ زبان‌های ایرانی و ادبیات غنی آن‌ها مانند تاروپود درهم‌تنیده‌اند و چنان چون شیر و عسل با فارسی آمیخته و ممزوج شده‌اند که جدایی آن‌ها ناممکن است. از سویی دیگر، تهیهٔ این تعداد کتاب درسی به زبان مادری نیز خود دردسر دیگری است. روزگاری در هندوستان بزرگ به دلیل وجود بیش از سیصد زبان و گویش محلی، مردمان آنجا فارسی را به‌عنوان زبان وحدت‌آفرین و رسمی و اداری خود برگزیدند. آیا اکنون شایسته است زبان شیرین فارسی که به‌خوبی همین نقش را بازی می‌کند، یکسو نهیم؟

باید پرسید تاکنون که آموزش به زبان مادری نبوده چه اتفاقی رخ داده است؟ قرن‌هاست ایرانیان آن‌هم در جهان ایرانی و با مرزهای پهناور و جغرافیای زبانی وسیع با یک زبان و یک آهنگ و هفتصد رنگ باهم زیسته‌اند؛ آن‌هم در روزگاری که زبان معیار و رسانه و آموزش رسمی و... نبوده، تجربیات علمی خود را با همین زبان منتقل کرده‌اند. نه تنها زبان مادری و ملی بلکه زبان علمی و دینی خود را هم در کنار این دو حفظ کرده‌اند؛ بی‌آنکه یکی جای دیگری را تنگ کند. سالیان دراز است که در یک منطقه؛ مثلاً ارومیه آرامنه، آذری‌ها، آشوریان و کردها باهم زیسته‌اند اما با زبان واسط فارسی با یکدیگر سخن گفته‌اند. در چنین مناطقی نقش زبان فارسی پررنگ‌تر می‌شود.

این خوانش از زبان مادری غیرعلمی و ضدتاریخی است. اینان نه به تاریخ زبان فارسی و نه تاریخ قومی خود اشراف دارند و آن‌ها را دانسته و نادانسته فراموش می‌کنند. اگر چنان‌که این جدایی طلبان می‌خواهند، شود، کودکان این سرزمین از زبان دوم و ملی محروم و در زندگی آتی دچار مشکل می‌شوند. ما نیز معتقدیم فرهنگ، ادبیات و زبان مادری باید با تمام قوا در تمام مناطق حفظ شود. اصل پانزدهم قانون اساسی نیز بر همین نکته پای می‌فشرد که: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است».

بنا بر نص قانون اساسی تدریس ادبیات زبان‌های محلی و قومی در مدارس آزاد است. این اصل پیشرو دست را باز گذاشته تا بتوان زبان و ادبیات قومی را در چارچوب قانون و با روش درست آن آموزش داد. در اصل پانزدهم تأکید بر ادبیات است نه آموزش زبان. چنانکه گفتیم کودک، زبان را باید در خانه و محیط فراگیرد و ادبیات قومی را در مدرسه تقویت کند. اکنون نیز بر همین مبنا در کتاب‌های درسی، درس‌های آزاد در نظر گرفته شده که با راهنمایی معلمان با درون‌مایه بومی و منطقه‌ای نوشته و تدریس می‌شود. جز این کتاب‌هایی مستقل در حوزه ادبیات قومی در کنار ادبیات فارسی تدریس می‌شود. البته تحقیق و آموزش دانشگاهی به‌منظور مطالعات دانشگاهی بحث دیگری است که آن نیز از طریق ایجاد تک‌واحدهایی در برخی دانشگاه‌ها مثل زبان سمنانی در دانشگاه سمنان با مجوز فرهنگستان و زبان و ادبیات کردی و ترکی در دانشگاه‌های سنندج و تبریز هم‌اکنون تدریس می‌شود و هر سال دانشجوی می‌گیرند. در فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز وظیفهٔ اصلی گروه گویش‌شناسی مطالعه گویش‌های ایرانی در حال فراموشی است. در سازمان میراث فرهنگی و تمامی دانشگاه‌ها در قالب رساله و پایان‌نامه و طرح‌های مستقل در زمینهٔ گویش‌های ایرانی تحقیقات گسترده انجام گیرد.

اگر به فرض محال ده‌ها زبان و صدها گویش هریک بخواهند به زبان خود درس بخوانند، چه مشکلاتی رخ می‌نماید. آیا میان گویشوران مختلف



چون سال بعد که به کلاس اول رفتم کتاب‌ها برایم هیچ جذابیتی نداشت. البته آن موقع مهدکودک و کودکستان و پیش‌دبستانی نبود. از هفت‌سالگی مدرسه شروع می‌شد. خوشبختانه به من مشق نمی‌دادند و مستمع آزاد بودم. در همان موقع هم مشق‌ها خیلی سخت بود. یادم می‌آید که معلمی داشتیم به نام آقای برهانی که خیلی مهربان بود. او دست مرا می‌گرفت و گاهی تا مغازه پدرم یا تا منزل می‌برد. یادم هست که یک انگشتش هم حالت خاصی داشت. انگشت نشانه‌اش روی انگشت کناری‌اش افتاده بود. چون نسبت به بچه‌های دیگر کوچک‌تر بودم، در ردیف جلو می‌نشستم. دائم فقط به انگشت دست معلم نگاه می‌کردم. آقای برهانی بسیار مهربان بود و چون یک نسبت خانوادگی هم داشتیم، خیلی هوای مرا داشت.

تحصیلات ابتدایی در مدرسه‌ای بودم به نام محمدرضاشاه. جلوی در این مدرسه، درخت توت خیلی تنومندی بود که محیط تنه این درخت به اندازه یک اتاق بود. وقتی درخت بارور شد و توت می‌داد، تقریباً نصف بچه‌های مدرسه بالای درخت بودند. بچه‌ها داخل شاخ و برگ‌ها گم می‌شدند. یکی از خاطرات دیگر اینکه در مدرسه ما سال ۱۳۵۲ یا ۱۳۵۳ نماز ظهر و عصر به جماعت خوانده می‌شد و ما مجبور بودیم در آن شرکت کنیم. کف حیاط مدرسه آسفالت بود و پاهای ما هم ضعیف. موقع نماز خواندن پاهایمان آسیب می‌دید. بدتر از همه ناظمی داشتیم که هرکدام از بچه‌ها که پاهایش را درست نمی‌گذاشت با تسمه به پشت پا شلاق می‌زد. من دوره ابتدایی را در دو مدرسه پهلوی و محمدرضاشاه گذراندم.

در کلاس سوم دوره ابتدایی معلمی داشتیم به نام خانم کلانتری. از کارهایی که می‌کرد این بود که کتاب می‌آورد و در کلاس می‌خواند. ما را کتاب‌خوان کرده بود. یک‌بار گفت که بچه‌ها فردا یک قطعه عکس بیاورید. ما تعجب کردیم که چرا باید عکس ببریم؟ روزی که عکس بردیم، خانم کلانتری همه ما را ردیف کرد و رفتیم به کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که تازه (سال ۱۳۵۴-۱۳۵۵) در دامغان تأسیس شده بود. این مرکز هنوز کتاب کم داشت. حدود پنج شش قفسه کتاب که در مجموع به پانصد جلد هم نمی‌رسید. معلم ما را به آنجا برد و ثبت‌نام کرد. من اولین کارتی که در زندگی‌ام گرفتم، همان کارت کانون پرورش فکری بود، یادم هست اولین کتابی که امانت گرفتم، کدو قل‌قلی زن بود. گفته بود آن را بخوانیم و خلاصه کنیم. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای ما فرصت خوبی بود تا کتاب بگیریم و بخوانیم. خانم کلانتری خیلی کتاب سر کلاس می‌آورد و ما را کتاب‌خوان کرد. واقعاً چقدر معلم می‌تواند تأثیر خوبی روی بچه‌ها بگذارد. شاید ایشان به صورت عادی و طبیعی کارش را می‌کرده و خودش هم متوجه نبوده است که دارد چه می‌کند و در آینده چه تأثیری می‌تواند بگذارد. این نشان می‌دهد که معلم‌های ما با کمی توجه می‌توانند کاری انجام دهند که در آینده دانش‌آموزان مؤثر باشند. البته قرار نیست روی

گفت‌وگو با مؤلفان کتاب‌های درسی (۳۳) دکتر حسن ذوالفقاری



عکس: رحمت‌الله فلاح

در انتخاب متون فارسی برای کتاب درسی می‌گفتند خط قرمز ما تا به حال نفهمیدیم آن خط قرمز چیست و آن خط را چه کسی کشیده است متأسفانه افرادی بودند که خودخواسته این خط‌ها را می‌کشیدند

تنظیم مصاحبه: گیتی قریب^۱

در این شماره از خبرنامه در خدمت آقای دکتر حسن ذوالفقاری، از مؤلفان کتاب‌های درسی مدارس در دوره دبستان و راهنمایی و دبیرستان (دهه هفتاد و هشتاد) هستیم. در ابتدا معرفی ایشان را از زبان خودشان نقل می‌کنیم.

بیستم تیرماه سال ۱۳۴۵ در دامغان متولد شدم. شش‌سالگی به مدرسه رفتم. آن موقع به بچه‌هایی که یک سال زودتر به مدرسه می‌رفتند، مستمع آزاد می‌گفتند. می‌گفتند یک سال زودتر به مدرسه بروم تا پایه‌اش قوی شود. الآن متوجه شده‌اند که از نظر آموزشی غلط است. من هم این کار را اشتباه می‌دانم

^۱ پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی مصاحبه در ۱۳۹۷/۱۱/۳ در گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی فرهنگستان انجام شده است.

رشته فرهنگ و ادب را انتخاب کردم. در دبیرستان هم خوشبختانه معلم‌های خوبی داشتم، حسین معلم، پرویز ارسطو، آقای عطا‌اللهیان. این‌ها سه تا از معلم‌های خوب ادبیات بودند که خیلی کمک می‌کردند، به‌خصوص آقای حسین معلم که مدیر کتابخانه‌ای در دامغان هم بود که الان هشتاد هزار جلد کتاب دارد. ما را به آن کتابخانه می‌بردند و کم‌کم زمینه‌ای شد که من بعد از گرفتن دیپلم وارد کتابخانه شوم. در زمان تحصیل هم با آن کتابخانه همکاری می‌کردیم و آن کتابخانه نقش بسیار مؤثری در زندگی و تحصیل من داشت. اسم دبیرستانم فردوسی بود. دوره دبیرستان مصادف شد با جنگ. در همان دوره دبیرستان چندین بار به‌عنوان بسیجی به جبهه رفتم. زمان دانشگاه هم جنگ ادامه داشت. من در رشته دبیری زبان و ادبیات فارسی قبول شده بودم. نمره کنکورم خوب شده بود، ولی به رشته دبیری علاقه داشتم. در آن زمان دانشگاه‌های تهران به‌جز کرج هیچ کدام دبیری نداشتند. بنابراین من رشته دبیری را انتخاب و در دانشگاه امام خمینی (ره) قزوین که آن موقع دانشگاه دهخدا نام داشت، مشغول خواندن رشته دبیری شدم، چون به معلمی خیلی علاقه داشتم و می‌خواستم حتماً معلم شوم. یادم هست که یکی از معلم‌های ما آقای حسین معلم، (برادر آقای علی معلم دامغانی، شاعر)، شخصی بسیار باسواد و فرهیخته بود. به من گفت فلانی (خیلی من را دوست داشت) برو یک کت گشاد برای خودت بدوز، چون معلمی شغلی است که باید با یک کت بسازی؛ یعنی می‌خواست بگوید که شرایط معلمی سخت است. حقوق معلمی خیلی کم است. آن موقع هم خیلی کمبود شغل نبود و به‌جز معلمی کارهایی هم بود که دانش‌آموختگان رشته‌های ادبیات می‌توانستند انجام بدهند. آن موقع من واقعاً به معلمی علاقه داشتم. ما در دانشگاه دهخدا استاد مدعو زیاد داشتیم؛ مثل دکتر عبدالکریم سروش، دکتر محمدعلی سجادی، دکتر غلامرضا ستوده، دکتر علی شریعتمداری برای دروس تربیتی. دوره خیلی خوبی بود. در آنجا چون دانشجوی معلم بودیم باید از سال دوم و سوم کلاس هم می‌گرفتیم. کلاس‌ها را یکسره در قزوین و یک سال آخر هم در دامغان گرفتیم. آموزش و پرورش موظف بود که به ما شش ساعت کلاس بدهد. اولین بار در سال ۱۳۶۷ یک کلاس شبانه (دبیرستان) به من دادند. حساب کنید دانشجوی سال سوم و چهارم و مدرسه شبانه. برای بار اول که رفتم سر کلاس دیدم گوش تا گوش آدم‌های گنده‌گنده نشسته‌اند، من در آنجا از همه کوچک‌تر بودم. وارد کلاس که شدم داشتند باهم شوخی می‌کردند. یک تیکه هم به من انداختند که برو ته کلاس بشین. من به روی خودم نیاوردم و پشت میز نشستم. گفتند آنجا جای آقامعلم است. گفتم من معلم شما هستم. معلمی را با بزرگسالان شروع کردم، کسانی که سنشان زیاد بود و می‌خواستند دیپلم بگیرند. اغلبشان کارمند بودند و می‌خواستند دیپلم بگیرند تا ارتقای شغلی پیدا کنند. بعد دوست شدیم. در سال ۱۳۶۸ از دانشگاه قزوین که بعدها اسمش دانشگاه امام خمینی (ره) و بین‌المللی شد فارغ‌التحصیل شدم. دانشجوی

همه بچه‌ها تأثیر مثبت بگذارند؛ همین که روی یکی دو نفر هم تأثیر بگذارند کافی است و بدین ترتیب کار خودشان را کرده‌اند.



عکس: رحمت‌الله فالاح

• کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان چه تأثیری در دانش‌آموزان دهه چهل داشت؟

در آن سال‌ها آشنایی دانش‌آموزان با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نقش بسیار مهمی در کتاب‌خوان کردن آن‌ها داشت. آشنایی دانش‌آموزان با هنر در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شکل گرفت. فیلم‌سازان زیادی، مانند عباس کیارستمی، فرشید مثقالی، صادقی، کسانی هستند که در پویانمایی^۱ (animation) و سینما و در حوزه فیلم کودک کار کرده‌اند همه از کانون برخاسته‌اند.

یادم هست کلاس پنجم بودم؛ روزنامه دیواری درست می‌کردیم و با دیگر دانش‌آموزان رقابت می‌کردیم. فعالیت‌های قصه‌گویی در کانون انجام می‌شد و خیلی در روحیه و مسیر آینده ما مؤثر بود. در دوره سه ساله راهنمایی هم ما معلمان خوبی داشتیم. سال سوم دوره راهنمایی ما مصادف بود با پیروزی انقلاب. مدارس تعطیل می‌شد و هرروز راهپیمایی بود. آن موقع رشته‌های اقتصاد و فرهنگ و ادب و چند تا رشته دیگر هم بود. در علوم انسانی، من

۱ فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در برابر واژه بیگانه «انیمیشن/ animation» با تعریف «شیوه فیلم‌سازی که در آن به تصاویر معمولاً نقاشی‌شده و اجسام بی‌حرکت تحرک بخشیده شود»، معادل «پویانمایی» را تصویب کرده است.

آموزش و پرورش هم درآمد. با توجه به نمره آزمون می‌توانستم کارشناسی ارشد را در دانشگاه تهران بخوانم اما اولین سالی بود که پژوهشگاه علوم انسانی در رشته ادبیات برای تربیت پژوهشگر دانشجویی می‌گرفت. من اولین دانشجوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی هستم. در سال ۱۳۷۱ پایان‌نامه من اولین پایان‌نامه‌ای بود که از آن دفاع کردم. پایان‌نامه راجع به بحرطویل عامیانه^۴ بود؛ چون به ادبیات عامه هم خیلی علاقه داشتم.



عکس: زحمت الله فالاح

در سال ۱۳۶۸ که به استخدام آموزش و پرورش دامغان درآمد، مرا به یک دبیرستان در روستای چهارده (دیباچ) فرستادند. تدریس را از دبیرستان شهید مدرس شروع کردم و در دانشگاه تربیت مدرس ادامه دادم (از مدرس تا مدرس). سه روز درس می‌دادم. سه روز می‌رفتم تهران برای تحصیل. دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، دکتر سید جعفر شهیدی، دکتر جلیل تجلیل، دکتر سید حسن سادات ناصری، دکتر برات زنجانی، دکتر علی شیخ‌الاسلامی، دکتر علی رواقی، دکتر غلامرضا ستوده از استادان من بودند. در سال ۱۳۷۱ در امتحان دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران قبول شدم و فقط هم دانشگاه تهران دوره دکتری می‌گرفت. ما ده نفر بودیم. آن سال در دامغان حتی دبیری که کارشناسی ارشد داشته باشد هم نبود. من تنها کسی بودم که کارشناسی ارشد داشتم، تعدادی از دبیرهای دامغان پیش رئیس آموزش و پرورش رفتند و گفتند فلانی که کارشناسی ارشد دارد و دانشجوی

خارجی هم قبول می‌کرد. در زمان ما دانشگاه خیلی کوچک و ساختمانی سه چهار طبقه بود. رشته حسابداری در آنجا خیلی قوی بود. بعدها جای خیلی بزرگی را درست کردند و وقتی ما هنوز آنجا بودیم افتتاح کردند. جای بسیار بزرگی خارج از قزوین، الآن هم دانشگاه بین‌المللی قزوین یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های ایران است. همان سال من کنکور ارشد دادم. کنکور ارشد آن موقع تشریحی بود و مصاحبه داشت. من آن سال در تبریز امتحان دادم. امتحان سراسری بود ولی هر سال در یک شهر برگزار می‌شد. از کل کشور به تبریز آمده بودند. من همان سال قبول شدم.

این را هم بگویم که دانشجوی سال چهارم کارشناسی که بودم مقاله می‌نوشتیم برای مجله «کیهان اندیشه» که در قم منتشر می‌شد و سردبیرش مرحوم استاد فاضل حوزة محمدجواد صاحبی بود. اولین مقاله من در سال ۱۳۶۸ به نام «صلای ماجرا»^۱ چاپ شد. بعدها عرایس و عشاق ادب فارسی^۲؛ در این مقالات داستانی عاشقانه را معرفی و بررسی می‌کردم؛ آن‌هم در کیهان اندیشه که موضوعش حکمت و فلسفه و کلام بود. ما مقاله را با دست می‌نوشتیم و تایپ هم نمی‌کردیم. یک‌بار مقاله‌ای را همین‌طوری فرستاده بودم و انتظار چاپ هم نداشتم. خیلی جالب بود که در شماره بعد چاپ شده بود. خیلی ذوق کردم. این در سال ۱۳۶۷ بود. استادهای ما هم در آن زمان مقاله نداشتند و من هم به کسی نگفتم. بعد دیدم برای چاپ مقاله پاکتی به من دادند که در پاکت ۱۳۰۰ یا ۱۴۰۰ تومان پول بود. در آن موقع این پول خیلی زیادی بود، معادل نصف حقوق یک کارمند. من در سال ۱۳۶۸ که استخدام شدم حقوقم سه هزار تومان بود. من با تمام انرژی آن سلسله مقالات را ادامه دادم که بعد مجموعه‌ای در قالب کتاب با نام منظومه‌های عاشقانه ادبیات فارسی^۳ شد. بعضی کارها با تشویق‌های کم و کوچک می‌تواند کارهای بزرگی بشود. مانند همین کتاب یک‌صد منظومه که الآن جزو منابع دکتری ادبیات فارسی در رشته ادبیات غنائی است. اگر مقاله من چاپ نمی‌شد و تشویق نمی‌شدم، ممکن بود دیگر این سلسله مقالات ادامه پیدا نکند.

• چه شد که به فکر افتادید این مقاله را بنویسید؟

من چون به داستان‌های عاشقانه مثل لیلی و مجنون، خسرو و شیرین و ... علاقه داشتم و در این زمینه مطالعه می‌کردم، در حین مطالعه، متوجه شدم که این داستان‌ها فهرست بلندی دارد. دیدم پنجاه شصت تا شدند. بیشتر که مطالعه کردم دیدم هر کدام از این‌ها روایت‌هایی دارند. مقاله‌نویسی من از همان موقع در «کیهان اندیشه» شروع شد و بعد در «کیهان فرهنگی» و بعداً در مجله «گلچرخ» و «رشد ادب فارسی» ادامه پیدا کرد. این‌ها مجلات مهمی بودند. سال ۱۳۶۸ ضمن اینکه کارشناسی ارشد می‌خواندم، به استخدام

۱ کیهان اندیشه، شماره ۲۷، دی ۱۳۶۸، ص ۱۳۳ - ۱۳۶.

۲ کیهان اندیشه، شماره ۴۲، خرداد و تیر ۱۳۷۱، تا ۵ شماره.

۳ منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی، تهران: نیما، ۱۳۷۴.

۴ بحرطویل فارسی و بحرطویل سرایان، استاد راهنما دکتر مظاهر مصفا، استاد مشاور دکتر اسماعیل حاکمی.

سال‌ها، سال ۱۳۷۴، کسی نمی‌توانست پیش‌بینی کند که سرانجام ادبیات به اینجا ختم می‌شود. تحول چشم‌گیری هم در ساختار و هم در محتوای کتاب‌ها انجام گرفت. در ساختار ژانری عمل کردیم؛ در ده فصل، و هر فصل به ژانری اختصاص یافت. در هر فصل متون برجسته می‌آمد. البته این کتاب از سانسور مسئولان وقت (مهندس محمدمسعود ابوطالبی مدیرکل وقت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی) هم دور نماند و تعدادی متون کتاب حذف شد. آن زمان جو خاصی بود و آقای دکتر حداد هم از آنجا رفته بود. دکتر محمدجعفر یاحقی آن سال‌ها تاریخ ادبیاتی نوشته بودند که تا امروز را هم بررسی می‌کرد، جدید بود، اما تمام کتاب چاپ نشد و بعدها دکتر یاحقی جدا به نام چون سبوی تشنه^۱ چاپ کردند، آن فضاها کم‌کم باز شد. در همین زمان بود که دوره دکتری را تمام کردم. پایان‌نامه کارشناسی ارشدم در زمینه بحرطویل فارسی و پایان‌نامه دکتری به پیشنهاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در زمینه افکار معروف کرخی بود، البته اول می‌خواستم راجع به منظومه‌های عاشقانه باشد. دوره دکتری تمام شد و در سال ۱۳۷۶ از رساله^۲ خود دفاع کردم. سال ۱۳۷۶ برایم سال خوبی نبود چون پدرم فوت کرد. چهل‌م پدرم بود که با پیراهن مشکی از رساله‌ام دفاع کردم، سال بعدش هم مادرم فوت کرد. هر دو واقعه پشت سر هم بود. همان سال، در دو سه دانشگاه برای من فرصت استخدام پیش آمد اما سازمان را ترک نکردم؛ چون احساس می‌کردم آموزش و پرورش الآن خیلی به تغییر و تحول نیاز دارد. در سال ۱۳۸۴ که نهایتاً برنامه‌های ما تمام شد به استخدام دانشگاه تربیت مدرس درآمدم. با نوزده سال و شش ماه سابقه خدمت، آموزش و پرورش را رها کردم؛ چون ما اولاً کارمان تمام شده بود. ثانیاً یکی از حامیان ما که خیلی علاقه شدیدی به تحول در کتاب‌های درسی داشت مهندس علاقه‌مندان بود. ایشان هم فوت کرده بود و دولت احمدی‌نژاد روی کار آمد. همه چیز به هم ریخته بود. دیدم که دیگر کار تازه‌ای نمی‌توان کرد. البته هنوز هم با سازمان پژوهش همکاری دارم. از سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۸۴، پنج دوره برنامه‌ریزی، چهار دوره برای ایران و یک دوره برای خارجی‌ها داشتیم. برای کتاب‌های ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی. تعداد ۲۶ عنوان کتاب تألیف شد که پیش‌دانشگاهی^۳ مهم‌ترینش بود. من این کتاب را به‌عنوان بهترین و تأثیرگذارترین کتاب‌هایم انتخاب می‌کنم. این کتاب ۲۴ سال تدریس شد تا سال ۱۳۹۶ که از دور خارج شد.

دکتری هم شده است نباید به روستا برود ولی من خودم خوشم می‌آمد و دوست داشتم، چون آنجا یک کار مونوگرافی (تکنوگرافی) درباره همان روستا انجام دادم. حتی یک‌بار برای تکلیف عید، دفترچه‌ای تهیه کردم درباره فرهنگ مردم و واژه‌های محلی، آداب و رسوم و مانند این‌ها تا آن را کامل کنند. شاید به اندازه یک کارتن اطلاعات از بچه‌ها جمع‌آوری و بعداً آن‌ها را در روزنامه محلی کویر که خودم اداره می‌کردم منتشر کردم. سه سال در آن روستا بودم و بعد یک سال در مرکز تربیت معلم دامغان مشغول شدم تا اینکه سال ۱۳۷۰ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از من دعوت کرد و به آنجا منتقل شدم. آقای ناصر افشارفر که کارشناس تاریخ آنجا بود و دبیر من در دامغان هم بود، من را به دکتر غلامعلی حداد عادل معرفی کرد. وقتی به مصاحبه دعوت شدم و مقالات و کتاب‌هایم را بردم مرا پسندیدند.

در دوره کارشناسی ارشد، سال ۱۳۷۰، ازدواج کردم، ۲۴ سالم بود. بیشتر زمان دوره دکتری را در تهران گذراندم. مجبور بودم، چون نمی‌توانستم رفت و آمد کنم. کارها هم سنگین شده بود. آن زمان هم در دامغان تازه دانشگاه علوم پایه تأسیس شده بود. رئیس دانشگاه علوم پایه دامغان، به دکتر محمدعلی نجفی، که وزیر آموزش و پرورش بود، درخواست داد که من را به دانشگاه منتقل کنند. دکتر نجفی موافقت نکرد، در نهایت پذیرفتم که به سازمان پژوهش بیایم. سازمان کارشناس رسمی نداشت و همه پاره‌وقت بودند. همکاران من دکتر روح‌الله هادی، دکتر محمد پارسان‌سب و دکتر محمدرضا سنگری بودند. من تمام وقت بودم. سالی که من آمدم دکتر روح‌الله هادی به دانشگاه تهران رفت. دکتر محمدرضا سنگری هم پاره‌وقت بود. آن زمان ایشان کارشناس امور تربیتی بودند و دو روز هم می‌آمدند پیش ما در سازمان. دو سال بعد دکتر پارسان‌سب هم به دانشگاه خوارزمی رفتند. بعدها دکتر حسین قاسم‌پور مقدم، آقای غلامرضا عمرانی و دکتر حسین داوودی هم که معاون دفتر برنامه‌ریزی بود به ما پیوستند. از سال ۱۳۷۱ کم‌کم به این فکر افتادیم که کتاب‌های درسی خیلی کهنه هستند و باید عوض شوند.

• یعنی سال ۱۳۷۱ که شما آنجا مستقر شدید، آغاز تحول کتاب‌های درسی بوده است؟

بله؛ تغییر کتاب‌ها را آرام‌آرام شروع کردیم. کار با کتاب‌های راهنمایی شروع و بعد کتاب‌های پیش‌دانشگاهی و بعد دبیرستان و بعد ابتدایی نوشته شدند.

• تحول اساسی در کتاب پیش‌دانشگاهی اتفاق افتاد که بسیار با کتاب‌های دیگر متفاوت شد.

سال ۱۳۷۴ کتاب پیش‌دانشگاهی اولین کتابی بود که ما در دوره جدید نوشتیم و مثل توپ صدا کرد. پیش‌دانشگاهی پایه‌ای جدید و تازه بود. کتاب هم تازه شده بود. تحولی بنیادی در فضای کتاب‌ها به وجود آمده بود. در آن

۱ چون سبوی تشنه، ادبیات معاصر، تهران: جامی، ۱۳۷۴.

۲ آثار، احوال و افکار معروف کرخی، استاد راهنما دکتر مظاهر مصفا، استاد مشاور دکتر اسماعیل حاکمی.

۳ زبان و ادبیات فارسی (۱) و (۲) (عمومی) (۱۳۷۹). چاپ ششم. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: محمدرضا سنگری، حسن ذوالفقاری، محمد غلام (پارسان‌سب).

توجه

- از ابتدای کتاب تا پایان درس ۱۶، به نیم سال اول و از درس هفده تا پایان کتاب به نیم سال دوم مربوط است.
- این کتاب توسط مؤلفان و کارشناسان و مدرسان مراکز پیش دانشگاهی بازنگاری و اصلاح شده است.
- اشعار حفظی در متن درس با ستاره (*) مشخص شده‌اند.

زبان و ادبیات فارسی
(عمومی) (۱ و ۲)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

زبان و ادبیات فارسی

(۱) و (۲)
(عمومی)

دوره‌ی پیش دانشگاهی
درس مشترک کلیه رشته‌ها

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی
نام کتاب: زبان و ادبیات فارسی (۱) و (۲) (عمومی) - ۲۸۳/۱
مؤلفان: دکتر محمدرضا سنگری، دکتر حسن ذوالفقاری و دکتر محمد غلام
آمادگی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی
خطاط رایانه‌ای: شهناز تخم‌چیان
صفحه‌آرا: علی نجفی
طراح جلد: فرید فرخنده‌کیش
تصویر روی جلد: اثر استاد محمدمبارک افامیری
ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران - ۱۵ کیلومتر جاده‌ی مخصوص کرج - خیابان دارویی بخش
تلفن: ۰۲۶۲۲۱۰۴ - ۰۲۶۲۲۱۰۶، دورنگار: ۰۲۶۲۲۴۰، صندوق پستی: ۱۳۴۴۵/۶۸۴
چاپخانه: مازیار
سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ ششم ۱۳۷۹

فهرست مطالب

فصل سوم	فصل اول
درس ششم	درس اول
درآمدی بر ادبیات غنایی ۳۷	درآمدی بر تحمیدیه و مناجات ۲
دریای کرانه نابدید / رابعه قزدار ۴۰	نی‌نامه / مولانا ۴
درس هفتم	درس دوم
من این همه نیستم ۴۱	مناجات / حکیم سنایی ۸
حدی خوان ۴۲	نیایش (صحیفه‌ی سجادیه) / ترجمه‌ی ۸
درس هشتم	جواد فاضل ۹
مناظره‌ی خسرو با فرهاد / نظامی	
گنجوی ۴۴	
درس نهم	فصل دوم
درآمدی بر ادبیات حماسی ۱۵	درس سوم
دو غزل / سعدی شیرازی ۴۸	درآمدی بر ادبیات حماسی ۱۵
نفحات صبح ۴۸	درس چهارم
اکسیر عشق ۴۹	کاوه‌ی دادخواه / دکتر غلامحسین ۱۹
درس دهم	یوسفی ۱۹
دو غزل / حافظ شیرازی ۵۱	درس پنجم
دولت یار ۵۱	گذر سیاوش از آتش / حکیم ۲۹
راه بی نهایت ۵۳	ابوالقاسم فردوسی ۲۹

فصل پنجم	درس یازدهم
درس هفدهم	اشارات صبح / عبدالقادر بیدل ۵۵
درآمدی بر توصیف و تصویرگری ۸۹	دهلوی ۵۵
گویی بظ سقید جامه به صابون زده است ... / منوچهری دامغانی ۹۲	مجنون و عیب‌جو / وحشی بافقی ۵۶
درس هجدهم	درس دوازدهم
دماوندیه / ملک الشعراء بهار ۹۴	سبیده‌ی آشنا / محمد رضا حکیمی ۵۸
درس نوزدهم	قلب مادر / ایرج میرزا ۶۲
توصیف کویما و حیات و طرابلس / ناصر خسرو قبادیانی ۹۸	درس سیزدهم
شب کویر / دکتر علی شریعتی ۱۰۰	کیش مهر / علامه طباطبایی ۶۴
درس بیستم	رنج بی حساب / امام خمینی (ره) ۶۷
به بلبل / لامارتن ۱۰۶	درس چهاردهم
اورازان / جلال آل احمد ۱۰۹	رباعی و دو بیت دیروز / خیام، ابوسعید ۶۹
	ابوالخیر، مولانا، بابا طاهر ۶۹
	رباعی و دو بیت امروز / اقبال لاهوری، قیصر امین‌پور، حسن حسینی، سهیل محمودی ۷۱
	فصل ششم
	درس بیست و یکم
	درآمدی بر حسب حال / زندگی نامه ۱۱۴
	چند حکایت از اسرار التوحید / محمد منور ۱۱۸
	سیرت مولانا / دکتر عبدالحسین زرین کوب ۱۲۲
	درس بیست و دوم
	بارقه‌های شعر فارسی / دکتر محمد علی اسلامی ندوشن ۱۲۸
	دکتر غلامحسین مصاحب ۱۳۳
	اقسائیه‌ی عاشقی ۱۳۴

فصل هفتم	فصل هشتم
درس بیست و چهارم	درس بیست و ششم
درآمدی بر ادبیات داستانی ۱۲۴	درس بیست و هفتم
افشین و بودلف / ابوالفضل بیهقی ۱۲۸	جهاد (نهج البلاغه) / دکتر سید جعفر شهیدی ۱۷۶
درس بیست و پنجم	فهرست و ازگان ۲۱۵
قصه‌ی عنکبوت / رسول پرویزی ۱۵۶	فهرست منابع و مآخذ ۲۲۳
آخرین درس / آلفونس دوده ۱۶۴	

مفان محترم و اولیای گرامی دانش آموزان صاحب نظران می‌توانند نظر اصلاحی خود را در باره‌ی مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۵۸۵۵/۳۲۳ - گروه‌های مربوط ارسال نمایند. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

• به نظر شما بهترین چاپ این کتاب کدام بود؟ چون چاپ‌های متعددی داشت.

بهترین چاپ همان چاپ اول بود. نسخه اولیه، متون بسیاری داشت که مهندس محمدمسعود ابوطالبی مدیرکل وقت آن‌ها را حذف کرده بود. درس‌هایی مثل عقاب خانلری، از فروغ فرخزاد، از شاملو حتی داستان فقیه کهن جامه از سعدی بود. خیلی متن‌های جذابی بود. مدیرکلی که در سازمان پژوهش بود متأسفانه بدون اجازه ما این‌ها را حذف کرد. خیلی ماجرا داشتیم. این کتاب با سانسور چاپ شد. تعدادی از متن‌ها حذف شد. غیر از این‌ها من سلسله کتاب‌هایی را برای آموزش فارسی به خارجیان به سفارش پرفسور فضل‌الله رضا و دکتر احمد مهدوی دامغانی در بنیاد علوی آمریکا تألیف کردم. برنامه‌ای که از سال ۱۳۸۰ شروع کردیم و منجر به تولید بسته کتاب فارسی بیاموزیم^۱ شد. جزو برگزیدگان جشنواره خوارزمی و کتاب تقدیری سال ۱۳۸۴ شد. در سال ۱۳۸۰ من کار دیگری هم که کردم این بود که باتوجه به تجربه خوبی که در دبیرستان داشتم، برای دانشگاه هم یک کتاب فارسی عمومی^۲ نوشتم که در نشر چشمه چاپ شد و با استقبال خیلی بی‌نظیری مواجه شد. تا امروز صدبار چاپ شده است. دلیل اقبال از این کتاب ساختار آن بود، چون یک اشکالی که کتاب‌های درسی دانشگاهی و دبیرستانی دارند همین نداشتن ساختار است. ما آمدم به این‌ها ساختار و نظام فکری دادیم که درواقع استاد و دانشجو روی یک خط حرکت کنند. تمام کتاب‌های ما تا سال ۱۳۸۴ کشکولی بودند. قدیم، جدید، شعر، نثر، همه چیز باهم مخلوط بود. بالاخره ذهن باید با یک روندی مطالعه را شروع کند. ذهن ما باید موقع مطالعه بداند که یک سیر مطالعاتی دارد. مثلاً من اگر بخوام غزل بخوانم باید بدانم از چه دوره‌ای می‌خواهم بخوانم یا چه چیزی می‌خواهم بخوانم. دوره‌ای را باید انتخاب کنم یا مکتبی را. ما آمدم این کار را در آموزش کردیم. بر اساس نظریه ژانرها فصل‌بندی کردیم. با مقاله انواع ادبی دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی هم شروع کردیم که قبل از انقلاب در مجله «فرهنگ زندگی» در شیراز چاپ شده بود. ما آن را دوباره در مجله «رشد ادب» چاپ کردیم. با انتشار آن مقاله و چاپ آن چهار نوع ادبی حماسی، غنائی، تعلیمی و نمایشی را اصل قرار دادیم. چند نوع دیگر هم به کتاب افزودیم. البته در اینجا چون آزادی عمل داشتیم و سانسوری هم در کار نبود سعی کردیم، متن‌هایی را که خودمان می‌خواهیم در چهارچوبی مشخص و با نظم خاص بیاوریم. به دوره معاصر هم خیلی پرداختیم.

• شما چندین سال مسئول مجله «رشد آموزش زبان و ادب فارسی» بودید. با حضور شما چه تغییراتی در این مجله رخ داد؟

من هفده سال مسئول مجله رشد ادب بودم و بیش از هشتاد شماره را من خودم درآوردم. در سال‌های اولیه همان دهه هفتاد چون مجلات ادبی زیادی وجود نداشت، مجله رشد ادب خواننده بسیاری داشت. شمارگان ما گاهی به سی‌هزار می‌رسید. ما حتی در دهه هفتاد مجلات دانشگاهی هم نداشتیم. این مجله آن موقع جزو مجلاتی بود که در دانشگاه هم استفاده می‌شد. در این مجله روندی داشتیم که از استادان بزرگ مقالات آموزشی چاپ می‌کردیم. سلسله مقالاتی داشتیم که معرفی استادان بود که من خود می‌نوشتیم. مرتب می‌گردهایی با اهل فن داشتیم. مجله منضبط و خوبی بود. این مجله در پرورش اهل قلم بسیار مؤثر بود. ما تعدادی از معلمان را که دست‌به‌قلم بودند تشویق می‌کردیم. مقاله او را در مجله چاپ می‌کردیم و اگر ناقص بود کمکش می‌کردیم. خیلی از اهالی قلم در مجله ما تربیت شدند.

• بازخورد معلمان نسبت به تغییر کتاب‌های درسی چگونه بود؟

در آن سال‌ها مشکلات زیادی داشتیم نا بتوانیم در مسئولان و معلمان تغییر فکر و تغییر ساختار ایجاد کنیم. تغییر نگرش و تغییر ساختار و نگاه تازه به ادبیات زمان‌گیر بود. مشکل سومی هم داشتیم که مربوط به ساختار کتاب‌های درسی و نظام بسته‌ای می‌شد که وجود داشت. نگاه‌های بسته‌ای که همیشه بوده و الآن هم هست. ما دو تا مشکل را توانستیم حل کنیم، نگاه‌ها عوض شد. ما سالی که کار کتاب‌های درسی جدید را شروع کردیم با استقبال شدید معلم‌ها روبه‌رو شدیم. یادم هست که اولین دوره آموزشی ما در مشهد بود. آن سال سیصدتا از بهترین مدرسان کتاب‌های پیش‌دانشگاهی به مشهد آمدند تا دوره آموزشی کتاب را ببینند. آن‌ها ما را نمی‌شناختند. من و دکتر محمدرضا سنگری و دکتر محمد پارسانسب که مؤلفان کتاب بودیم برای سخنرانی دعوت شدیم، همه فکر می‌کردند الآن سه نفر آدم پیر دانشگاهی عصازنان می‌خواهند بروند بالا، اسم ما را هم تابه‌حال نشنیده بودند. بعد دیدند، سه تا جوان هستیم. من سال ۱۳۷۴، ۲۷-۲۸ سالم بود. دوستان من هم همین‌طور مثلاً دکتر محمدرضا سنگری ۳۰-۳۲ سالش بود. سه جوان رفتیم بالا و همه تعجب کردند. ما توضیح دادیم که ما جوان هستیم. معلم هستیم. مثل خود شما هستیم. نگاه ما نگاه جدید و نو است. کم‌کم طی دوره ضمن خدمت افکارمان خیلی به معلمان نزدیک شد. آن‌ها هم پذیرفتند و این برنامه خیلی خوب اجرا شد. مقداری فضا را باز کرد. حتی یادم هست در سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۷۸، به دعوت خانه کتاب راجع به کتاب‌های درسی جدید صحبت کردم. آقای علی‌اصغر محمدخانی آنجا جمله‌ای گفت که آموزش و پرورش در انتخاب متون از وزارت ارشاد جلوتر است. با همه سانسورهایی که می‌شد باز کتاب‌های دبیرستانی چند قدم جلوتر بودند. به‌رحال معلم‌ها می‌دیدند که نیمی از آن آرزوهایشان دارد در این کتاب‌ها محقق می‌شود. افرادی هم از

۱ فارسی بیاموزیم (آموزش فارسی به ایرانیان خارج از کشور) به همراه نوار و لوح فشرده، ۱۱ جلد، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۰.

۲ زبان و ادبیات عمومی (فارسی عمومی مراکز تربیت معلم و دانشگاه‌های کشور)، تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۸.

ما به کتاب درسی نیاز نداریم، به برنامه درسی نیاز داریم
باید برنامه درسی را به معلم بدهیم تا خودش بنا بر نیاز و شرایط کتاب بنویسد
معلم‌ها باید خودشان متون را بر اساس برنامه و بر اساس نیاز هر منطقه انتخاب بکنند
معلم باید تشخیص بدهد که چه درسی برای کجا لازم است

هر قومی شاعران بومی دارند،
اقوام باید متناسب با علایق و گرایش‌های خودشان از شاعران بومی خودشان
در کلاس‌ها شعر بخوانند

خودش بنا بر نیاز و شرایط کتاب بنویسد. ممکن است اولش یک چالش‌هایی در پیش داشته باشد ولی خودبه‌خود حل می‌شود. معلم‌ها باید خودشان متون را بر اساس برنامه و بر اساس نیاز هر منطقه انتخاب بکنند. ما اقلیم‌های مختلف، مذاهب مختلف داریم. معلم باید تشخیص بدهد که چه درسی برای کجا لازم است. هر قومی شاعران بومی دارند، اقوام باید متناسب با علایق و گرایش‌های خودشان از شاعران بومی خودشان در کلاس‌ها شعر بخوانند.

• پس شما معتقد هستید که الآن بهترین روش برای کتاب‌های درسی تألیف کتاب به صورت آزاد است که امتحان نیز برحسب سرفصل‌های کتاب باشد؟

بله؛ منتها آن سال‌ها بحث کنکور را پیش می‌کشیدند. چون بچه‌ها باید برای کنکور یک سال درس می‌خواندند. حالا در این سال‌ها که کنکور هم دارد برداشته می‌شود و قرار است که پذیرش غیر کنکوری بشود، این مشکل را هم نخواهیم داشت.

• درس‌هایی که به عنوان درس آزاد در کتاب‌ها گذاشته شده، با همین رویکرد است و آیا کفایت می‌کند؟

درس آزاد از دوره ابتدایی شروع شد. هدفش انعکاس ادبیات محلی است. ما نباید اقوام را نادیده بگیریم. اقوام ایرانی بخش مهمی از هویت ملی هستند، این‌ها باید خودشان را در کتاب‌های درسی ببینند و بدانند که هر قومی اول ایرانی است و نباید خودش را از ایران جدا بداند. ما اول باید ایرانی باشیم بعد بگوییم لر، ترک، بلوچ، کرد و عربیم. همه این‌ها باید خودشان را در کتاب درسی ببینند. یک دانش‌آموز کرد زبان افتخارش باید به دو چیز باشد: یکی به ایرانی بودن و بعد به کرد بودن و بداند که اگر ایران نباشد کرد هم نیست. ما این فکر را دنبال کردیم. در سال ۱۳۷۶ کارگروهی تشکیل دادیم که کتاب‌های بومی بنویسد، مثل جغرافیای استان یا کتاب ادبیات استان که هر استانی ادبیات محلی خودش را بخواند. اصل پانزدهم قانون اساسی دقیقاً همین را می‌گوید. ما می‌خواستیم اصل پانزدهم را محقق کنیم. در کنار کتاب اصلی یک کتاب

داخل مجموعه ما و هم از خارج از سازمان مانع می‌شدند، اما این برنامه راهی را باز کرد که بر برنامه‌های درسی دانشگاهی تأثیرگذار بود. کم‌کم در دانشگاه‌ها احساس کردند، دانش‌آموزانی که به دانشگاه می‌آیند ادبیات معاصر را خیلی خوب فرا گرفته‌اند. چطور می‌شد که دانشگاه از دبیرستان عقب بیفتد. من یادم هست هم‌اندیشی‌ای^۱ در شیراز بود که دکتر نصرالله امامی این جمله را گفت: دانشگاه‌ها امروز از دبیرستان‌ها عقب افتاده‌اند. دانشگاه‌ها دو واحد هم ادبیات معاصر نداشتند یا اگر هم داشتند ادبیات معاصر دیگری مدنظرشان بود نه این ادبیات معاصر.

کار دیگر ما در دبیرستان این بود که حوزه زبان و مهارت‌های زبانی از ادبیات جدا کردیم. کتاب زبان فارسی و ادبیات فارسی جدا شد. آنجا هم در زبان فارسی ما از وجود استادان بزرگی همچون دکتر علی محمد حق‌شناس، استاد احمد سمیعی (گیلانی) و بقیه بهره بردیم، اولین بار تألیف استانی را رواج دادیم، مثلاً کتاب اول را به استان اصفهان سفارش دادیم، کتاب دوم را به استان فارس دادیم، کتاب سوم را دادیم به تبریز، کتاب تخصصی انسانی را دادیم به خراسان، خلاصه جمعی از معلمان فرهیخته هر استانی آمدند و خودشان شدند مؤلفان کتاب‌های درسی. برای اولین بار در سال ۱۳۷۵ ما برنامه درسی نوشتیم و دادیم به معلم‌های استان‌ها و خودمان هم کمکشان کردیم. یعنی چندتا رویکرد را باهم در پیش گرفتیم، برنامه درسی، نگاه نو. ساختاربندی و واگذاری تألیف به استان‌ها که همه این‌ها نتایج بسیار خوبی داشت. اعتقاد این بود و الآن هم همین هست که ما به کتاب درسی نیاز نداریم، به برنامه درسی نیاز داریم. باید برنامه درسی را به معلم بدهیم تا

۱ فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در برابر واژه بیگانۀ «seminar / سمینار» با تعریف «سلسله سخنرانی‌هایی درباره موضوعی معین که بیشتر جنبه آموزشی و تبادل اطلاعات دارد و منظور از برگزاری آن نیل به مصوبه قانونی نیست؛ این سخنرانی‌ها هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی تشکیل می‌شود و تعداد شرکت‌کنندگان در آن محدود است؛ این واژه گاه به محل برگزاری این سخنرانی‌ها نیز اطلاق می‌شود»، معادل «هم‌اندیشی» را تصویب کرده است.

در انتخاب متون درسی می‌گفتند خط قرمز

ما تا به حال نفهمیدیم آن خط قرمز چیست و آن خط را چه کسی کشیده است

چه کسانی این‌ور خط هستند چه کسانی آن‌ور خط

متأسفانه افرادی بودند که خودخواسته این خط‌ها را می‌کشیدند

این خط‌ها، خط‌های نظام نبود

می‌گفتند خط قرمز؛ ما تا به حال نفهمیدیم آن خط قرمز چیست و آن خط را چه کسی کشیده است. چه کسانی این‌ور خط هستند چه کسانی آن‌ور خط، اما به هر حال با تمام درگیری‌هایی که داشتیم و بیشتر هم درونی بود، کسی از بیرون به ما نمی‌گفت این کار را بکنید. این کار را نکنید. متأسفانه افرادی بودند که خودخواسته این خط‌ها را می‌کشیدند. این خط‌ها، خط‌های نظام نبود. ما حتی یک دوره‌ای در آوردن شعر از اخوان ثالث مشکل داشتیم. اولین شعرهای انقلابی را سایه گفته است ولی ما در آوردن شعرهای ایشان در کتاب درسی هم مشکل داشتیم.

• آقای دکتر درباره خط کتاب‌ها، بحث درباره خط تحریری، نوع خط، تغییر خط و اینکه خط خاصی انتخاب شود، مربوط به سال‌هایی است که شما آنجا بودید؟

بله؛ یکی از چیزهایی که به بحث خواندن و نوشتن در دوره ابتدایی منجر شد بحث بخوانیم و بنویسیم بود. ما روی خط خیلی اصرار داشتیم که خط زاویه‌داری که در کتاب‌ها بود نباشد چون موجب بدخطی می‌شد. چون خیلی زاویه داشت و هندسی بود. در حالی که خط فارسی هندسی نیست، خط فارسی، خط تحریری‌اش نستعلیق و همه خطوطش هنری است. حتی هم‌اندیشی‌ای گذاشتیم، هم‌اندیشی خط خوش. مجموعه‌اش هم به اسم خط خوش در سازمان پژوهش چاپ شد که آنجا چهل پنجاه مقاله راجع به خط نوشتند، آنجا خطی بین خط تحریری و خط نسخ یعنی خط روزنامه‌ای طراحی شد که الآن خط فعلی کتاب‌های درسی است تا بچه‌ها از همان ابتدا خط خوش را ببینند. چون بحث دیدن است و با دیدن همین را یاد بگیرند و بنویسند. ما الآن دو خط داریم یکی خطی که بچه باید ببیند و بخواند و یکی خطی که ببیند و بنویسد. خط روزنامه و نسخ و یکی هم خط تحریری. نستعلیق هنری است. ما یک خط نستعلیق هم برای شعرها گذاشتیم که این را هم ببینند. شعرها معمولاً به خط نستعلیق بود. ما در بحث خط هدفمان همین بود. منتها بعدها در ارزیابی کتاب‌ها فهمیدیم که مشکل از معلم‌هاست. معلمانی که با آن خط پای تخته می‌نوشتند. دانش‌آموز ما هم همان‌طور می‌دید. بنابراین ما همیشه به معلم‌ها توصیه می‌کردیم بروند خط تحریری را یاد بگیرند. اتفاقاً کلاس‌هایی که معلم خیلی خوش خط بود و خط تحریری‌اش خوب بود، بچه‌ها موفق‌تر بودند. یک دلیل بدخطی بچه‌ها هم زیاد نوشتن

فارسی محلی وجود داشته باشد. منتها گفتیم این اختیاری باشد. کارگروه‌هایش تشکیل شده و در شورای برنامه‌ریزی برنامه‌هایش ریخته شد. ولی در یک مقطعی نیمه‌کاره رها شد. حالا از کجا، به چه دلیل رها شد، هنوز نفهمیدم. تأکید ما بر ادبیات محلی هراستان بود نه زبان، زبان مادری را همه بلدند، چه لزومی دارد بچه‌ای که زبان مادری‌اش بلوچی است، دوباره به او بلوچی یاد بدهیم، او باید در کنار فارسی، ادبیات بلوچی را هم یاد بگیرد. دانش‌آموزان بدانند که شاعران بزرگ کرد، ترک، بلوچ و لر چه کسانی هستند. بر این اساس بعدها در کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم ابتدایی درس آزاد محقق شد.

• فرمودید اول کتاب پیش‌دانشگاهی بود بعد سه سال دبیرستان؟

اول سه کتاب برای دوره راهنمایی نوشته شد. از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ این‌ها تألیف شد و من خودم هم یک سال کتاب‌های راهنمایی را تدریس کردم. آن سال‌ها آقای محمدجواد شریعت، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، دکتر غلامعلی حداد عادل از مؤلفان کتاب بودند. کتاب‌ها به روش جدید تألیف شد و خانم سیما وزیرنیا هم سرپرست گروه تألیف بودند که خیلی هم زحمت کشیدند. بعد کتاب پیش‌دانشگاهی و بعد کتاب‌های دبیرستان و بعد هم کتاب‌های ابتدایی تألیف شدند.

• ممیزی که برای انتخاب متون درسی صورت می‌گرفت چگونه بود؟

انتخاب ما بر اساس برنامه بود، چون ما یک برنامه داشتیم، مثلاً باید از ادبیات توصیفی یا از ادبیات معاصر یا از ادبیات تعلیمی انتخاب می‌کردیم چون ما موضوع داشتیم، باید موضوعی عمل می‌کردیم، حتی در دوره راهنمایی هم این‌طور بود، مثلاً راجع به ایران باید سه تا درس از شهرهای مختلف باشد. در دوره دبیرستان هم به همین روش عمل کردیم. فرض کنید راجع به ادبیات جهان، چون این‌ها موضوع داشتند باید به تناسب موضوع می‌بود، یک‌بخشی هم انتخاب ما بود. مثلاً از چندین متن آن متنی را که برانگیزاننده‌تر و به علایق دانش‌آموز نزدیک‌تر بود انتخاب می‌کردیم و بیشتر به ادبیات تعلیمی توجه می‌کردیم. آن چیزی که برای دانش‌آموز جنبه تعلیمی داشته باشد، مثلاً راجع به جوانی، نشاط، اخلاق‌مداری. یک‌بخشی از پس‌زمینه ما تعلیمی بود، یک‌بخشی نگاه به علایق دانش‌آموزان و اینکه مهم‌ترین و برجسته‌ترین اشعار و متون و معروف‌ترین‌شان باشند. حالا در این اهداف ممکن بود خلل‌هایی هم ایجاد شود. اظهارنظرهای شخصی هم می‌شد و

آموزش دستور زبان به دانش آموز جز خستگی، ملالت، کسالت و سرخوردگی، هیچ نتیجه‌ای ندارد

باید در قالب آئین نگارش اگر غلط‌های دستور زبانی مشاهده می‌کنیم به دانش آموز یاد بدهیم

این کار دانشگاه است. دانش آموز در مدرسه باید زندگی را یاد بگیرد، از نظر ما یک دانش آموز از روز اول باید زندگی کردن را یاد بگیرد. درست حرف زدن و نوشتن جزو زندگی است. بقیه دروس هم باید در خدمت زندگی کردن باشد. حالا در ادبیات چطور باید زندگی کردن را یادش بدهیم؟ با خواندن رمان، داستان، شعر. یک بعد زندگی هم، بعد نوشتاری است که باید یاد بگیرد نامه بنویسد درد دلش را بنویسد. حالا دستور زبان رشته‌ای تخصصی است که باید در دانشگاه یاد بگیرد. آن هم برای رشته ادبیات فارسی. چه لزومی دارد کسی که رشته‌اش فیزیک است، دستور زبان فارسی یاد بگیرد. دستور زبان را باید طور دیگری یاد بدهیم. اگر هم یاد می‌دهیم عملی باشد. نثر محمدعلی اسلامی ندوشن را به عنوان نمونه نثر معیار بگذاریم، بعد ساختارهای زبان فارسی را از روی این نثر یاد بدهیم. متون معیار را در اختیارش قرار بدهیم و اگر ساختار زبان را بلد نیست، لابه‌لای متون بعضی نکات دستوری را یاد دهیم؛ ضمن اینکه بچه‌ها معمولاً در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و متوسطه اول، بعضی چیزها را یاد می‌گیرند، دلیلی ندارد که دوباره قواعد را به آن‌ها یاد بدهیم. قواعد باید در جهت نگارش باشد. باید نوشتن را تقویت کنیم. الآن با وجود کتاب نوشتن، دستور زبان مقداری در حاشیه قرار گرفته است که به نظر من خوب است.

• از چه زمانی به فرهنگستان تشریف آوردید؟

در سال ۱۳۹۰ به دعوت جناب دکتر غلامعلی حداد عادل و برای تشکیل گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی به فرهنگستان آمدم و این گروه را تشکیل دادم. هدف این گروه بررسی مسائل و مشکلات آموزشی آموزش زبان و ادبیات فارسی در مدارس و دانشگاه‌هاست. یکدست کردن رسم الخط کتاب‌های درسی از اقدامات مهم سال‌های اخیر بود. در این گروه تحقیقات دامنه‌داری درباره مسائل آموزشی شروع شد.

• چه سمت‌هایی داشتید؟

- رئیس مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۹۴ تاکنون)؛
- عضو شورای پژوهشی کتابخانه مجلس شورای اسلامی تا سال ۱۳۸۱؛

مشق بود و ما آنجا کلاً پرونده‌اش را بستیم. بحثی که این روزها هم مطرح هست. ما آنجا کتاب بنویسیم را جایگزین تکلیف‌های بی‌هدف خانگی کردیم که در واقع نمونه‌های خط تحریری را می‌دادیم و بچه‌ها در مدرسه از روی آن می‌نوشتند. ما اعتقاد داشتیم که کتاب بنویسم باید در مدرسه بماند و بچه‌ها کتاب را با خود نبرند و بیاورند. آن زمان‌ها روگرفت^۱ (polycopie) خیلی زیاد بود و معلم برای اینکه نشان بدهد من معلم خوبی هستم، روگرفت می‌داد. معلم ریاضی روگرفت می‌داد. حتی معلم ورزش هم روگرفت می‌داد. دانش آموز از صبح تا شب سرش در روگرفت بود. این هم موجب سردرگمی و بد شدن خط می‌شد و هم بچه را بی‌حوصله می‌کرد. بچه باید بازی کند. اعتقاد ما این است که تمرین بیش از حد نتیجه عکس می‌دهد. معلم‌ها اندازه را رعایت نمی‌کردند فقط می‌خواستند بگویند ما خیلی فعال هستیم. خانواده‌ها هم از قضا خیلی خوشحال بودند و نمی‌دانستند که این نوشتن‌های زیاد دردی را دوا نمی‌کند.

در دوره ابتدایی بحث کار گروهی را هم آوردیم که هم‌زمان با کتاب‌های ابتدایی شروع شد. کتاب‌های ابتدایی هم‌زمان به شیوه گروهی در مدارس تدریس می‌شد و معلمان هم در دوره ضمن خدمت این روش‌ها را آموزش می‌دیدند. کار سوم هم این بود که ما در دوره ابتدایی ارزشیابی کیفی را رواج دادیم. ارزشیابی تا آن سال کمی و نمره‌ای بود ولی بعد کیفی شد.

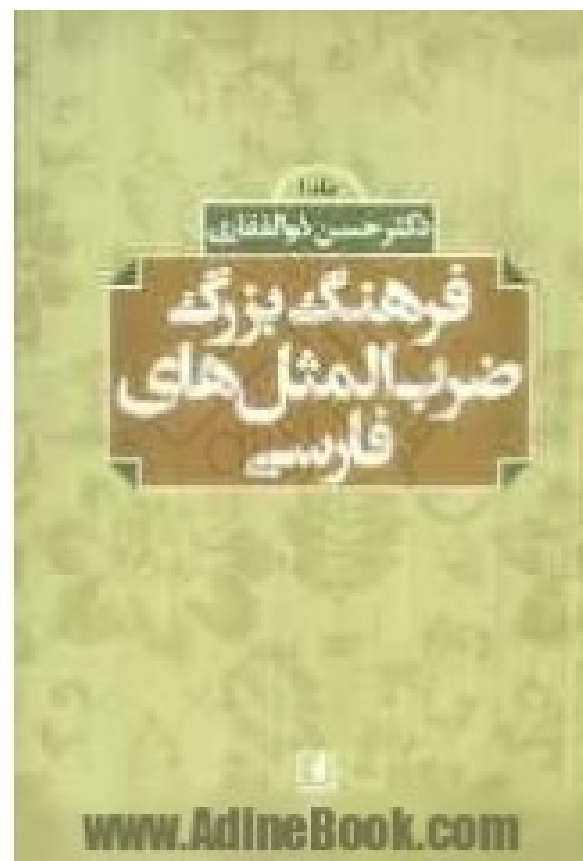
• نظر شما درباره آموزش دستور چیست؟

آموزش دستور برای خارجی خوب است. دانش آموز ما که دستور بلد است. ما به نگارش نیاز داریم. دستوری که از منظر نگارش باشد؛ یعنی، الآن خوشبختانه تقریباً دیگر دستور را مستقیم درس نمی‌دهند. البته معلم‌هایی دوست داشتند که دستور باشد، چون محل قدرت‌نمایی برخی معلمان دستور است. ولی دستور را برای چه باید درس داد؟ برای درست حرف زدن و درست نوشتن.

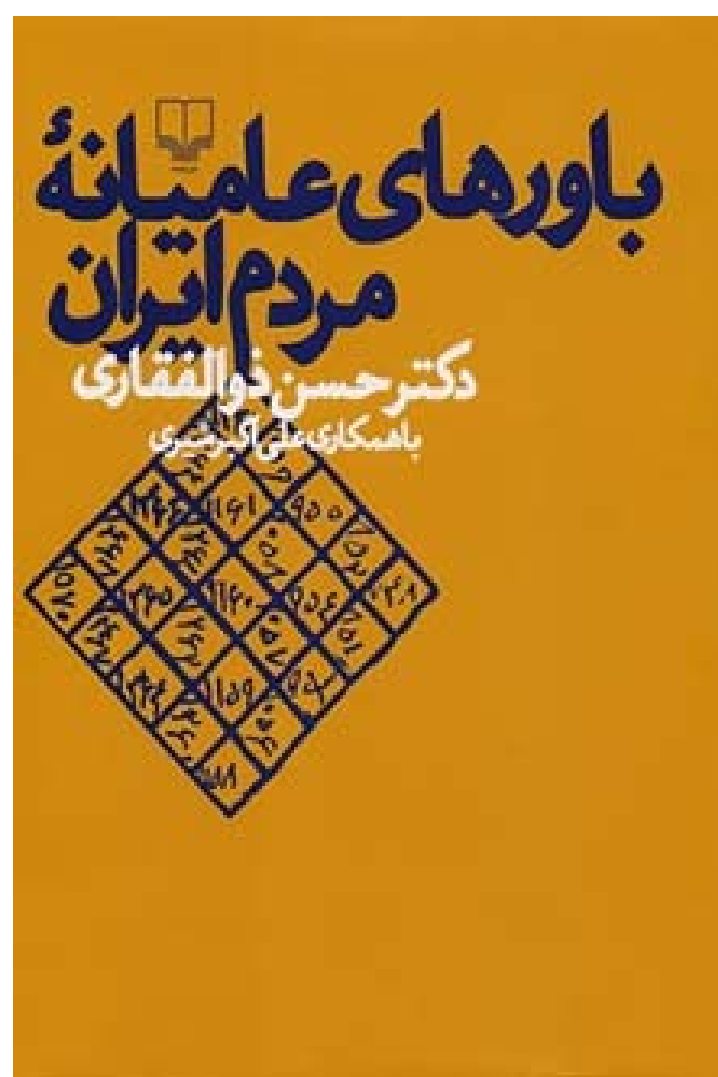
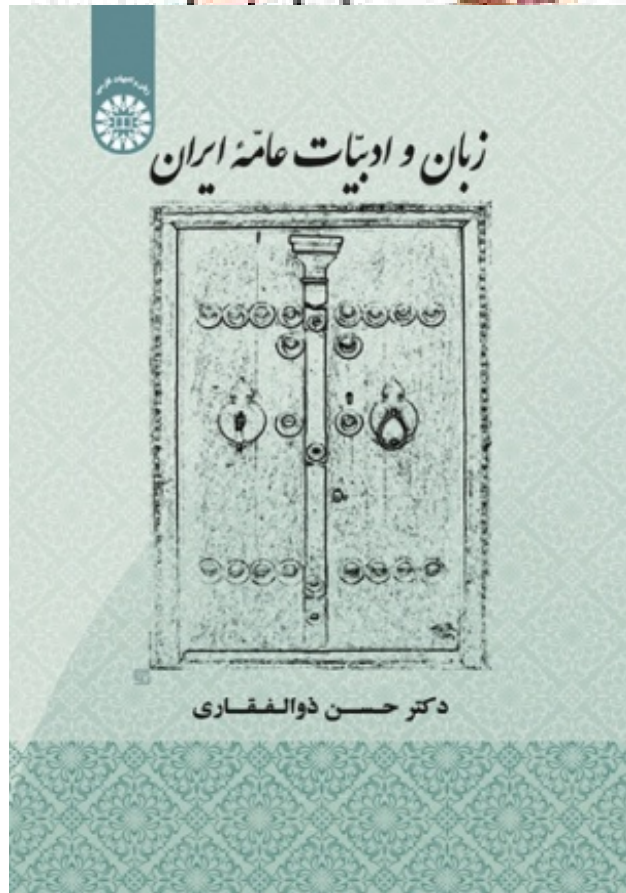
• پس دانش آموز دستور زبان به شیوه علمی را کی باید آموزش ببیند؟

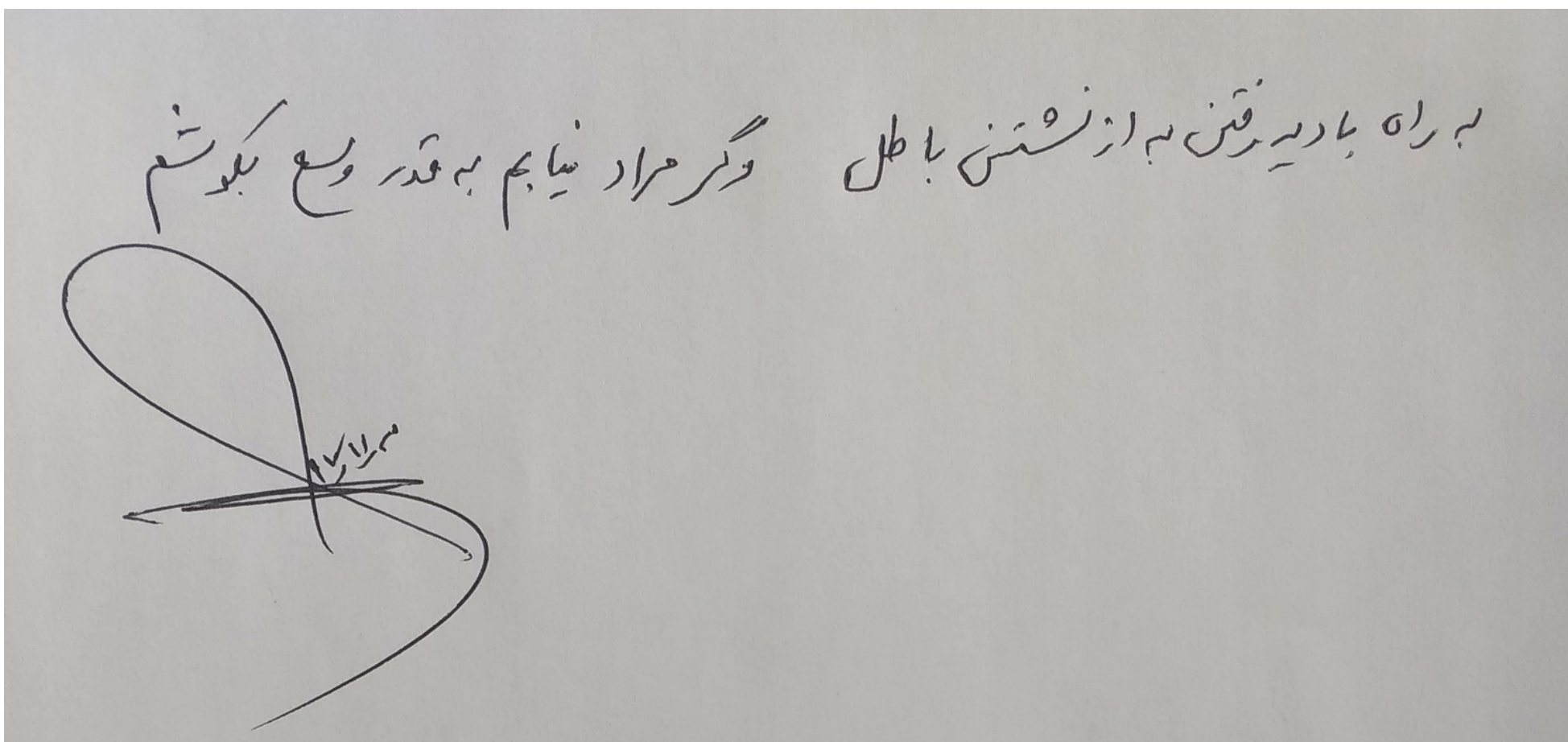
۱ فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در برابر واژه بیگانه «کپی / copy» با تعریف «نسخه‌ای که کاملاً شبیه نسخه اصلی باشد»، معادل «رونوشت، روگرفت» را تصویب کرده است.

- ۱۷. کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی (دوره دبستان، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی) (با همکاری)، ۲۶ جلد، وزارت آموزش و پرورش.
 - ۱۸. فارسی بیاموزیم، (آموزش فارسی به ایرانیان خارج از کشور)، ۱۱ جلد، انتشارات مدرسه، به همراه نوار و لوح فشرده.
 - ۱۹. زبان و ادبیات عمومی (فارسی عمومی مراکز تربیت معلم و دانشگاه‌های کشور)، چ اول ۱۳۷۸، چ ۹۸، ۱۳۹۸، نشر چشمه.
 - ۲۰. کتاب کارانشا و نگارش (۳ جلد)، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۵-۱۳۸۹.
 - ۲۱. هشت‌بهشت (گزیده گلستان سعدی)، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چ دوم، ۱۳۸۴.
 - ۲۲. قاف غزل، نشر چشمه، ۱۳۸۳.
 - ۲۳. در قلمرو آموزش زبان ادبیات فارسی، تهران، مجمع علمی آموزش زبان و ادبیات فارسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۷.
 - ۲۴. ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات دکتر محمدجعفر محجوب) نشر چشمه، چ چهارم، ۱۳۸۸.
 - ۲۵. چهل داستان از چهل نویسنده معاصر، چ ششم، تهران، نیما، ۱۳۸۴.
 - ۲۶. پیغام اهل راز، انتشارات پویش معاصر، ۱۳۸۰.
 - ۲۷. حافظ به روایت شهریار، تهران، چشمه، ۱۳۸۱.
 - ۲۸. سریر سخن (مجموعه مقالات دومین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی)، مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۴.
 - ۲۹. چاه وصال (تصحیح و تحلیل و پژوهش)؛ سراینده میرزا احمد سند، تهران، اهل قلم، ۱۳۷۵.
 - ۳۰. حافظ قدسی (با همکاری)، تهران، چشمه، ۱۳۸۱.
 - ۳۱. حسن و دل فتاحی نیشابوری (تصحیح با همکاری)، نشر چشمه، ۱۳۸۷.
 - ۳۲. بهرام و گل‌اندام صافی سبزواری (تصحیح با همکاری) نشر چشمه، ۱۳۸۷.
 - ۳۳. معشوق بنارس خطای شوشتری (تصحیح با همکاری) نشر چشمه، ۱۳۸۸.
 - ۳۴. بدیع‌الزمان نامه ناشناس، (تصحیح با همکاری) نشر چشمه، ۱۳۸۷.
 - ۳۵. وامق و عذرا شعیب جوشقانی، (تصحیح با همکاری) نشر چشمه، ۱۳۸۷.
 - ۳۶. خورشید آفرین فلک ناز، (تصحیح با همکاری) نشر چشمه، ۱۳۸۸.
 - ۳۷. لیلی و مجنون مکتبی شیرازی، (تصحیح با همکاری) نشر چشمه، ۱۳۸۹.
 - ۳۸. هشت‌بهشت امیر خسرو دهلوی، (تصحیح با همکاری) نشر چشمه، ۱۳۹۱.
 - ۳۹. جامع التمثیل، محمدعلی حبله‌رودی، (تصحیح با همکاری) نشر معین، ۱۳۹۰.
 - عضو کارگروه ملی المپیاد ادبی و عضو بنیاد ملی نخبگان؛
 - عضو کارگروه علوم انسانی صندوق حمایت از پژوهشگران کشور (۱۳۹۰ تاکنون)؛
 - عضو کارگروه برنامه درسی وزارت علوم؛
 - عضو کارگروه تدوین سند خط و زبان فارسی فرهنگستان؛
 - دبیر جایزه فرهنگستان به مطبوعات (۱۳۹۲ تاکنون)؛
 - عضو هیئت‌مدیره انجمن علمی استادان زبان و ادب فارسی؛
 - مؤسس و عضو هیئت‌مدیره انجمن علمی نقد ادبی ایران؛
 - مشاور عالی، عضو هیئت‌علمی و مدخل نگار دانشنامه فرهنگ مردم مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی؛
 - سردبیر فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ و ادبیات عامه؛
 - عضو هیئت تحریریه مجله‌های جستارهای ادبی، نقد ادبی، متن‌شناسی ادبی، فصلنامه؛ بلاغی و زبانی و چند نشریه دیگر.
- از آثار و تألیفات خود بفرمایید.
- هشتاد مقاله علمی پژوهشی و ۱۵۰ مقاله در مجلات دیگر و ۱۸۰ مقاله دایرةالمعارفی دارم. مشاور و راهنمای هفتاد زساله و پایان‌نامه بودم. عناوین کتاب‌هایم چنین است:
۱. منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی، تهران، نیما، ۱۳۷۴، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
 ۲. فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی، تهران، انتشارات معین، ۲ جلد، ۱۳۸۸.
 ۳. مکاتبات اداری، وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۲.
 ۴. راهنمای درست‌نویسی، وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۳.
 ۵. داستان‌های امثال، نشر مازیار، ۱۳۸۴.
 ۶. سردلبران، نشر مازیار، ۱۳۸۶.
 ۷. راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی، تهران، علم، ۱۳۸۷.
 ۸. ادبیات مکتبخانه‌ای ایران (با همکاری)، ۳ جلد، نشر رشد آوران، ۱۳۹۱.
 ۹. یک‌صد منظومه عاشقانه فارسی، نشر چرخ، ۱۳۹۲.
 ۱۰. فرهنگ‌واره نامه‌نگاری، نشر چشمه، ۱۳۹۲.
 ۱۱. شیوه‌نامه نگارش (با همکاری)، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۲.
 ۱۲. زبان و ادبیات عامه ایران، انتشارات سمت، ۱۳۹۴.
 ۱۳. باورهای عامیانه مردم ایران، انتشارات چشمه، ۱۳۹۴.
 ۱۴. آیین نگارش و ویرایش، انتشارات فاطمی، ۱۳۹۵.
 ۱۵. ادبیات داستانی عامه، انتشارات خاموش، ۱۳۹۷.
 ۱۶. از گلستان من ببر ورقی، انتشارات خاموش، ۱۳۹۷.



۴۰





عکس: رحمت الله فلاح

- ۴۱. روضه الشهداء واعظ کاشفی، (تصحیح با همکاری) نشر معین، ۱۳۹۰.
- ۴۲. هفت منظر هاتفی خرجردی، (تصحیح با همکاری) نشر رشد آوران، ۱۳۹۲.
- ۴۳. بهار دانش، عنایت الله کنبوه، (تصحیح با همکاری) نشر رشد آوران، ۱۳۹۲.
- ۴۱. چهاردرویش، ناشناس، (تصحیح با همکاری) ققنوس، ۱۳۹۵.

چند طرح ملی هم اجرا کردم.

طرح‌های تحقیقاتی اجرا شده و در دست انجام:

- دایرةالمعارف ادبیات داستانی (با همکاری دکتر پارسانسب)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (معاونت فرهنگی)، ۱۳۸۸؛
- پیکره‌شناسی ضرب‌المثل‌های ایرانی، صندوق حمایت از پژوهشگران کشور، ۱۳۸۹؛
- الگوهای غیرمعیار در زبان مطبوعات، معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵؛
- تدوین برنامه درسی رشته نسخه‌پژوهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی وزارت علوم، ۱۳۸۶؛
- گزارش نقشه جامع علمی کشور در زبان و ادبیات فارسی، جهاد دانشگاهی به سفارش شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۷؛
- کتابشناسی توصیفی زبان و ادبیات فارسی (با همکاری)، مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۷؛
- مطالعه در بومی سرودهای ایران، صندوق حمایت از پژوهشگران کشور، ۱۳۹۲؛
- افسانه‌های متشور پهلوانی ایران (با همکاری)، پژوهشکده فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۲؛
- ادبیات منظوم عامه، صندوق حمایت از پژوهشگران کشور، (۱۳۹۴)؛
- افسانه‌های منظوم پهلوانی ایران (با همکاری)، پژوهشکده فرهنگ، هنر و ارتباطات، (۱۳۹۴).

عکس: رحمت الله فلاح



بازدید دانش آموزان پایه ششم از فرهنگستان زبان و ادب فارسی

ماه گذشته، ۲۸ بهمن، تعدادی از دانش آموزان کلاس ششم مدرسه پسرانه مولوی، منطقه چهار تهران، با معلم هایشان به فرهنگستان زبان و ادب فارسی آمده بودند. از آن‌ها خواستیم درباره زبان فارسی یک بند بنویسند. آنچه در ادامه خواهید خواند نوشته‌هایی است در تکمیل این عبارت: «زبان فارسی را دوست دارم چون ...». تا حد امکان تغییری در زبان دست‌نوشته‌ها نداده‌ایم.

من زبان فارسی را دوست دارم، چون ...

... با بقیه زبان‌ها فرق دارد و مثل رود زلال است. با زبان فارسی، چه شعرها و چه داستان‌ها که نوشته نشده است. (مانی خلیلی)

... زبان مادری من است؛ این زبان از گذشته‌های دور با ما رسیده و ما باید در حفظ آن بکوشیم. (ایلیا اسکندری)

... کلماتی بسیار زیبا و قشنگی دارد. من به این زبان مادری افتخار می‌کنم. (محمدحسن فراهانی)

... چون زبان مادری من است. (محمد مصطفی پنجی‌نژاد)

... من به کمک معلم عزیزم درس فارسی و زبان میهن خودم را یاد گرفته‌ام. (امیرمهدی حسین)

... چون باعث افتخار و سربلندی کشور من است. (پرهام ضیایی)

... مانند یک گنج، شناسنامه ما در تمام این سال‌ها بوده است. (محمد محمد حسینی)

... زیرا عمر زیادی دارد و چیزهای زیادی از آن یاد گرفته‌ام. (سید رادمان جلالی)

... تا نخوانی نتوانی، از آن گویی، که گرگویی، ندانی. (مصباح مؤمن زاده)

چون پر از شعرهای زیبایی است که هر کدام، یک نوع آهنگ و لحن متفاوت دارد. (آرمین نعمت‌اللهی)

... زبان فارسی باعث افتخار و سربلندی من است. فارسی زبان مادری یا زبان اصلی مردمان کشور عزیزم ایران است و به همین دلیل یکی از دوست‌داشتنی‌ترین و باارزش‌ترین چیزهای ملت من ایران است. من و تمام مردم ایران باید در تلاش باشیم تا زبان فارسی پاینده بماند. (آروین صدرائی)

... زبان فارسی باعث پیوستگی ما می‌شود. باعث برقراری ارتباط همدلی، هم‌دردی، محبت و اتحاد اگر زبان فارسی نباشد ما ایرانی‌ها دیگر باهم نمی‌توانیم ارتباط برقرار کنیم. زبان فارسی یکی از مهم‌ترین دارایی ما ایرانی‌هاست. (بردیا جبلی)

... زبان فارسی زبان مادری من است و در طول تاریخ دچار تغییراتی شده است و هویت ما ایرانی‌ها در هر جای دنیا زبان فارسی است. ما نباید از کلمات خارجی استفاده کنیم زیرا این کار باعث فراموشی زبان فارسی می‌شود و این زبان باید به خوبی حفظ شود زیرا انسان‌های بزرگ و خردمندی مانند فردوسی و دهخدا عمر خود را برای کمک به بشریت و حفظ زبان فارسی فدا کردند بنابراین ما نباید این‌گونه به زبان فارسی آسیب بزنیم و آن را پایدار و پایدارتر کنیم. (امیرحسین قربانی)

... زبان مادری من است. (ارکین محمدی)

... یکی از میراث‌های باارزش ماست و باید آن را پاس بداریم و قدر آن را بدانیم. (آرین چاقری)

... هر سال مانند یک نهال رشد می‌کند. (محمد مهرآبادی)

... زیباترین زبان دنیاست. (علیرضا آزاد)

معرفی کتاب‌های آموزش زبان فارسی در خارج از ایران (۹)

نتیجه القواعد



دکتر سیده‌زیبا بهروز^۱

محمد عارف، نتیجه القواعد، [بی‌جا]، مکتب طیبیه شاهانه، ۱۲۷۶ق. ۱۵صفحه.

این کتاب رساله‌ای است معتبر به زبان ترکی عثمانی که مبتنی بر کتاب قواعد فارسیه، نوشته مرحوم شاکای افندی، از خواجگان اندرون همایون است. کتاب متعلق به اوایل دوران تنظیمات و در پادشاهی عبدالمجید دوم (۱۸۶۱م) نگاشته شده است؛ از گروه کتاب‌های آموزش سنتی قواعد دستوری است اما به لحاظ شمول مطالب و دقت فراوان، حائز اهمیت است.

ساختار کتاب

مؤلف پس از ذکر بسم‌ا...، کتاب خود را با تعریف صیغه مختلفه مصدر چنین آغاز کرده است: مصدر اسمی است که دائماً آخر آن نون ساکن ماقبل دال (مصدر دالی) یا ماقبل تاء (مصدر تائی) است. سپس اشاره کرده است که در مصادر دالی ماقبل دال یکی از حروف «پارنو» و در مصادر تائی یکی از حرف «خسشف» می‌آید؛ مانند کشیدن، نهادن، خوردن، ... سوختن، خواستن، یافتن،

داشتن ... فقط آمدن و شدن و زدن در میان آن‌ها شاذ است. عناوین بعدی که ذکر شده است بدین شرح است:

فعل ماضی ساخت معلوم آن با حذف نون از آخر مصدر و اسکان ماقبل آن تشکیل می‌شود: مثل سوخت؛ و ساخت مجهول آن در آخر فعل معلوم یک «ها» و یک «شد» اضافه دارد؛ کشیده شد، سوخته شد.

اسم مفعول آخر فعل ماضی یک هاء رسمیه الحاق می‌شود و ماقبل آن فتحه می‌گیرد؛ کشیده، سوخته. طبق یادداشت مؤلف: هاء رسمیه مذکور در فعل ماضی علامتی برای فرق بین مسموع و محسوس نیز هست. در محسوس بدون هاء ذکر می‌شود: کرد (اتیدی) و در مسوع با هاء ذکر می‌شود: کرده (اتیمش).

فعل مضارع اگرچه سماعی است اکثر آن‌ها از این وجه قیاس می‌شوند که از آخر مصدر نون حذف می‌شود و ماقبل آن اگر یا و الف باشد حذف می‌شود و اگر راء و نون باشد ابقا می‌شود و بعد از حذف به جای آن الف و یاء می‌آید. حرف ماقبل دال فتحه می‌گیرد؛ مثل کشیدن ← کشد، نهادن ← نهاد، خوردن ← خورد، کندن ← کند، گشودن ← گشاید. در مصدر تایی، تاء به دال قلب می‌شود و ماقبل آن اگر خا باشد به راء و سین و شین بدل می‌شود و اگر سین باشد به هاء و یاء و اگر فاء باشد به باء و واو و اگر شین باشد به راء قلب می‌شود و فتحه می‌گیرد؛ مثلاً سوختن ← سوزد، شناختن ← شناسد، فروختن ← فروشد، خواستن ← خواهد، پیراستن ← پیراید، یافتن ← یابد، رفتن ← رود، داشتن ← دارد.

اسم فاعل به ماقبل دال انتهایی فعل مضارع یک نون ساکنه و به مابعد آن‌های غیرملفوظ اضافه می‌شود و دال حرکت فتحه می‌گیرد؛ کشد ← کشنده، نهاد ← نهنده؛ همچنین کلمات فارسی با «-ار» نیز معنای فاعلیت می‌دهد؛ کردگار، پروردگار (بسلیجی)، پدیدار (ظاهر اولیجی)؛ همچنین از ترکیب اسم با لفظ امر نیز معنای اسم فاعل بیان می‌شود که به آن ترکیب وصفی گویند: آب‌کش (صوچکیجی).

جحد مطلق نون نافیه مفتوحه + فعل ماضی؛ نکشید (چکمدی).

جحد مستغرق هرگز + جحد مطلق؛ هرگز نکشید (هیچ چکمدی).

نفی حال نهی + مضارع؛ نمی‌کشد (چکمیور).

نفی استقبال نون نافیه + مضارع؛ نکشد (چکمز).

تأکید نفی استقبال هر آینه + نفی استقبال؛ هر آینه نکشد (البتده چکمز).

امر غایب گو/باید + مضارع؛ گو/باید کشد (چکسون).

نهی غایب گو/باید + نفی استقبال؛ گو/باید نکشد (چکمسون).

امر حاضر حذف دال از انتهای فعل مضارع؛ کشد ← کش.

نهی حاضر میم مفتوحه + امر حاضر؛ مکش.

^۱ پژوهشگر، فرهنگستان زبان و ادب فارسی

آن‌ها هاء رسمیه وجود دارد به کاف فارسی قلب می‌شود؛ بندگان دگرگان، این کلمات در جمع با ها، هاء رسمیه‌شان حذف می‌شود: جامه ← جام‌ها و نامه ← نام‌ها. همچنین برای تعظیم و مبالغه شخص عظیم‌الهیکل صیغه جمع تعبیر می‌شود، مثل فرمودید و ازدرها.

ماضی مجهول اگر الفاظ شد و شده به آخ اسم مفعول اضافه شود ماضی مجهول ساخته می‌شود؛ چنانکه بیان شد، لفظ شد به محسوسات و لفظ شده به مسموعات اشاره می‌کند؛ مانند نوشته شد (یازلدی) و نوشته‌شده (یازلمش).

مضارع مجهول کلمه شود به اسم مفعول اضافه‌شده معنای مضارع مجهول می‌دهد؛ مثل نوشته شود (یازیلور) همچنین لفظ «خواهد» چنانچه به ماضی داخل شود معنای تأکید به مضارع می‌دهد، مثل خواهد کرد (ایده‌جک) و اگر لفظ «شد» پس از «خواهد» بیاید، مضارع مجهول معنی می‌دهد؛ نوشته خواهد شد (یازیله‌جق).

ضمایر یا متصل است یا منفصل؛ ضمایر متصل مفرد حرف شین، تاء، میم و جمع آن‌ها شان، تان و مان است؛ اسبش (اونک آتی)، اسبتان (سزک آتکمز)...

نویسنده در اینجا به معنای گوناگون این حروف (ضمایر متصل) در الحاق به الفاظ گوناگون مثل فعل اشاره می‌کند؛ مانند می‌گویدش (اکا سویلر) (ش در معنای به او)، می‌بیندش (انی کوزله) (ش در معنای او را)، می‌گویدت (سکا سویلر) (ت در معنای به تو) و می‌بردت (سنی کتورر) (ت در معنای تو را)

میم پیش از فعل معنای مرا و به من می‌دهد: زرم داد (بکا آلتون ویردی). به‌جز ضمایر مان، تان و شان و ضمیری که به کلمه مختوم به هاء ملحق شود یک همزه مفتوح میانجی می‌شود؛ جامه‌اش.

ضمیر منفصل شامل الفاظ من (بن)، ما (بزر)، تو (سن)، شما (سز) است. اسماء اشارت نیز شامل او، آن، وی، این است که سه تای اول بعیده و این قریبه است. جمع آن‌ها آنان، ایشان و اینان یا آن‌ها و این‌هاست.

فایده: برای تبدیل فعل لازم به متعدی به ماقبل دال آخر صیغه مضارع، الف و نون و یا اضافه می‌شود و مابعد آن نون مصدری؛ رسد ← رسانیدن و سایر صیغه‌ها از آن طبق قاعده پیش‌گفته ساخته می‌شود.

فایده: در فارسی مضاف همواره مجرور است: جای من، دلداری تو و در صورتی که انتهای کلمه هاء رسمیه باشد به آن یک همزه اضافه می‌شود: بنده من.

اسم زمان با کلماتی مثل روزگار، هنگام، گاه یا مخفف آن گه ساخته می‌شود؛ روزگار جوانی، هنگام پیری، سحرگاه، شبانگه.

اسم مکان با الفاظی چون گاه و گه ساخته می‌شود؛ خوابگاه و خوابگه.

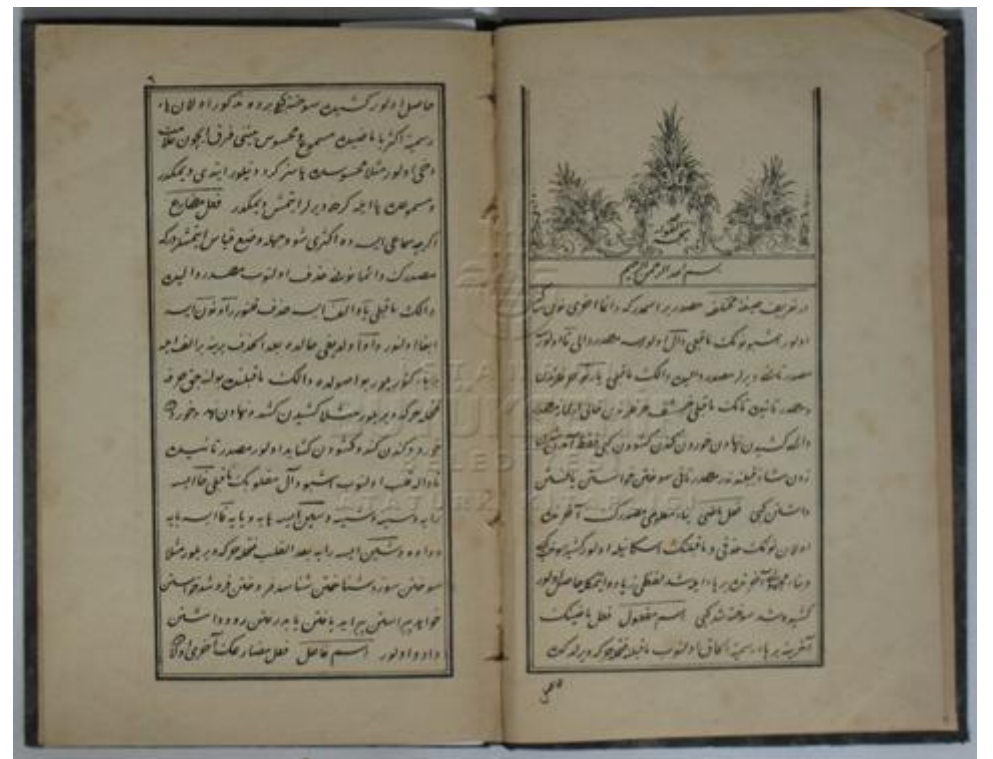
ادات تصغیر سه نوع است: ۱- کاف ساکن متصل به انتهای کله: پسرک (کوچک اوغلان)، ۲- واو ساکن: پسر، ۳- لفظ چه: باغچه (کوچک باغ).

ادات نسبت نیز سه نوع است: ۱- یاء: هندی، ۲- هاء: یک‌ساله (بیریلیق)، ۳- یاء و نون: زرین (التونلی)، سیمین (گمشلی).

ادات مره کلمه بار است: یک‌بار (برکره).

ادات نوع لفظ گونه است: دو گونه (ایکی درلو)

ادات تعجب ۳ نوع است: ۱- زهی: زهی آمد (عجایب کلدی)، ۲- یاء لاحق به آخر کلمه: تو مردیدی (سن تعجب پیرانریکتسن)، ۳- چه: چه خوش گفت (نه عجایب کوزل سویلدی)



ادات تفضیل الفاظ تر و ترین است: خوبتر (دهاکوزل)، بهترین (دها ایو)

ادات مبالغه ۲ نوع است: ۱- الف: دانا (زیاده بلیجی)، ۲- آن: افتان و خیزان (دوشیجی قالقچی)؛ در ترکی «دوشه قالقه» تعبیر می‌کنند، کنایه از صفت مشابه است.

صیغه‌های ماضی به انتهای صیغه مفرد غایب ماضی، نون و دال ساکن اضافه می‌شود و تاء یا دال ماقبل آن مفتوح می‌گردد؛ کشیدند و رفتند. مؤلف به همین ترتیب ساخت بقیه صیغه‌های فعل ماضی و مضارع را شرح داده است و قید کرده که در فارسی مؤنث و مذکر و تشبیه صیغه متمایزی ندارند.

ادات جمع الف و نون و ها و الف حروف جمع هستند؛ اولی برای ذی‌روح و دومی برای غیر ذی‌روح نیز به کار می‌رود؛ مثل مردمان و گل‌ها. اما به توسیع قلب آن نیز جاری است؛ درختان و مرغ‌ها، کلماتی که در انتهای

ادات محافظت سه تاست؛ ۱- دار: راه دار (یول محافظی)، که در معنای مالک نیز هست: مالدار (ماله مالک)؛ ۲- بان: باغبان (باغ بکجیسی)؛ ۳- وان: شتروان (دوه جی).

ادات تکلیف و اتصاف؛ دو تاست؛ ۱- ناک: غمناک (غمه متکیف و متصف)؛ ۲- گین: شرمگین (اوتانجق).

فایده: بعضی از حروف باء که در اول کلماتی مثل فعل ماضی، مضارع و امر حاضر می آیند زاید هستند و مکسور هستند و گاهی نیز مضموم مثل بیر و بخورد. چنانچه فعل با همزه آغاز شود، همزه به یا بدل می شود؛ مثل افروز ← بیفروز و آمد ← بیامد و آید ← بیاید.

سایر ادات: «از» در معنای من جاره عربی است، «در» در معنای فی ظرفیت عربی است، «و» عاطفه است و مضموم تلفظ می شود. «می» از ادات حال است؛ می کشد (چکیور)؛ نون نافییه و میم ناهیه است؛ بی نیز از ادات نفی است و فقط به اسم اضافه می شود؛ یر در معنای علا از حروف جاره عربی است؛ «مر» افاده معنای حصر می کند معادل [انما] در عربی است؛ برخی الفاظ نیز در معنا دخالتی ندارند و جزء زوائد هستند مثل بر، فرا، مر، خود، همی، در، فرو.

فایده: حرف الف که به اواخر کلمات لاحق می شوند شش نوع است: ۱- الف ندا که یا حقیقی است مثل شها (ای شه) یا حکمی مثل بسا (ای بس)؛ ۲- الف دعا: نشیندا (اوتورمیه) ۳- الف فاعلیت که پیش تر ذکر شد؛ ۴- الف اشباع: در شو به کار می رود؛ ۵- الف نسبت: مثل فراخا (بوللق)؛ ۶- الف زایده: سلطانیا.

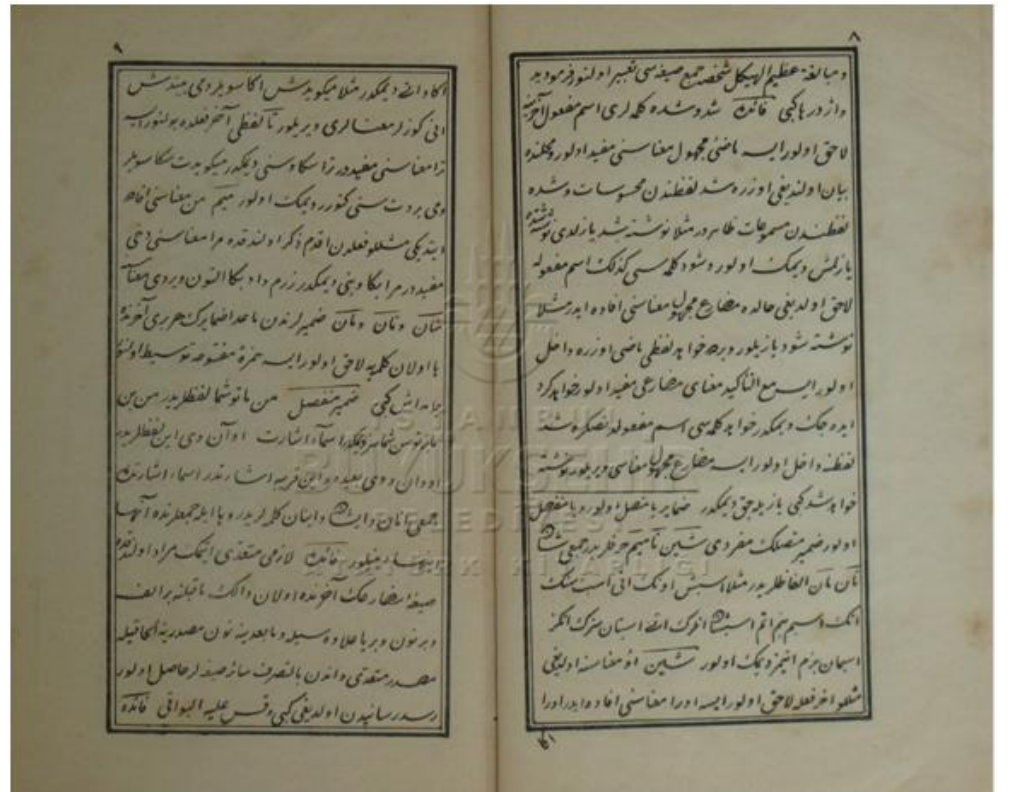
را در معنای لام جاره عربی است؛ یا برای نسبت و تعجب و خطاب است که بیشتر ذکر شد و برای لیاقت نیز می آید: مثل خوردنی (بیمکه لایق/طعام)، همچنین برای تعظیم مثل مردی است (بیوک آدمدر)؛ برای اثبات صنعت: تو شاعری (شعر و صنعت داننده)؛ نیز برای مصدریت: نیکی؛ برای وحدت: مردی.

آن از ادات ظرفیت است: قلمدان (قلم وضع اولنمق ایچون یاپیلان ظرف)؛ الفاظ «مند»، «گار» و «ور» و «وند» در معنای صاحب هستند: دانشمند، آموزگار (صاحب تعلیم)، هنرور (صاحب هنر)، خداوند (صاحب بزرگی).

کلمات بار، زار، سار، ستان، لاج مفید معنای کثرت هستند؛ مثل رودبار (بیوک ایرمه)، گلزار (گللک)، کوهسار (طاغلق)، سنگلاخ (کاشلق).

کلماتی که به رنگ و لون دلالت می کنند شش نوع اند: پام (مشکپام)، فام (قیرفام)، وام (گلوام)، گون (گندمگون)، گونه (گلگونه)، چرده و چرته (مخصوص رنگ سیاه).

است از ادات خبر و جمع آن «اند» است.



در فارسی موصوف و مضاف در اول و صفت و مضاف الیه در آخر ذکر می شود؛ (کتاب خوب)^۱

حاصل بالمصدر با الفاظ «شین»، «آر» و «گی» حاصل می شود: دانش (بلیجیلیک)، رفتار (یورجیلیک و کیدیجیلیک)^۲، سازندگی (چالیجیلیق)^۳، همچنین است فعل ماضی که گاه در معنای مصدر می آید: آمدرفت (کلوب کتک).

ادات تشبیه الفاظ دیس، دس، وان، ون، اسان، سان، سار، پس، فس، وش، چون و مانند بر تشبیه دلالت می کنند؛ لفظ چون بر چگونگی و تعلیل نیز دلالت می کند، چون و چون که برای تفسیر نیز به کار می روند و چه و که از ادات علت و دلیل اند. چه به معنای «هرچه» نیز هست و که در معنای استفهام (چه کسی) آمده است؛ مابقی ادات ذکر شده به قرار زیر است:

چه در مرکز استفهام است: چه گفته (نه سویلمش)، «که» در لفظ ذوی العقول و «چه» در لفظ غیر ذوی العقول به کار می رود. همچنین چه برای مساوات نیز مستعمل است: چه نیکی چه بدی.

ادات لیاقت دو تاست؛ ۱- وار: شهوار (شاهه لایق)، که در معنای مقدار نیز هست: نامه وار (بر مکتوبلق کاغذ)؛ ۲- [انه]: شاهانه (شاهه لایق).

۱ از آن رو ذکر کرده که با قاعده زبان ترکی که ابتدا صفت و مضاف الیه می آید به کار نرود: ایوکیتاب.

۲ در ترکی بلیش می گویند (یادداشت مؤلف).

۳ در ترکی صالنش می گویند (یادداشت مؤلف).

۴ معادل ترکی اشتباه است و از سازندگی معنای ساز و نواختن فهم شده است؛ چراکه در ترکی به مطرب و ساززن «سازنده» می گویند.

معرفی مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی

شیما شریفی^۱

۱. واژه‌های عمومی

آمیزه (cocktail)

گروه واژه‌گزینی گردشگری و جهانگردی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در دفتر دوم مصوبات فرهنگستان، در برابر واژه بیگانه «cocktail» با تعریف «مخلوطی از چند نوشیدنی که غالباً قبل از غذا عرضه می‌شود»، معادل «آمیزه» را تصویب کرده است. مقوله دستوری این واژه اسم و ساخت واژه آن [ستاک حال(آمیز) + پسوند(-ه)] است. در ساخت این اسم از فرایند واژه‌سازی اشتقاق استفاده شده است.

اقامت خانگی (home stay)

گروه واژه‌گزینی گردشگری و جهانگردی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در دفتر دهم مصوبات فرهنگستان، در برابر واژه بیگانه «home stay» با تعریف «اقامت شرکت کنندگان در یک برنامه آموزشی زبان در منازل شخصی میزبانان، همراه با غذا، بر طبق قرارداد»، معادل «اقامت خانگی» را تصویب کرده است. مقوله دستوری این واژه اسم و ساخت واژه آن [اسم(اقامت) + صفت(خانگی)] است. این اسم یک ترکیب وصفی است.

باغ‌اتاق (garden room)

گروه واژه‌گزینی گردشگری و جهانگردی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در دفتر چهاردهم مصوبات فرهنگستان، در برابر واژه بیگانه «garden room» با تعریف «اتاقی در مهمان‌خانه که به باغ مشرف است»، معادل «باغ‌اتاق» را تصویب کرده است. مقوله دستوری این واژه صفت و ساخت واژه آن [صفت(خوش) + اسم(رسانه)] است. در ساخت این صفت از فرایند واژه‌سازی ترکیب استفاده شده است.

بندرگاه تفریحی (marina)

گروه واژه‌گزینی گردشگری و جهانگردی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در دفتر چهاردهم مصوبات فرهنگستان، در برابر واژه بیگانه «marina» با تعریف «بندرگاهی که معمولاً برای ارائه تسهیلات خدماتی به شناورهای تفریحی، مانند قایق‌های بادبانی و موتوری، ساخته می‌شود»، معادل «بندرگاه تفریحی» را تصویب کرده است. مقوله دستوری این واژه اسم و ساخت واژه آن [اسم(بندرگاه) + صفت(تفریحی)] است. این اسم یک ترکیب وصفی است.

بوم‌کلبه (ecolodge)

گروه واژه‌گزینی گردشگری و جهانگردی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در دفتر هشتم مصوبات فرهنگستان، در برابر واژه بیگانه «ecolodge» با تعریف «اقامتگاهی معمولاً کوچک و گران در نزدیکی محدوده حفاظت شده یا داخل آن، به‌ویژه برای طبیعت‌گردان»، معادل «بوم‌کلبه» را تصویب کرده است. مقوله دستوری این واژه اسم و ساخت واژه آن [اسم(بوم) + اسم(کلبه)] است. در ساخت این صفت از فرایند واژه‌سازی ترکیب استفاده شده است.

فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان

دفتر پانزدهم

مجموعه حاضر، حدود ۲۰۰۰ واژه را شامل می‌شود که همچون چهارده دفتر پیشین، در سه بخش جداگانه تنظیم شده است. بخش اول، واژه‌های مصوب به ترتیب الفبای فارسی، همراه با تعریف است. بخش دوم، فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتینی و بخش سوم، فهرست واژه‌ها بر اساس حوزه کاربرد و به ترتیب الفبای لاتینی است.

تعریف واژه‌های این دفتر تعریف‌های دقیق علمی و مناسب برای فرهنگ تخصصی نیست، بلکه برای روشن شدن مطلب و توضیح و توجیه معادل مصوب آمده است. تعریف‌ها عمومی شده و در حدی است که برای افرادی در مقطع تحصیلی کارشناسی قابل درک باشند.

دفتر پانزدهم فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، با تدوین و ویرایش گروه واژه‌گزینی است که فرهنگستان زبان و ادب فارسی آن را در ۳۶۴ صفحه و با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه، به بهای ۳۶۰۰۰۰ ریال منتشر کرده است.

^۱ پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه واژه‌گزینی

آشنایی با مدارس ایران (۸)

مدرسه اسعدیه (اسعد) چهارمحال و بختیاری

دکتر عباس قنبری عدیوی^۱

به همت بختیاری‌ها، ساخت مدارس نوین و اعزام دانش‌آموزان به فرنگ سبب رشد و تعالی تعلیم و تربیت منطقه شد؛ بسیاری از مردم در مکتب‌خانه‌های روستایی و عشایری درس می‌خواندند.

نخستین مدارس نوین در چهارمحال و بختیاری، به همت افراد صاحب‌نام،

ثروتمند و خانواده‌خوانین بختیاری

به صورت ملی و عام‌المنفعه بنا شد.

مدرسه «شهاب» بختیاری، نخستین

مدرسه بود که در بروجن ساخته شد و

تا ۱۲۸۷ هـ.ش فعال بود. با توجه به

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کنار

رشته‌های نظری، می‌توان آن را اولین

هنرستان فنی هم قلمداد کرد. پس‌از آن،

مدرسه «مبارکه» بختیاری دهکرد

(شهرکرد) ساخته شد که به یمن روی

کار آمدن مظفرالدین شاه به این نام

خوانده شد. مدرسه «سعادت» به همت

حاج علی مدنی قهفرخی در فرخ‌شهر

امروزی و «اسعدیه» جونقان و چلیچه

پس‌از آن آغاز نهضت مدرسه‌سازی

نیکوکارانه و نوین در بختیاری بود.

منطقه چهارمحال دارای بافت

شهری و روستایی و شامل لار، کیار،

میزدج و گندمان است و منطقه

بختیاری عشایری و به صورت ایلی و تحت نظارت خوانین بختیاری که از

خود ایل بودند و القاب ایلخانی و حاج ایلخانی داشتند؛ اداره می‌شد.

مشهورترین ایلخانی بختیاری که هم‌زمان با سلطنت ناصری می‌زیست،

حسین‌قلی‌خان ایلخانی (۱۲۰۰-۱۲۶۱ هـ.ش) است. این مرد ادیب، مؤمن و

شجاع، مدیری بزرگ و رهبری خدمتگزار در تاریخ و فرهنگ بختیاری

محسوب می‌شود که به توطئه بدخواهان، به فرمان ناصرالدین شاه و به دست

ظل‌السلطان در کاخ قلعه اصفهان به شهادت رسید. فرزندان او اسفندیارخان

(سردار اسعد اول)، نجفقلی‌خان صمصام‌السلطنه، حاج علی‌قلی‌خان سردار

اسعد دوم، خسروخان سردار ظفر، یوسف‌خان امیرمجاهد و امیرقلی‌خان و

سردار بی‌بی مریم (مادر شهید شیرعلی مردان‌خان) در فعالیت‌های سیاسی-

اجتماعی و فرهنگی بختیاری بسیار نقش‌آفرین بودند.

حاج علی‌قلی‌خان (سردار اسعد دوم) که مردی ادیب، اخلاق‌مند،

سیاست‌مدار، جهان‌دیده، مؤلف و مترجم بود. وی را می‌توان از پیشگامان



مکتب‌دار عشایر بختیاری - شادروان ملا محمد بختیاری (۱۳۶۹ متوفا).

همراه با دانش‌آموزان - خوزستان - منطقه دلی محمد حسین خان - دهه ۱۳۴۰

سنت مدرسه‌سازی در چهارمحال و بختیاری، به‌عنوان ناحیه سردسیری (بیلاقی) بختیاری‌ها به دوران قاجار و هم‌زمانی با نهضت مشروطه‌خواهی ملت ایران برمی‌گردد. بختیاری‌ها در استان‌های محدوده زاگرس مرکزی و در جغرافیایی به نام «خاک بختیاری» در استان‌های خوزستان، لرستان، اصفهان، مرکزی و چهارمحال و بختیاری، مستقر هستند که بیشتر عشایر و کوچگر و به دامداری و کشاورزی مشغول بودند. نوع زندگی آنان سبب شد که آموزش نزد ایشان مکتب‌خانه‌ای و به شیوه میرزا و ملایی اداره و اجرا شود. اگرچه بعدها

۱ استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان

بقیه دانش آموزان پسر بودند. این در حالی است که در محیط فرهنگی- اجتماعی آن روزگاران بیرون آمدن دختران از خانه پذیرفتنی نبود؛ چه رسد به درس خواندن آن‌هم در کنار پسران و معلمی که مرد بود!



راهنمایی سردار، اعتماد و اشتیاق مردم منطقه به ایشان، باعث شد حساسیت‌ها آرام آرام کاسته شود. به‌خصوص آنکه مدیر مدرسه آقای امیرحسین سلطانی جونقانی دختر خود را به‌عنوان دانش‌آموز به مدرسه می‌آورد و همین موجب تشویق دختران دیگر در سال‌های بعد شد.

بر اساس آمار، تعداد دانش‌آموزان در سال ۱۳۲۸ هـ.ش ۱۳۴ نفر بودند که از این تعداد ۸۶ نفر کلاس اول و هجده نفر کلاس دوم و چهارده نفر کلاس سوم و شانزده نفر کلاس چهارم بودند. تعدادی از محصلان هم از روستاهای گوشه، راستاب، چقاهست، اسداباد و قلعه تک بودند.

سردار اسعد علاوه بر سفرهای مذهبی عتبات و حج به فرنگ هم رفته بود. زبان فرانسه می‌دانست و چندین اثر مهم را ترجمه کرده است. او با درایت و آینده‌نگری خاصی که ناشی از فرهنگ بالای خانوادگی، نبوغ شخصی و

مدرسه‌سازی در بختیاری دانست. کاخ- قلعه خانوادگی و تاریخی وی هنوز هم برپاست. ساخت مدرسه با عنوان اسعدیه در جونقان از کارهای فرهنگی اوست که تا پیروزی انقلاب اسلامی هم برپا بود. اگرچه اسناد و مدارک دقیقی از شروع به کار مدرسه در دست نیست، با استفاده از پژوهش میدانی، اطلاعاتی به دست آمده است که در ذیل می‌آید. جونقان (گینه کون یا جونقون) شهری است در ۳۸ کیلومتری شهرکرد که مقر سکونت خوانین بختیاری بود. علی‌قلی خان سردار اسعد در سال ۱۳۱۸ هـ.ق قلعه یا کاخی در این محل برای سکونت خود ساخت که چهارده هزار مترمربع مساحت و نماهای بیرونی متفاوتی داشت. اهالی جونقان از سال ۱۳۱۸ هـ.ش مکرراً درخواست‌هایی مبنی بر تأسیس یک باب دبستان در جونقان با توجه به جمعیت شش هزار نفر آن و جمعیت پنج هزار نفر روستاهای اطراف این منطقه داده بودند و خواستار تأسیس یک یا دو باب دبستان دولتی در جونقان شدند.

سردار اسعد دوم (حاج علی‌قلی خان) با دانش و بینش عالی و برای غلبه بر جهل و نادانی مردم عهد خویش، دست‌به‌کار شد تا اینکه در سال ۱۳۲۶ هـ.ش در ضلع جنوبی قلعه پدری فضایی را در نظر گرفت و ساختمانی جهت مدرسه احداث کرد. مساحت بنا حدود هزار مترمربع بود، تعداد شش اتاق برای کلاس‌ها، یک اتاق به‌عنوان دفتر مدیر و کارکنان، نمازخانه، اتاقی به‌عنوان آبدارخانه و یکی هم برای انباری در نظر گرفته شد. در شهریورماه برای خانواده هرکدام از ما دعوت‌نامه‌ای آمد از عموم هم برای ثبت‌نام دعوت کرده بودند به‌جز ما که کلاس اول و دوم بودیم تعدادی هم که سن بالاتری از ما داشتند برای کلاس سوم انتخاب شده بودند. کلاس‌های اول در مهرماه ۱۳۲۷ در خانه‌ای استیجاری افتتاح شد؛ و در سال بعد اولین دبستان دولتی به نام «اسعد» تأسیس گردید؛ که هزینه ساختمان این مدرسه را خوانین اسعد که مالکین جونقان بودند پرداختند. این دبستان با خشت و چوب ساخته شده بود و حدود سه هزار مترمربع مساحت داشت و در ابتدا تا کلاس چهارم ابتدایی محصل داشت. بخش پایین حیاط نیز سرویس‌های بهداشتی ساخته شد. مصالح طبق معمول منطقه و شرایط روز خشت، گل، سنگ و تیرچوب بود. برای زیبایی و نشاط‌افزایی مدرسه هم چند درخت در محیط داخلی آن کاشته شد که هم پای بچه‌ها قد کشیده و تنومند شدند و تا حدود سال‌های ۱۳۵۴ هـ.ش شاهد تعلیم و تربیت کودکان این سرزمین بودند.

اگرچه در آن دوران مخالفت‌هایی با ساخت مدارس، آن‌هم از سوی برخی نزدیکان، دربارهٔ باسواد شدن بچه‌های ایلپاتی و یا تأسیس مدرسه به‌صورت مختلط (دختر و پسر) انجام می‌شد، عزم سردار برای رشد و آگاهی هم‌تبارانش جزم بود و علی‌رغم مخالفت‌هایی که می‌شد برای مدرسه مدیر و معلم آورد و بعدها اداره فرهنگ شهرکرد فعالیت‌های مدرسه را زیرپوشش خود گرفت. مدرسه از پایهٔ اول تا ششم دانش‌آموز داشت. به‌جز سه دختر،

روایت‌های شفاهی در خلق و خوی سردار اسعد چنین می‌گویند که او انسانی آرام، صلح‌طلب، سلیم‌النفس، مؤدب، باسواد، آداب‌دان و بسیار فروتن بود. از قول سرایدار او گفتند که زود می‌خوابید و پاسی از شب گذشته، بیدار می‌شد و عبادت می‌کرد و تا صبح به خواندن قرآن و نماز مشغول بود. آثار تألیفی و ترجمه‌های او نشان می‌دهد که محقق کوشا و مترجمی زبردست است که زبان‌های فرانسه و انگلیسی را خوب می‌دانست و به رمان و داستان علاقه‌مند بود. نقش او در نهضت مشروطه و تلاش برای پیشرفت و ترقی ایران هم پوشیده نیست.

شخصیتی، تحصیلات عالی و مطالعات گسترده‌اش بود؛ خوب می‌دانست که آزادی و آزاداندیشی مردم در گرو سواد و درک بالای آن‌هاست و گام اول در این جهت، تأسیس مدارس جدید است.

دانش‌آموختگان آن مدرسه همگی پس از اتمام پایه ششم به مشاغل دولتی گمارده شدند و در حال حاضر برخی بازنشسته سازمان‌های دولتی هستند و تعدادی نیز در جوار حق تعالی آرمیده‌اند. برای کسب خبر از اطلاعات افراد شاغل در این مدرسه، تحقیقات میدانی انجام شد، که برخی از گفته‌ها و شنیده‌ها عبارت است از:

کارکنان مدرسه

مدیر: امیرحسین سلطانی جونقانی

معلمان: حسام‌الدین جزایری جونقانی، پدیدار، احمدی فارسانی، سلیمی، مشککانی، روغنی شهرکردی، رافعی بروجنی، گرامی، شیروانی اصفهانی.

سرایدار: مظفر محمودیان جونقانی - شخصیت و متانت خاص او مورد احترام همگی بود. اهالی و معلمان در حد یک بزرگ و صاحب‌نظر به ایشان احترام می‌گذاشتند.

این مدرسه تا سال ۱۳۵۴ دانش‌آموز می‌پذیرفت ولی به علت تخریب و آسیب سقف‌ها چند سالی رها و سپس به جای آن ساختمان دیگری ساخته شد و با توجه به جنسیت دانش‌آموزان تغییر نام داد.

نمازخانه

عبدالکریم نیازی جونقانی، دبیر بازنشسته آموزش و پرورش از دانش‌آموزان این مدرسه گفت: قبل از احداث کامل مدرسه نمازخانه آن در ۱۳۲۴ هـ.ش ساخته شد. فرش با ابعاد هشت در پنج (چهل متر) از نخ (گلیم و زیلو) برای مدرسه ساخته بودند که دور آن نوشته شده بود «اهدایی سردار اسعد به نمازخانه اسعد جونقان». پیش‌نماز (امام جماعت) این مدرسه آقای محمدعلی کریمی جونقانی بود که کلاس ششم درس می‌خواند و الآن هم زنده است. این فرش تا آغاز انقلاب اسلامی هم موجود بود. علاقه‌مندی سردار به مباحث مذهبی و به‌ویژه ترقی نوآموزان گاه با اعتراض اندرونی‌ها نیز مواجه می‌شد. به‌گونه‌ای که از قول سید کریم جزایری (مشاور سردار) حکایت می‌کنند زمانی که مردم مصالح ساختمانی را برای ساخت مدرسه آوردند؛ خان بختیاری خودش بر امور نظارت می‌کرد. خوانین جونقان او را سرزنش می‌کردند مبنی بر اینکه با تأسیس مدرسه فرزندان باسواد می‌شوند و دیگر فرمان‌بری نخواهند کرد. حتی بی‌بی (همسر سردار) هم به او گفت اگر رعیت تعلیمات مدرن بخوانند دیگر رعیت ما نمی‌شوند. سردار اسعد گفت رعیت باسواد باشد؛ بهتر است تا بی‌سواد.

اسامی مدیران و آموزگاران آن عبارت‌اند از:

ردیف	سال تحصیلی	نام و نام خانوادگی
۱	۱۳۲۸-۱۳۲۹	محمد شکوهی
۲	۱۳۲۹-۱۳۴۵	حسین سلطانی
۳	۱۳۴۵-۱۳۴۸	؟؟؟ فقیهی
۴	۱۳۴۸-۱۳۵۳	علیرضا عونى
۵	۱۳۵۳-۱۳۵۶	غلامرضا اعتمادی
۶	۱۳۵۶-۱۳۵۷	احمد فرجی
مدیر و معاون		
۷	۱۳۵۱-۱۳۵۲	غلامرضا عونى: مدیر - محمدعلی علمى: معاون
آموزگاران		
۸	؟؟؟	حسینی - محسن مزینانی - اسماعیل نقالی - غلامرضا اعتمادی - سیداسماعیل روحانی - حسین بنفشه - علی خالقی - خلیفه محمودی - نوری - صفرعلی دیرالفور
۹	۱۳۵۲-۱۳۵۳	منصور کاویانی - اصغر کرباسی - محسن فرینانی - صفرعلی نادرفر - اسماعیل نقابی - حسن محمودیان - حسین بنفشه - اسماعیل روحانی - غلامرضا اعتمادی
مدیر		
۱۰	۱۳۵۳-۱۳۵۴	غلامرضا اعتمادی
۱۱	؟؟؟	اسماعیل نقابی - محمود نصرآبادی - حسین بنفشه - منصور کاویانی - اسماعیل روحانی - امین‌الله مهجوری - هدایت‌الله اشراقی - حسین کبیری - حبیب‌الله مجرد - قنبرعلی سمیعی - حشمت‌الله امیدیان - محسن فرینانی - معصومه رضایی
۱۲	۱۳۵۴-۱۳۵۵	غلامرضا اعتمادی - اماقلی مبینی - معصومه رضایی - غلامرضا ملکی - حسین کبیری - مظفر محمودیان - حشمت سرمدی - شیردل مسعودی - محمدعلی صحرانشین - محمود کرمی - محسن زینانی - ولی‌الله عادل - مرتضی ملکی - ولی‌الله هادی - خسرو علی‌دادی - حسین خسروی
۱۳	؟؟؟	غلامرضا ملکی - امین مهجوری - کیومرث رئیسی - تیمور بیاتی - صفی‌الله جوانبخت - سیار اسکندری - محمدرضا داودیان
مدیر		
۱۴	؟؟؟	احمدرضا فرجی
آموزگاران		
۱۵	۱۳۵۷-۱۳۵۸	ابراهیم موری احمدی - محمود کرمی - حشمت سرمدی - اماقلی مبینی - ولی‌الله هادی - امین‌الله مهجوری - صفی‌الله جوانبخت - محمدرضا داودیان - تیمور بیاتی - مجید صالحی - علی سعادت - ولی‌الله رحیمی - حسین سامانی‌زاده

دبستان دولتی اسعدیه چلیچه

علاوه بر مدرسه جونقان، در چلیچه هم مدرسه‌ای به این نام تأسیس شد. چلیچه یکی از روستاهای بزرگ میزدج در مسیر شهرکرد به جونقان است که در سی کیلومتری جنوب غربی شهرکرد و در نه کیلومتری فارسان واقع شده است. در این روستا به دستور محمدخان اسعد (سالار اعظم و خان باباخان) قلعه اسعدیه ساخته شد که در نوع خود زیبا و در جای بسیار مصفایی بود. در سال ۱۳۲۸ هـ.ش به همت سالار اعظم و سردار اسعد، دبستان اسعدیه در قلعه تأسیس گردید. مدرسه با هشت اتاق بزرگ و ایوانی در جلو و سقف چوبی به مساحت ده هزار مترمربع (یک هکتار) بنا شد. پنج هزار مترمربع آن نیز کشت گندم و جو قرار می‌گرفت و درآمد اختصاصی این کشت برای امور جاری دبستان هزینه می‌شد. در سال ۱۳۶۰ هـ.ش ۱۷۰۰ مترمربع از زمین دبستان به اهالی روستای چلیچه فروخته شد و به جای آن همین مقداری زمین در نزدیک

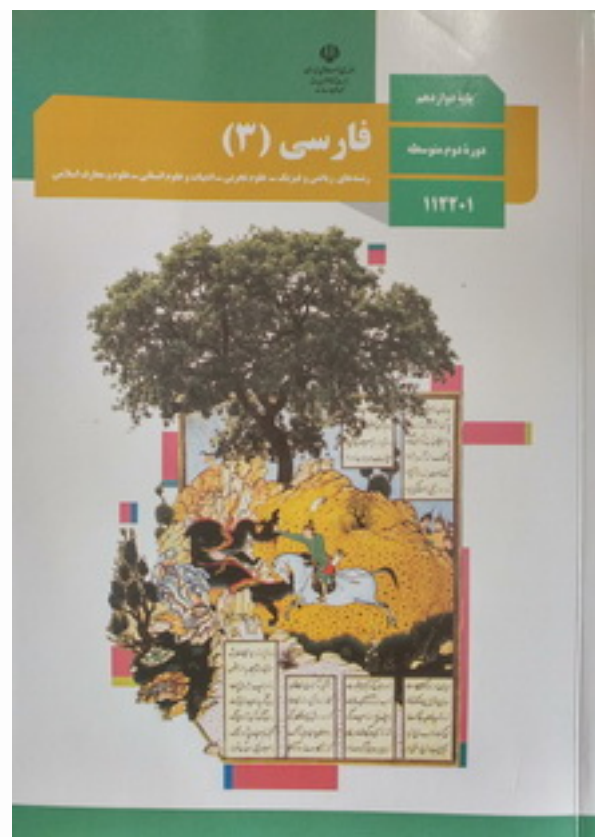
امامزاده و سید سعید آب‌مراد (مکان زیارتی) خریداری شد و دبستان جدیدی با مصالح آجر و سیمان و سقف شیروانی ساخته شد که زیربنای آن ۵۲۰ مترمربع است. بقیه زمین دبستان مخروبه اسعدیه در اختیار آموزش و پرورش قرار داده شد. این مدرسه نیز در نوع خود منشأ خدمات بسیاری برای منطقه شد. اسامی برخی از مدیران این دبستان عبارت‌اند از:

سال تحصیلی	نام و نام خانوادگی	سمت	مدرک تحصیلی
۱۳۲۸-۱۳۲۹	حسن ادرسیان	مدیر	سیکل
۱۳۲۹-۱۳۳۲	اسماعیل ناهید	مدیر	سیکل
۱۳۳۲-۱۳۳۴	عنایت‌الله صنیعی	مدیر	دیپلم
۱۳۳۴-۱۳۳۶	غلام‌حسین پریدار	مدیر	دیپلم
۱۳۳۶-۱۳۳۷	جهان‌بخش احمدی فارسانی	مدیر	دیپلم
۱۳۳۷-۱۳۴۰	صولت ارشادی	مدیر	دیپلم
۱۳۴۰-۱۳۴۳	زال احمدی	مدیر	دیپلم
۱۳۴۳-۱۳۴۴	محمود فیض‌اللهی	مدیر	دیپلم
۱۳۴۴-۱۳۴۵	فاضل دهکردی	مدیر	دیپلم
۱۳۴۵-۱۳۴۹	حسن حبیبی	مدیر	دیپلم
۱۳۴۶-۱۳۵۴	فرامرز ضرغام	مدیر	دیپلم
۱۳۵۴-۱۳۵۵	علی صفری	مدیر	دیپلم
۱۳۵۵-۱۳۵۶	حسن مرتضایی	مدیر	دیپلم
۱۳۵۶-۱۳۵۷	عبدالرحیم حبیبی	مدیر	دیپلم
۱۳۵۱-۱۳۵۸	علی احمدی چقا هستی	مدیر	دیپلم

منابع

- برای اطلاعات و اسامی از اسناد شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش، گنجینه آموزش و پرورش و بنیاد ایران‌شناسی شعبه استان چهارمحال و بختیاری استفاده شد.
- مصاحبه‌های میدانی (با تشکر از: آقایان عبدالکریم نیازی جونقانی؛ دکتر اسفندیار تیموری پردنجانی و خانم پوران مردانی کرانی)

نقد و تحلیل متون درسی (۲۵) درس «نی نامه» سال دوازدهم



عبدالحسین موحد^۱

آغاز

بزن، بزن، چکاوک‌ها از دهان نی تو، پر می‌گشایید و روزهای تاریک ما را در نور و نوا، شورانگیز می‌کنند. بزن بزن، نفیر و نوای نی تو، هوای عقیم این نیستان را بارور می‌کند. بزن، بزن؛ به یاد آنان که شوکران نوشیدند و شب را تعریف کردند. بزن بزن به یاد آنان که بر دریاها گام زدند و از رد گام‌های آنها، جزیره‌ها، مجنون شدند. بزن بزن به یاد آنان که زهر زمانه را در کام عاشقان، پادزهر کردند. بزن بزن، خون‌های پاک ما را در «شور» و «ماهور» بزن. اگر عشق نمی‌بود، چگونه این نی تو خالی، به شکایت، زبان می‌گشود و شرحه شرحه از دوری و فراق حکایت می‌کرد؟ اگر عشق نمی‌بود، چه چیز، بلبل‌ها، چکاوک‌ها و چلچله‌ها را به نوا در می‌آورد؟ اگر عشق نمی‌بود، پروانه‌ها خاموش می‌مانند؟ اگر عشق نمی‌بود، ویسه و رامینه، وامق و عذرا، لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد و دیگر دلدادگان جهان، به دنیا می‌آمدند؟ اگر «زبان» را از موجودات عالم بگیریم، چه خواهد شد؟ اگر «زبان» نمی‌بود، عشق و دل ما، چگونه به حرکت در می‌آمد و زندگانی ما، چگونه ادامه پیدا می‌کرد؟ «زبان» و «عشق»، راز و معنی هر نوا، نواختن و زدن و زندگی کردن است. وجود ما با زدن و نواختن، با جهان معنی و کبریا، همدرد، هم‌نوا و هم‌زبان می‌شود. همه تلاش محمد بلخی (مولوی) درک این حقیقت و معرفت هستی

است. نی‌زدن‌ها و شعر نوشتن‌ها، تنها بهانه و سبب انتقال معنی است. آوا و آهنگ هر چیزی در عالم، تداعی‌کننده معنی وجود و بود است. آی نی‌زن که تو را آواز نی، برده است دور از ره، کجایی؟ (نیما یوشیج)

متن «نی نامه»

بشنو، چگونه این نی (انسان عارف) از دوری و جدایی‌ها سخن می‌گوید و شرح می‌دهد. از آنگاه که مرا (نی، انسان) از نیستان (بهشت و عالم تکوین) جدا کرده‌اند، همه جهانیان و موجودات عالم، با من هم‌نوا و در فریاد شده‌اند. شنونده‌ای می‌خواهم که درد و جدایی را درک کرده، دلی داغدار داشته باشد تا میل باطنی و شوق دیدارم را برای او شرح دهم. هرکس از اصل و مبدأ وطن خود دور شده باشد، در آخر برای بازگشت به اصل و موطن خود، جست‌وجو می‌کند، من با همه انسان‌ها، ناله کرده‌ام و همدرد و همدم آنان و آشفته‌حالان و خوشحلالان شده‌ام. هرکسی با گمان و پندار ویژه خود، با من دوست و همراه شده است؛ اما کسی از رازهای درون من، آگاه نشده است. راز درونی من در ناله‌ها و گفتار من، جای دارد، ولی چشم‌ها و گوش‌های انسان‌های زمانه من، نمی‌توانند، رازهای درونی مرا درک کنند. جسم و جان به هم پیوسته‌اند، ولی کسی اجازه ندارد که جان را ببیند (روح را درک کند). این صدای نی، باد و هوا نیست؛ در حقیقت، آتش (عشق) است. هرکس که این آتش (عشق) را ندارد، باید نابود شود. گرمای عشق الهی است که در ناله نی، ظهور کرده است. جوشش شراب، به سبب تأثیر عشق است. نی و ناله‌های او، همدم انسان دورافتاده از یاور دیار است و برای کسی که عاشق خدا است، حجاب‌ها و موانع را از پیش پای او برمی‌دارد.

چه کسی زهر و ضد زهر (درد و درمان) می‌ماند نی (انسان عارف) دیده است؟ چه کسی همدم و دوستداری، مانند نی (انسان عارف) دیده است؟ به یقین، هیچ‌کس ندیده است. نی از راه دشوار عشق و سلوک، سخن می‌گوید و قصه‌های عشق و دلدادگی انسان‌های دل‌باخته را شرح می‌دهد. تنها عاشق حقیقی از این حقیقت (عشق) آگاه است؛ همان‌گونه که گوش، ابزار مناسبی برای فهم زبان است. روزها در حزن عارفانه ما تیره‌وتار شد (غروب شد). روزهای عمر ما با درد و رنج سپری شد. اگر روزهای عمر ما گذشت، بگو بگذر. مرا پروایی نیست. تو بمان ای عشق! ای که تنها تو پاک و حقیقی هستی. هرکسی به جز ماهی از آب سیر می‌شود و کسی که بی‌نوا و تهیدست است، روزگاری تیره‌وتار دارد. هیچ انسان بی‌تجربه‌ای نمی‌تواند حال انسان عارف و عاشق حقیقی را درک کند؛ بنابراین، باید سخن را کوتاه کرد؛ همین و بس.

۱ دبیر و پژوهشگر زبان و ادب فارسی

مایه گرفته است، فرایند تکامل «معنی» و ظرفیت توانایی و کارایی «لفظ»، باهم در تکوین و تکامل کلام ما انسان‌ها، پیش رفته است. توجه محمد بلخی (مولوی) به پدیده‌های دیداری زندگانی خود در تناسب با سازمایه‌های ذهنی‌اش، او را به نگارش «نی‌نامه» و ارائه نتیجه‌ای فلسفی و شناختی خردورزانه، واداشته است. چرا انسان، نی می‌نوازد؟ چرا آدمی در خلوت خود، از تکه چوبی توخالی، صدا درمی‌آورد؟ نمود آوایی نی، چه پیوندی با نمود ذهنی نی‌نواز دارد؟ حقیقت این است که نی یا هرچیز دیگری، در فرایند بازشناختی پدیداری با نی‌زن و ذات آن چیز، باز بسته است و چیزها و انسان‌ها، همه ابزار انتقال و ابزار «معنی» هستند؛ یعنی، هر واژه، مانند آدمی، دارای دو ماهیت بیرونی و درونی است و هر دو، در کارایی و کارکرد در زبان، اثر می‌گذارند و پیوستگی این دوساز مایه، می‌تواند در هر گفتار، سامان و تکامل‌دهنده باشد؛ یعنی، در واقع هیچ واژه و لفظی، بدون معنی، هستی ندارد و همان‌گونه که مغز بدون پوست، شکل و سامان پیدا نمی‌کند، زبان ما آدمیان نیز به‌صورت مجموعه‌ای از سازمایه‌های درونی و بیرونی، پیوسته همراه تاریخ زندگانی ما فعال و اثر کمک او بوده است. این را هم نباید فراموش کنیم که آگاهی زبان‌شناختی ما، با آگاهی معنی‌شناختی ما، همواره پیوندی دیرینه داشته و این واقعیت را بیان کرده که هر ساختار زبانی و کلامی، به‌صورت نیرویی مؤثر در عمل و اجرای اندیشه‌های انسانی شرکت داشته معنی‌های گوناگون ویژه‌ای را در برگرفته است.

ما با نام‌گذاری پدیده‌های اطراف خود، تاندازه‌ای آن‌ها را از آن خودمان کرده‌ایم؛ به بیانی، آن‌ها ما را خویشاوند و در بسته خود کرده‌اند. نام «نی» در «نی‌نامه» محمد بلخی (مولوی) به‌عنوان یک شیء چوبی در ذهن شاعر، پدیدار شده و «نی‌نامه» او سرچشمه شناخت او و ما، از آدمی و جهان هستی شده و این حقیقت که «زبان» و «آدمی» همواره در پویاها و تکاپوهای اجتماعی، همواره و همزاد بوده‌اند و هرگونه دگرگونی و پیشرفت و پسرفتی در درون و بیرون ما آدمیان، صورت گرفته، در زبان ما و ساختار کلامی و رفتاری و گفتاری ما نیز، پیدا شده است. بازتاب این دگرگونی‌های زبانی را در «نی‌نامه» محمد بلخی شاعر، به‌روشنی می‌شنویم و می‌بینیم، چگونه، نفس خودآگاه شاعر و ضمیر «من» محمد بلخی؛ یعنی، خویشتن او در شناخت و در زبان او تجلی پیدا کرده است.

۱. واژه‌های متن: چون: چگونه/ نفیر: فریاد/ شرحه‌شرحه: پاره‌پاره/ فراق: جدایی/ اشتیاق: شوق دیدار، کشش روحی آدمی به شناخت حقیقت و خدا/ کاو: که او / اصل: مبدأ/ وصل: رسیدن/ بدحالان و خوش‌حالان: کسانی که در سیر و سلوک الهی شوریده و شاد هستند/ ظن: گمان، پندار/ اسرار (جمع سر) رازها/ را: برای/ نیست: نمی‌باشد/ نیست: وجود ندارد/ مستور: پوشیده/ دستور: اجازه/ نای: نی / کاندر: که اندر= که در/ حریف:



۱. بشو این نی جان شکایت می‌کند / از جدایی شکایت می‌کند
کز نیستان آ ما بریده‌اند / در تقسیم مرد و زن نایه‌اند
بیز خامش شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق
هر کی کاو در انداز اصل خوش / باز چه روزگار وصل خوش
۵. من به هر جمعی نمانم شدم / جنت بهمان و خوش‌مالان شدم
هر کی از غن خوشه یاد من / از دهن من نجت اسرار من
سزمن از ناله من در نیست / یک چشم گوش را آن نور نیست

۱۳

زبان‌شناختی «نی‌نامه»

«نی» چیست و چگونه می‌توانیم، «نی» را بشناسیم؟ چگونه می‌توانیم «نی‌زن» را و هستی وجود را درک کنیم؟ بارها از صنعت لفظی و معنوی در شعر و ادب و سخن‌آرایی سخن گفته‌ایم. بارها، آرایه‌های لفظی و معنوی را در کلام بزرگان شعر و ادب فارسی جست‌وجو کرده‌ایم و به فن «معانی»، «بیان» و «بدیع» را در قلمرو زبان و ادب فارسی، کاویده‌ایم؛ اما کمتر به پیوند میان لفظ و معنی و جنبه‌های زبان‌شناختی متن گفتارها، توجه داشته و این حقیقت را که هیچ گفتاری، بدون وحدت ذاتی و منطقی لفظ و معنی، تناسب، تشخیص و تکامل واقعی پیدا نکرده، از یاد برده‌ایم. این را به تجربه دریافته‌ایم که هیچ گفتاری در روح شنونده، مؤثر واقع نمی‌شود و خاطر کسی را بر نمی‌انگیزاند، مگر آراسته به زیبایی و آرایش‌های چشم‌نواز و دلربای لفظی و معنوی باشد.

لفظ و معنی، ابزارهای شناختی ما هستند و ما از راه شکل واژه‌ها که نمودی از معنی‌ها ذهنی هستند، به شناخت نسبی رسیده‌ایم. شناخت واقعی ما انسان‌ها، دارای دو ماهیت متفاوت پنداری و دیداری است و هیچ‌گاه، یکی را بدون دیگری نمی‌توان شناخت؛ همان‌گونه که میوه‌ها را در پیوند ذاتی پوست و مغز آن‌ها، باهم، می‌توانیم بشناسیم؛ یعنی، هر واژه، انگیزه روانی و عاطفی بیان‌کننده آن را آشکار می‌کند و هرچه نیروی معنی و گنجایش درونی هر واژه بیشتر باشد، کارایی و کارکرد آن، سلامت و صلابت تأثیر آن، بیشتر خواهد بود. حقیقت این است که معنی و مغز پدیده‌های جهان هستی، در زمان‌های مختلف و به ضرورت‌های تاریخی مشخص، از لفظ و پوسته آن‌ها، درآمده و در زندگانی ما انسان‌ها، در بستر تاریخی متفاوتی، در پیوندی ناگزیر و منطقی، شکل گرفته‌اند؛ درستی این حقیقت را در این می‌بینیم که خرد و اراده ما انسان‌ها، پیش از هرچیز، از خواهش‌های درونی، روانی، نفسانی و عاطفی ما،

همدم، همراه / پرده: آهنگ و نغمه / پرده: حجاب و امور پوشیده / تریاق: پادزهر ضد سم / دمساز: مونس، همراه / مشتاق: عاشق، آرزومند / محرم: آشنا و آگاه / مر: واژه‌ای که افاده حصر و اختصاص می‌کند. / بی‌گاه: دیر / باک: ترس، پروا / تو: ضمیر (مرجع آن عشق است) / بی‌روزی: بینوا، تهیدست / دیر شد: بی‌گاه شد، تباه شد (تیره‌وتار و غروب شد) / درنیابد: درک نمی‌کند / پخته: انسان باتجربه و کامل.

۲. ترکیب‌های اضافی: پرده‌هایش = پرده‌های او / پرده‌های ما.

۳. وزن و بحر شعر: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن: بحر رمل مسدس محذوف.

۴. آرایه‌های ادبی

- استعاره: نی: انسان عارف، محمد بلخی شاعر / نیستان: بهشت / آتش: عشق / راه پر خون: عشق، راه شهادت / مجنون: عاشق / هوش: عشق / بی‌هوش: عاشق / ماهی: عاشق / آب: عشق.

- اسلوب معادله: محرم این هوش، جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست.

- تشبیه: بانگ نی به آتش همانند شده است / آتش عشق: عشق به آتش همانند شده است.

همچو نی زهری و تریاقی که دید / همچو نی دمساز و مشتاقی که دید
واژه «نی» به زهر، تریاق، دمساز و مشتاق همانند شده است.

- تشخیص: روزها گر رفت، گو رو باک نیست.

- تضاد: دور، جدا، وصل / بدحالان، خوش حالان / است: نیست / زهر، تریاق / رو، بمان / پخته، خام.

- تکرار: واژه‌های «تن» و «جان» در: تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / واژه‌های «عشق» و «کاندر» در «آتش عشق است کاندن نی فتاد / جوشش عشق است کاندن می فتاد» واژه‌های «آتش» و «این» در بیت: «آتش است این بانگ نای و نیست باد / هرکه این آتش ندارد، نیست باد» / واژه‌های «نی» و «همچو» در: «همچو نی زهری و تریاقی که دید؟ / همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟» / «روزها» در «در غم ما روزها بی‌گاه شد ...».

- تلمیح: در بیت: «هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» که اشاره دارد به: کل شیء یرجع الی أصله، هرچیزی به اصل مبدأ خود بازمی‌گردد / قصه‌های عشق مجنون می‌کند: اشاره دارد به داستان لیلی و مجنون.

- تناسب (مراعات نظیر): فراق: درد / تن، جان / زبان، گوش / ماهی، آب.

- تناقض نما: در «همچو نی، زهری و تریاقی که دید؟» زهر و تریاق باهم.

- جناس ناهمسان: حکایت، شکایت / اصل، وصل / دور، نور / مستور، دستور / نی، می / هوش، گوش / روز، سوز / پاک، باک / سیر، دیر.

- جناس همسان: پرده، پرده / نیست، نیست.

- حسن تعلیل: در: «جوشش عشق است کاندن می فتاد».

- کنایه: پرده دریدن: رسوا و آشکار کردن / پر خون بودن راه: خون دادن و سختی کشیدن و شهید شدن در راه عشق / بی‌گاه شدن، سپری و ریز شدن و غروب / دیر شدن روز / غروب خسته و غمگین شدن، تباه شدن روز و به پایان رسیدن.

- مجاز واژه‌های «مرد» و «زن» در: «نفیرم، مرد و زن نالیده‌اند» که مجاز از همه انسان‌ها و موجودات عالم است. واژه «سینه»: انسان، همدرد / بدحالان و خوش حالان: همه انسان‌ها / سر: حال و حقیقت عشق / نور: شناخت و فهم / چشم و گوش: انسان / زبان: سخن.

- نماد: خام: انسان کم‌تجربه / پخته: انسان عارف و باتجربه.

- واج‌آرایی: تکرار «ن» در «کز نیستان تا مرا ببریده‌اند / در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند».

تکرار «ن» در «هرکسی از ظن خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من».

تکرار «ن» در: «سر من از ناله من، دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست».

تکرار «ن» و «س» در بیت: «تن ز جان و جان ز تن، مستور نیست ...».

تکرار «ر» در «نی حریف هر که از یاری برید / پرده‌هایش، پرده ما را درید».

تکرار «ش» در «محرم این هوش جز بی‌هوش نیست ...».

انجام

معنی واژه‌های «غنا» و «تغنی» در زبان فارسی، نوا، نغمه، سرود و سرودگویی و آوازخوانی است و «غنائی» صفت نسبی است. شعر غنائی، شعری است که حاکی از عواطف و احساسات باشد (معین ۱۳۴۳، ص: ۲۴۴۳).

وقتی شاعری از عاطفه و احساس و حال خود سخن می‌گوید، سخن او رنگ غنا به خود گرفته، به شیوه‌ای، نسبت به خواش‌های درونی او محدود و معین می‌شود؛ شعر در این فرایند، با انسان، اجتماع و آفرینش و جهان هستی، درمی‌آمیزد و از پوسته فردیت شاعر، بیرون آمده، گویای احساسات و عواطف جمعیت می‌شود و طبیعت انسان، ماورای طبیعت و عرفانی، فلسفه، دین، اخلاق و زندگانی آدمی، مضمون و موضوع آن شده، درون‌مایه‌ای گسترده یافته و در سطح جامعه انسانی، به عنوان شعری آموزشی و آگاهی‌دهنده جلوه می‌نماید. اصطلاح «آموزشی» را تنها نمی‌توان به شعرهای تعلیمی و اخلاقی منحصر کرد؛ غزل‌های عاشقانه - عارفانه هم می‌توانند برای ما آموزنده باشند و به ما آموزش دهند؛ آموزش عشق ورزیدن، بردبار بودن، درد کشیدن، هجران

دیدن، نترسیدن و به وصل رسیدن یا ناکام ماندن. به هر روی یک شعر غنائی، مانند هر شعری، محصول یک تجربه فردی - اجتماعی است و هر تجربه نیز می‌تواند آموزگار ما باشد «هرکه نامخت از گذشت روزگار/ نیز ناموزد ز هیچ آموزگار» (رودکی) پس، سخن از روزگار و گذشت آن گفتن، زیست‌بوم و طبیعت را وصف کردن، نیز می‌تواند مصداق معتبری برای اندیشه‌ها و احساس‌های غنائی باشد.

محمد بلخی در آغاز «نی‌نامه» خود، از جدایی و فراق شکایت می‌کند و از همنوایی جهانیان با خود می‌گوید و محرم راز و همدرد می‌طلبد و اعتراف می‌کند که هرکسی به اصل و مبدأ خود - بهشت - برمی‌گردد؛ اِنَالله و اِنَا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ و به یاد ما می‌آورد که: «چنین قفس نه سزای چو من خوش‌الحانی است/ روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمن‌ام» (حافظ) تناسب میان واژه «قفس» در این بیت و «نی» در «نی‌نامه» را ببینید. شاعر، میزان معرفت و شناخت هرکسی را از جهان معنی و کبریا، متناسب با فهم و وهم او می‌داند و به یاد ما می‌آورد که «در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز/ هرکسی بر حسب فکر، گمانی دارد» (حافظ). و از آنان که گرفتار جهان عین و ظاهر و ماده شده، حقیقت عشق و معنی و جهان ذهن را نمی‌فهمند، یاد کرده، اولیای خدا را اولیای عشق حقیقی معرفی نموده و عارف حقیقی را کسی دانسته که پرده و حجاب‌های دنیایی را از میان برداشته، از دشواری‌های سلوک و سختی‌های عشق می‌گذرد و به یاد ما می‌آورد که:

«راهی است راه عشق که هیچ‌کس کناره نیست/ آنجا جز آن که جان بسپارند، چاره نیست» (حافظ) عاشق در شعر محمد بلخی، محرم عشق است، حقیقت عشق را همگان نمی‌دانند و عاشقان حقیقی، طالبان همیشه عشق‌اند و همیشه با سوز و دل‌سوختگی، روزگار می‌گذرانند. اشتیاق عاشقان حقیقی و خُزن عارفانه آنان، پایان‌پذیر نیست. پس، در برابر انسان‌های نادان و نااهل هیچ چیز بهتر از دم فرو بستن نیست. شیخ مصلح‌الدین شیرازی نیز به همین نکته، اشاره کرده است: «حدیث عشق جانان، گفتنی نیست/ و گر گویی، کسی همدرد باید».

«نی‌نامه» افقی گسترده و ریشه‌ای پرورده در معنویت شاعر به‌عنوان یک انسان دارد؛ انسانی که میان جمع و با جمع زندگی می‌کند و همراه همگان می‌نالد، می‌گردد، می‌گرید و می‌خندد و برای رسیدن به حقیقت حق، تلاش می‌کند.

پیام اصلی «نی‌نامه» نیرو و انگیزه عشق در انسان‌ها و اصل وجود و سلوک و عرفان به‌عنوان ابزار شناخت و آموزش معارف الهی است؛ عشق «نی‌نامه» عشق است که مانند چشمه در وجود عاشق (عارف) می‌جوشد و در پرده‌های شورانگیز نغمه‌های نی، به نمایش درآمده، بر دل‌های پاره‌پاره از فراق مرهم وصل می‌نهد و درد اشتیاق را در تن و جان همگان، لذت‌بخش و شفابخش

می‌کند. عاشق در تجلی جذبه عشق و دور ماندن از اصل و زادگاه ازلی و بهشت خود، نی‌نوازی کرده، در ستایش آدمی و آفریدگار هستی، از فراق و بی‌دوست و یار، زندگی کردن می‌نالد و همواره در تکاپو و تلاش برای رسیدن به محبوب (خدا) و بهشت است. عشق این عاشق، با دیگر عشق‌ها، فرق دارد؛ عشق او (محمد بلخی)، ربانی و معنوی است: «علت عاشق ز علت‌ها جدا است/ عشق اسطرلاب اسرار خداست». (مولوی، دفتر اول، ص ۶) واژه «نی» در این نامه منظوم، سرشتی دوسویه دارد؛ یعنی «نی» تنها یک اندیشه از ادراک آوایی برآمده نیست و موجودی است جسمی و جانی، با سرشتی بیرونی و درونی؛ پوسته‌ای و مغزی و هر دو سرشت (جسمی و جانی) در کارایی و کارکرد واژه «نی» در زبان ساختار مثنوی «نی‌نامه» اثر گذاشته‌اند و به هم پیوستگی آن‌ها (واژه و معنی) توانسته در «نی‌نامه» اثرگذار باشد و مثنوی را به‌عنوان یک‌گونه پرکاربرد شعری، پویا و بالنده کند. «نی‌نامه» محمد بلخی بر پایه بازشناختی هستی محور، شکل گرفته است و «نی» افزون بر خصلت معنایی و نمادین، سرشتی الهی دارد. حقیقت این است که هر واژه با آدمی به دنیا آمده، رشد کرده، بالیده و به‌صورت پدیده‌ای موسیقایی (نی‌نوازی)، نمود آوایی و صوتی زبانی ویژه‌ای را پیدا کرده است. صورت‌ها، واج‌ها، تکرارها و واژه‌ها، همه در بافت شعر درهم‌آمیخته و ساختار مفهومی یافته و متنی نمادین را شکل داده‌اند. ما این سیر تکوینی و تکاملی را در «نی‌نامه» به‌درستی می‌بینیم. بحران روحی‌ای که در زندگانی محمد بلخی پدیدار شده، در واقع پاسخی به کنش‌های روانی، طبیعی و جسمانی اوست که سرانجام، ذهن او با پدیده «نی» درهم‌آمیخته و کارکرد معنایی ویژه - باز بستگی به آفریدگار و یکی شدن او - پیدا کرده و به شناسایی حقیقت آدمی در نسبت به زندگانی و خدا، پرداخته است. پس، مایه هر کنش و واکنش از سوی ما انسان‌ها، زبان است و بالندگی، بلندمرتبتگی ما انسان‌ها نیز به یاری همین زبان، محقق می‌شود و ما به‌عنوان واقعیتی عینی و برخوردار از جهان طبیعی یا واقعیتی ذهنی در جهان فرا طبیعی، یکی، و از هم جدا نیستیم.

تن ز جان و جان ز تن، مستور نیست

لیک کس را دید جان، دستور نیست

منابع

- جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی). مثنوی معنوی. به کوشش: رینوالدالین نیکلسون. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی.
- فارسی (۳) پایه دوازدهم دوره متوسطه (۱۳۹۷). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پورمقدم، شهناز عبادتی، محمدرضا سنگری و احمد تمیم‌داری.
- معین، محمد (۱۳۵۲). فرهنگ فارسی (دوره شش‌جلدی). تهران: امیرکبیر.

می‌گوید، بی‌ادب است و با دخترهای همسایه اختلاط می‌کند و با همین توجیه جلوی این کتاب را گرفتند. تا این‌که قصه‌های مجید مورد توجه افرادی چون مهندس علاقه‌مندان قرار گرفت و گفت ما به آنچه مجید می‌گوید نیاز داریم، مجید از امید و شادی حرف می‌زند.

این نویسنده کودک ادامه داد: مجید می‌گوید بچه‌های ایرانی باید با شادمانی بزرگ شوند و این‌گونه، مقاومت‌ها شکست. آن زمان در کشور جمعیت کودک و نوجوان، حدود هجده میلیون نفر بود. آیا آن زمان هیچ‌کدام دروغ نمی‌گفتند؟ امروز بیچارگی بچه‌های ما نتیجه بی‌تدبیری آن روزهاست. آن‌قدر نصیحت کردیم و شعار دادیم که نگذاشتیم بچه‌ها داستان بخوانند و از داستان‌ها لذت ببرند، بخندند و شادی کنند.

مرادی کرمان افزود: ما باید در کتاب‌های کودک و نوجوان مطالبی را بگوییم که بچه‌ها به آن علاقه‌مند شوند. کتاب‌های بچه‌ها، کتاب‌های فقه نیست! چرا نویسندگان ما قهر کرده‌اند و بیشتر کتاب‌ها در بازار کتاب، ترجمه است؟! دنیای امروز دنیای مجازی است، دنیای کودکان ما عوض شده است. آموزش و پرورش باید به ادبیات کودک و نوجوان توجه بیشتری داشته باشد و بچه‌های ما را برای زیستن در آینده، با شادمانی و سربلندی پرورش دهد تا آنان بتوانند در این دنیا واقعاً اهل زندگی باشند.

محمد هادی محمدی، عضو مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان و نوجوانان، دلایل معرفی هوشنگ مرادی کرمانی، برای دریافت جایزه‌های جهانی را شرح داد و گفت: از نظر ما هوشنگ مرادی کرمانی در سطح‌بندی ادبیات کودک و نوجوان ایران، بالاترین جایگاه را دارد. گاهی نویسنده‌ای با کار زیاد در جامعه خود توفیق پیدا می‌کند اما کتاب‌هایش از مرزها فراتر نمی‌روند. آثار کرمانی این ویژگی را داشت و توانست به صورت طبیعی ترجمه شود و مورد استقبال عموم قرار گیرد. هوشنگ مرادی کرمانی و آثارش در هر اجتماع و فرهنگی همین ویژگی را دارند و خواهند داشت، چنین نویسنده‌ای می‌تواند به‌عنوان نویسنده‌ای جهانی شناخته شود اما چرا ما نتوانستیم افتخار به‌حق جایزه‌ای مثل جایزه هانس کریستین آندرسون را به او بدهیم؟!

محمدی افزود: واقعیت آن است که در جامعه ما دوگانگی قهرمان قربانی وجود دارد. ما جامعه‌ای سنتی داریم که کرمانی در ادبیات کودک آن قهرمان است. او با ویژگی‌های خود چهره ملی است و البته قهرمان هم هست و این پیوندی ناگسستنی است اما ما در بحث آندرسون پارامترهایی را داریم که می‌تواند نویسنده‌ای را پایدار کند. در جایزه آندرسون گفته می‌شود که نویسنده‌ای که تأثیر پایدار می‌گذارد و در خلق ارزش‌های جامعه مؤثر است و مرادی به این جایگاه رسیده است.

وی ادامه داد: من فکر می‌کنم ما نتوانسته‌ایم او را به درستی پشتیبانی کنیم. اگر او این جایزه را پانزده سال پیش گرفته بود الان مثل فرهاد حسن‌زاده،



بزرگداشت دکتر فتح‌الله مجتبائی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران

سه‌شنبه، چهاردهم اسفندماه ۱۳۹۷، مراسم بزرگداشت دکتر فتح‌الله مجتبائی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران برگزار شد.

در این مراسم که با حضور آقایان دکتر احمد باقری، رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی، و برخی از استادان گروه‌های عرفان و ادیان تطبیقی و تاریخ و تمدن ملل اسلامی، و همچنین جمعی از دانشجویان و علاقه‌مندان دکتر فتح‌الله مجتبائی برگزار شد، آقایان دکتر باقری، دکتر گذشته، دکتر دادبه و دکتر علمی در باب شخصیت علمی و فرهنگی و خدمات دکتر مجتبائی در دانشکده الهیات سخن گفتند.

در پایان این مراسم، به پاس زحمات و خدمات علمی و فرهنگی دکتر مجتبائی هدایایی از طرف دانشگاه تهران و دانشکده الهیات و معارف اسلامی، از جمله نشان هشتمین سال تأسیس دانشگاه تهران، به ایشان تقدیم شد.

<http://apll.ir/1397/12/15> در-دان-15/12/1397-دکتر-فتح‌الله-مجتبائی

مرادی کرمانی؛ چهره ملی ادبیات کودک و نوجوان

به گزارش خبرنگار فرهنگی ایرنا، چهارمین و آخرین نشست از سلسله نشست‌های «مهرآیین» کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در راستای معرفی نویسندگان ایرانی، به معرفی هوشنگ مرادی کرمانی داستان‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس، نامزد جایزه ادبی «آسترید لیندگرن» از سوی شورای کتاب کودک اختصاص یافت.

هوشنگ مرادی کرمانی، نامزد جایزه آسترید لیندگرن در این مراسم گفت: نمی‌خواهم قهرمان‌بازی در آورم اما متأسفانه به نظر می‌رسد بچه‌های ما همیشه به ابزاری در اختیار حکومت‌ها تبدیل شده‌اند و تصور می‌شود که کودک باید زیر بال حکومت‌ها شکل گیرد که البته غلط است. زمانی می‌گفتند مجید دروغ



را می‌نویسد اما این زندگی را آن‌گونه که خودش دوست دارد برای بچه‌ها ترسیم می‌کند، تلخی که با شیرینی ساخته شده است.

هوشنگ مرادی کرمانی در سال ۱۳۲۳ در یکی از روستاهای کرمان متولد شد. او فعالیت هنری‌اش را در سال ۱۳۴۰ با رادیو کرمان آغاز کرد و پس حضور در دانشکده هنرهای دراماتیک تهران نیز همکاری با رادیوهای پایتخت را ادامه داد.

اولین آثار او در سال ۱۳۴۷ و در مجله خوشه منتشر شد، پس از آن قصه‌های مجید را برای برنامه «خانواده» رادیو ایران نوشت و این قصه‌ها، جایزه مخصوص «کتاب برگزیده سال ۱۳۶۴» را برای او به ارمغان آورد.

برخی از آثار مرادی کرمانی به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، هلندی، عربی و ارمنی ترجمه شده و همچنین هجده فیلم تلویزیونی و سینمایی بر اساس داستان‌های او به تصویر درآمده است.

برخی از آثار مرادی کرمانی؛ «قصه‌های مجید» در پنج جلد، «بچه‌های قالی‌باف‌خانه»، «چکمه»، «مهمان مامان» و...

وی در سال ۱۳۹۷ به همراه سه نویسنده دیگر، از سوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان ایران به عنوان نامزد بخش نویسندگی جایزه ادبی آسترید لیندگرن ۲۰۱۹ معرفی شده است.

جایزه آسترید لیندگرن یکی از جایزه‌های بسیار معتبر بین‌المللی در رشته ادبیات کودک و نوجوان است، این جایزه پس از مرگ آسترید لیندگرن در

خیلی راحت می‌توانست این مسیر را طی کند، چون جهان به این باور می‌رسید که جامعه ما محل پرورش تک‌ستاره‌هاست، ما نتوانستیم این کار را کنیم اما چینی‌ها توانستند. چینی‌ها در طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ الگوریتم جایزه‌های جهانی را کشف کردند اما ما هنوز این الگوریتم را کشف نکرده‌ایم. محمدی افزود: این بدترین اشتباهی است که ما کرده‌ایم، اگر پشت سر مرادی کرمانی بودیم او قهرمانی قربانی نمی‌شد و من از آنچه اتفاق افتاده متأسفم. ما در صف قهرمان قربانی‌ها هستیم، باید کاری کنیم، گرچه این فرصت را از هوشنگ مرادی کرمانی گرفتیم. به‌رحال آقای کرمانی شما شایسته جایزه‌های جهانی هستید.

معصومه انصاریان، محقق و نویسنده، به نقش زنان در داستان‌های مرادی کرمانی اشاره و بیان کرد: سخن گفتن درباره آثار این نویسنده مشهور و محبوب کار آسانی نیست. کرمانی فقط یک نویسنده نیست بلکه انسانی دردمند، فرهیخته و صاحب سبک است. او با زبانی ساده و شیرین، با روح کودکی و صداقتی که از جنس رفتار اجتماعی و منش اوست، با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. در شخصیت او نوعی یکپارچگی دیده می‌شود که به شدت قابل احترام است.

این پژوهشگر افزود: هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده‌ای واقع‌گراست، او برای خلق آثارش سختی‌های زیادی کشیده اما مهم این است که آنچه از ذهن او بر قلمش جاری می‌شود با وجود تلخ بودن، شیرین و دوست‌داشتنی است و به صورت خودجوش در قلم او ظاهر می‌شود. او قصه پر از درد زندگی خود

انسان وجود دارد، همین بس که مؤلف آن، عین القضاة، جان بر سر دفاع از اعتقاداتش نهاد. دو دیگر آنکه این اثر، پیچیده‌ترین مباحث عرفانی را به شکلی سلیس و روان و به زبانی شاعرانه بیان می‌کند.

دکتر حفیظی در ادامه به بیان وجوه اهمیت تمهیدات پرداخت و گفت: اهمیت این متن از آن روی است که شمار متون فارسی عرفانی با قدمت نهصدساله چندان زیاد نیست و بسیاری از آثار باقی‌مانده به زبان فارسی (و نه عربی) یا در قالب رساله‌اند یا کتاب‌هایی با افتادگی‌های بسیار، و شمار آثار مدون تفصیلی که تقریباً بی‌کم‌وکاست به دست ما رسیده‌اند، چندان چشمگیر نیست و بیشتر آثاری که در حد و اندازه تمهیدات‌اند پس‌ازاین اثر نگارش یافته‌اند، به‌ویژه آثاری که بیانگر اندیشه‌ای نو از جانب نویسنده آن بوده‌اند.

وی سپس با اشاره به لزوم تصحیح انتقادی این کتاب افزود: بنا به دلایلی که گفته شد، تمهیدات از جهات مختلف دارای ویژگی‌های خاصی است و تصحیح انتقادی آن احیای یکی از گنجینه‌های عرفان و ادب فارسی. همین امر نگارنده را بر آن داشت که بر اساس چهارده نسخه، از قدیم‌ترین نسخ تمهیدات، به تصحیح انتقادی این اثر که یک بار بیش از نیم قرن پیش تصحیح شده، پردازد.

این عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ادامه به روش کار خود در تصحیح تمهیدات عین القضاة پرداخت و اظهار کرد: پنج نسخه از این نسخه‌ها شامل دو نسخه از مزار مولانا در قونیه، دو نسخه از کتابخانه اسماعیل پاشا و ملت‌گنل در استانبول و یک نسخه از کتابخانه مرعشی نجفی در قم، در تصحیح پیشین دیده نشده‌اند. با بررسی نسخه‌ها روشن شد که تمهیدات اگر نگوییم دو روایت، دو تحریر یا شیوه نگارش دارد؛ از این روی، نسخه‌ها در دو گروه A و C جای گرفتند. در بیشتر مواضع روایت گروه A که نسخه اساس، سرگروه آن است در متن آمده است و روایت گروه C و نسخه‌های تابع آن در پانویس. برای دشواری‌ها و مشکلات متن در پی‌نوشت‌ها یا تعلیقات، توضیحاتی داده شده است. در مقدمه شرحی در باب زندگی‌نامه و جهان‌بینی عین القضاة، سبک نگارش تمهیدات، روش این تصحیح و کاستی‌های تصحیح پیشین آمده و از زحمات مصحح محترم، شادروان دکتر عقیف عسیران، تقدیر شده است. افزون بر این، بخشی نیز به پیشینه تحقیق شامل کتاب‌ها، مقالات و رساله‌هایی درباره عین القضاة و آثار او، به‌ویژه تمهیدات، اختصاص دارد. در پایان نیز علاوه بر فهرست منابع، فهرستی از آیات، احادیث و روایات، سخنان بزرگان، اشعار و اعلام متن ارائه شده است.

هشتاد و چهارمین نشست ماهانه برگزار شد - <http://apll.ir/1397/12/15>

سال ۲۰۰۲ هر سال به بهترین برنامه یا برترین افراد در رشته ادبیات کودک و نوجوان اهدا می‌شود و مبلغ آن پنج میلیون کرون سوئد است.

آسترید آنا امیلیا لینگدگرن (Astrid Anna Emilia Lindgren) نویسنده سوئدی کتاب‌های کودکان و نوجوانان بود که در سال ۲۰۰۲ در سن نود سالگی درگذشت، تعداد زیادی از کتاب‌هایش به ۸۵ زبان ترجمه و در بیش از صد کشور جهان منتشر شده است. «پی‌پی جوراب بلند» از جمله آثار معروف و شناخته شده این نویسنده است.

<http://www.irna.ir/fa/News/83225786>



هشتاد و چهارمین نشست ماهانه فرهنگستان

دوشنبه، سیزدهم اسفندماه ۱۳۹۷، هشتاد و چهارمین نشست ماهانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزار شد. در این نشست دکتر مینا حفیظی، معاون گروه دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره، در موضوع «نگاهی به احوال و آثار عین القضاة و تصحیح تازه تمهیدات» سخنرانی کرد.

وی در ابتدای سخنان خود، با اشاره به تاریخچه نگارش این کتاب و اهمیت آن اظهار کرد: تمهیدات از کهن‌ترین متون عرفانی به زبان فارسی است. در باب اهمیت مطالب و دیدگاه‌های خاصی که در آن به خدا و جهان و

بنیاد پژوهشی شهریار

به روایت تصویر

بنیاد پژوهشی شهریار برگزار می‌کند:

تجلیل و پدیدین مراسم تجلیل از سازه شخصیت‌های علمی و فرهنگی آذربایجان

سخنرانان:

۱. آقای دکتر ابراهیم اقبالی
۲. آقای دکتر صمد رحمانی
۳. جناب آقای خسرو سرتیپی

مراسم تجلیل از
شاعر، ادیب و روزنامه‌نگار معاصر تبریز
یحیی شیدا

زمان: پنجشنبه ۱۶ اسفند ساعت ۵ بعد از ظهر
مکان: چهارراه باغشمال، بنیاد پژوهشی شهریار

با همکاری:
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی
سدا و سینمای استان آذربایجان شرقی

بنیاد پژوهشی شهریار برگزار می‌کند:

تجلیل و پدیدین مراسم تجلیل از سازه شخصیت‌های علمی و فرهنگی آذربایجان

سخنرانان:

۱. استاد رحیم رییس‌نیا
۲. دکتر باقر صدری‌نیا
۳. دکتر صمد رحمانی

مراسم تجلیل از
مفکر آزادی، عدالت و قانون و بنیانگذار نثر جدید فارسی
میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی

زمان: پنجشنبه ۲۵ بهمن ساعت ۵ بعد از ظهر
مکان: چهارراه باغشمال، بنیاد پژوهشی شهریار

با همکاری:
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی
سدا و سینمای استان آذربایجان شرقی

دکتر رضا شاپور شیدا



دکتر صمد رحمانی



معرفی کتاب درسی - آیین نگارش برای سال اول دبیرستان (۱۳۵۹)

محدثه طاهری^۱



کتاب‌شناسی	
عنوان کتاب	آیین نگارش
موضوع	آموزش شیوه‌های نوشتن زبان فارسی
نام مؤلفان	حسن انوری
نام تصویرگر	-
سال تألیف	۱۳۵۹
پایه، مقطع، رشته	اول، دبیرستان
ناشر و مشخصات چاپ	وزارت آموزش و پرورش، سازمان کتاب‌های درسی ایران، شرکت سهامی خاص طبع و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپخانه فراهانی

این کتاب دارای ۱۷ درس است که در آن به آموزش آیین نگارش زبان فارسی می‌پردازد. در هر درس ابتدا قواعد نگارشی و سپس نمونه‌هایی برای فهم بهتر آورده شده است. در انتهای هر درس هم تمرین‌هایی برای ممارست و تجربه‌اندوزی دانش آموزان آمده است. این کتاب سعی کرده است مطالب، مثال‌ها و تمرین‌ها به گونه‌ای باشد که در نحوه نوشتن و تقویت مهارت‌های نویسندگی دانش آموزان تأثیر عملی داشته باشد.

ساختار کتاب

تعداد صفحه	دو، ۱۲۳ صفحه
متن کتاب	آیین نگارش زبان فارسی
تمرین	دارد
واژه‌نامه	ندارد
نمایه	ندارد
تصویر	دارد
منابع	ندارد

نامه‌نگار - طبیعت (۱)

صفحه ۶۳

نامه پیامی است که شما بنا به ضرورتی به کسی یا به مؤسسه‌ای می‌فرستید. از این رو نامه برآورنده نیازی است که در روابط افراد و در روابط اجتماعی وجود دارد و به عبارت دیگر یک ضرورت اجتماعی است و از سوی دیگر اگر در نامه دقت به خرج رود و افکار و احساسات و عواطف نویسنده در آن به خوبی منعکس شود، جنبه ادبی به خود می‌گیرد، چنان که بسیاری از نامه‌هایی که هنرمندان و نویسندگان و بزرگان تاریخ نوشته‌اند امروزه جزء آثار ادبی به شمار می‌رود.

نامه‌ای که شما می‌نویسید معرفت شخصیت، فرهنگ و ادب و اندیشه و ذوق و سلیقه شماست و باید همان اثر را در مخاطب نامه بگذارد که شخصیت خود شما می‌گذارد و حتی در بسیاری موارد تأثیر نامه از نفوذ کلام و اثر شخصیت قوی‌تر است، زیرا نامه از سر آگاهی بیشتر و با دقت و مراقبت فراوان نوشته می‌شود در حالی که گفتار به خاطر شرم حضور یا آمادگی نداشتن گوینده برای مقابله و گفتگو با اشخاص، ممکن است تأثیر لازم را در شنونده و مخاطب نکند.

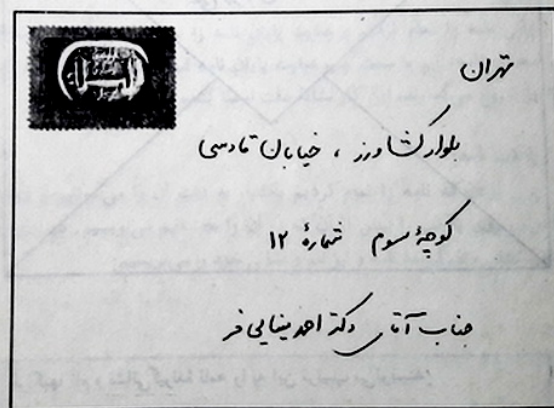
در نوشتن نامه چه نکته‌هایی را باید رعایت کرد؟

پیش از آن که در باره انواع نامه‌ها گفتگو کنیم و نمونه‌هایی از انواع نامه‌ها به دست بدهیم بهتر است برخی از نکته‌های مهم را که رعایت آنها در نامه‌نگاری بایسته است مورد بررسی و دقت قرار دهیم.

نامه را روی چه کاغذی باید نوشت؟

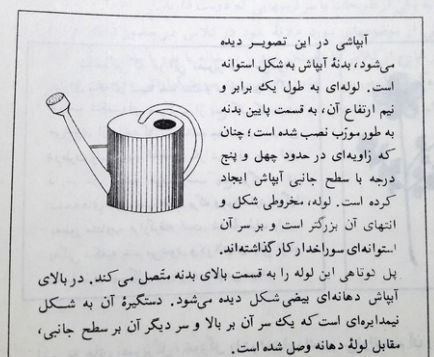
اندازه کاغذ، متناسب با نامه‌ای باید باشد که می‌نویسید. کاغذ نامه‌ای که به شخص مهمی یا به فرد بزرگی از خانواده فرستاده می‌شود باید در اندازه بزرگتر باشد ولی پیام کوتاهی که به دوست یا به همکاری می‌فرستید می‌تواند روی کاغذ کوچک باشد. نامه تیریک یا تسلیت را با آن که کوتاه است نباید روی کاغذ کوچک بنویسیم.

در ایران نوشتن نشانی به گونه‌ای دیگر است، ما اول نام شهر، سپس نام خیابان اصلی، خیابان فرعی، کوچه و شماره خانه و سرانجام نام گیرنده نامه را می‌نویسیم و زیر نام شهر خط می‌کشیم:



صفحه ۷۶

انشای توصیفی را از توصیف اشیای ساده شروع می‌کنیم. هر یک از تصویرهایی که در این صفحه و در دو صفحه بعد دیده می‌شود می‌تواند موضوع توصیف قرار گیرد. در این تصویرها به دقت بنگرید و آنچه را می‌بینید نخست به زبان بیان کنید، سپس روی کاغذ بنویسید؛ تصویر نخستین را ما خود توصیف کرده‌ایم:



صفحه ۱۴

تسریح

یکی از قصه‌هایی را که در محفل زندگی شما رایج است و شما آن را از زبان پدر بزرگ، مادر بزرگ، پدر، مادر، یا یکی از خویشان و یا آشنایان خود شنیده‌اید به رشته تحریر در آورید و در آن سخنان قهرمانان قصه را به همان‌سان که بازگو شده است بنویسید (اگر زبان محلی شما با زبان رسمی یعنی فارسی کاملاً تفاوت دارد قصه را به زبان فارسی برگردانید).

در گفتگوی اشخاص دقت کنید و آن را به همان‌سان که حرف می‌زنند یعنی به زبان گفتار بنویسید و از خود مقدمه‌ای به زبان کتابت بر آن بیفزایید.

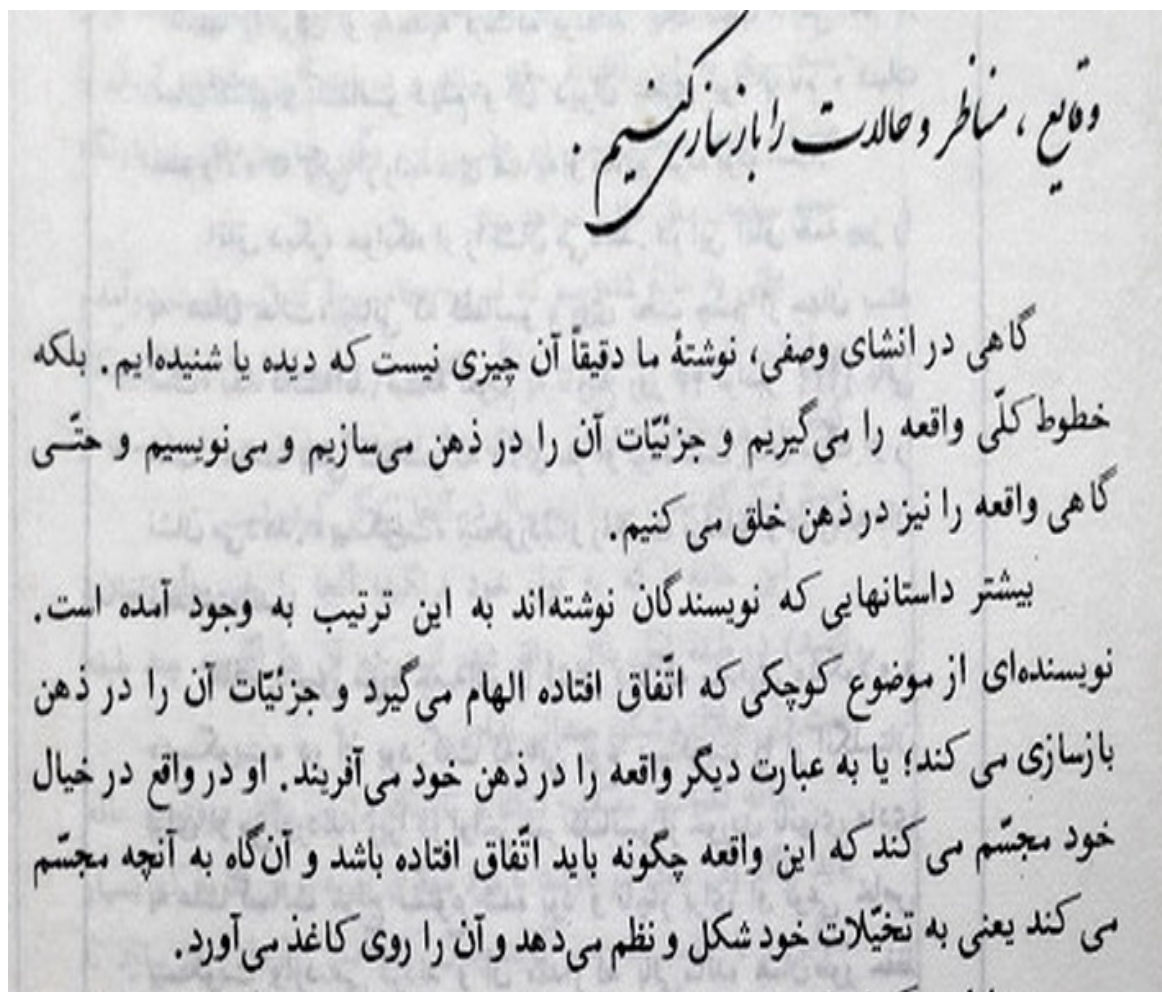
چند ضرب‌المثل و اصطلاح که در گفتگو به کار می‌برید یا از زبان اطرافیان می‌شنوید بنویسید و توضیح دهید هر یک را در چه موردی به کار می‌برند.

در نوشته زیر برخی از کلمه‌ها به لفظ محاوره به کار رفته است که مناسب این نوشته نیست؛ آنها را اصلاح کنید:

تقریباً یک سال تمام پس از مرگ گالیله مردی در انگلستان متولد شد که در تمام مدت زندگی‌اش تفکر فوق‌العاده نسبت به رژیم استبدادی داشت و با این حال خیلی خوشبخت‌تر از دانشمند بزرگ فلورانس بود زیرا تونست در عین حال هم استاد دانشگاه و هم مرد دانشمندی باشد. بدون شک تا کنون در تاریخ بشریت نامی مافوق نام نیوتن وجود نداشته است و هیچ اثر انسانی را نمی‌توان از لحاظ عظمت همتای کتاب «اصول» او دونست. این شاهکار عظیم اولین بار از بزرگ طبیعت را به انسان شناسوند و همچون نوراقتی قوی هادی و راهنمای آدمی به سوی مکانیکی که موجب حرکت تمام اختراعات فیزیکی گردید و به همین جهت می‌توان مدعی شد که مصنف آن از مقام آدمیت قدم فراتر نهاد به طوری که بزرگترین ادامه دهنده اکتشافات او یعنی لاپلاس در حق وی چنین اظهار داشته است: «این کتاب همچون بنای معظمی است که تا ابد عمق دانش نابغه بزرگی رو که کاشف مهم‌ترین قوانین طبیعت بوده است به جهانیان مدلل خواهد داشت». و لاگرائز برای تمجید از او عبارت زبر را بر زبان رانده: «نیوتن بسیار خوشبخت بود که توانست دستگاه جهان را بیان و توصیف کند! افسوس که در عالم بیش از یک آسمان وجود نداشته». ولتر یعنی مشهورترین ستاینندگان او چنین نوشته است: «ای رازدار آسمانها و ای جواهر ابدی راست بگو؛ تو نسبت به نیوتن بزرگ حسادت نمی‌ورزی؟»

صفحه ۱۱۴

۱۱۴



صفحه ۴۲

فهرست

۱. نخستین قدم‌ها را در نویسندگی برداریم (۱)	۱۰. نامه نگاری- کلیات (۲)
۲. نخستین قدم‌ها را در نویسندگی برداریم (۲)	۱۱. نامه‌ها و پیام‌های کوتاه (۱)
۳. اشیای ساده و مناظر را توصیف کنیم	۱۲. نامه‌ها و پیام‌های کوتاه (۲)
۴. وقایع، گفتگوها و اندیشه‌های روز را یادداشت کنیم	۱۳. نامه‌های ادبی
۵. خصوصیات جسمی و شرح حال خودمان را بنویسیم	۱۴. نوشته‌های ادبی، خیال
۶. زادگاه یا محل اقامت خود را وصف کنیم	۱۵. نوشته‌های ادبی، کاربرد زبان
۷. وقایع، مناظر و حالات را بازسازی کنیم	۱۶. مراعات قواعد دستوری
۸. خلاصه‌نویسی	۱۷. گردآوری اطلاعات: مراجعه به مأخذ، مصاحبه
۹. نامه نگاری- کلیات (۱)	

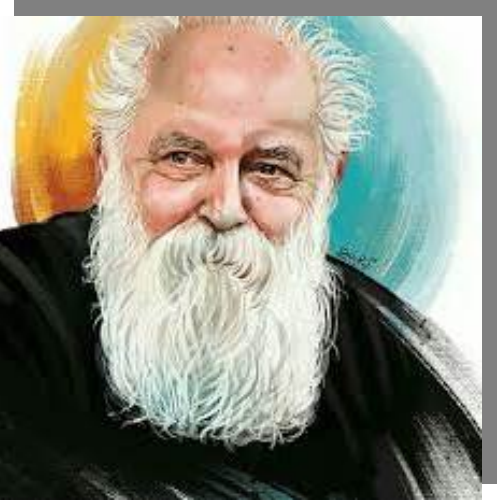
روزشمار رویدادهای ادبی بهمن ۱۳۹۷

فاطمه نیکخواه^۱

روزیهای هفته / هجری شمسی	مناسبت‌ها
سه‌شنبه ۲ بهمن	نشستی با عنوان «عصری با کریستوف بورگل» - سخنران: علی اصغر محمدخانی، توماس ویدمر، اصغر دادبه، مریم مشرف و علی عبداللهی - مرکز فرهنگی شهر کتاب http://www.bookcity.org/detail/17434/root/meetings
چهارشنبه ۳	چهارمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره عبید زاکانی در «عبید زاکانی نقطه عطف طنزپردازی در تاریخ ادب فارسی» - سخنران: ناصر نیکوبخت - مرکز فرهنگی شهر کتاب http://www.bookcity.org/detail/17463/root/Lectures
شنبه ۶	شب افسانه - سخنران: زهره زرشناس، حسن ذوالفقاری، مهرداد ملک‌زاده و علیرضا حسن‌زاده - تالار فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی http://www.ghatreh.com/news/nn46317531/نشست-علمی-افسانه-برگزار
یکشنبه ۷	برگزیدگان دهمین جشنواره بین‌المللی فارابی - برگزیدگان خارجی: محمدعلی موحد و صفر عبدالله - سالن اجلاس سران http://apll.ir/1397/11/07/برگزیدگان-دهمین-جشنواره-بین-المللی-ف
دوشنبه ۸	نشست نقد و بررسی کتاب «سفینه ترمذ» - سخنران: علی اصغر محمدخانی، امید سروری، مهدی رحیم‌پور و جواد بشری - مرکز فرهنگی شهر کتاب http://www.bookcity.org/detail/17473/root/meetings شب رونمایی از کتاب «حق و سوءاستفاده از آن» تألیف محمدعلی موحد - سخنران: گوردز افتخار جهرمی، مقصود فراستخواه، هادی وحید و سعید رضادوست - تالار فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی http://www.ghatreh.com/news/nn46087488/کتاب-سوء-استفاده-رونمایی
سه‌شنبه ۹	نشست «هموار و ناهموار روزنامه‌نگاری زنان؛ دیروز و امروز» - سخنران: شهلا شرکت - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی http://www.ihs.ac.ir/fa/news/17843/گزارش-سخنرانی-هموار-و-ناهموار-روزنامه-نگاری-زنان-دیروز-و-امروز سومین دوره اهدای جایزه و نشان استاد ابوالحسن نجفی - سخنران: علی اصغر محمدخانی، موسی اسوار، ضیاء موحد، عبدالله کوثری، ابوالفضل حری، امید طیب‌زاده و احمد اخوت - مرکز فرهنگی شهر کتاب http://www.bookcity.org/detail/17486/root/meetings
چهارشنبه ۱۰	آیین سپاس‌اپرای رستم و سهراب - سخنران: لوریس چکناواریان، شاهین فرهت، یارتا یاران - سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی https://www.iranboom.ir/tazeh-ha-sp-285929972/gozaresh/17224-rostam-o-sohrab-971125.html پنجمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره عبید زاکانی در «گونه‌شناسی طنزهای عبید زاکانی» - سخنران: علیرضا فولادی - مرکز فرهنگی شهر کتاب http://www.bookcity.org/detail/17504/root/Lectures
شنبه ۱۳	مراسم بزرگداشت استاد مینوی - سخنران: محمد دهقانی - سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی http://www.ihs.ac.ir/fa/news/17802/گزارش-مراسم-بزرگداشت-استاد-مینوی
یکشنبه ۱۴	نشست «صلح و سلوک معنوی خوشنویسان ایرانی» - سخنران: کامیار صداقت ثمرحسینی - سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی http://www.ihs.ac.ir/fa/news/17850/گزارش-سخنرانی-صلح-و-سلوک-معنوی-خوشنویسان-ایرانی
سه‌شنبه ۱۶	سی و ششمین دوره جایزه کتاب سال - کتاب‌های برگزیده: کتاب فرهنگ آثار ایرانی اسلامی (در بخش کلیات) و کتاب تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی (در بخش ادبیات) - تالار وحدت http://apll.ir/1397/11/17/برگزیدگان-سی-و-ششمین-دوره-جایزه-کتاب-سال
چهارشنبه ۱۷	شب قصه‌های مثنوی، به مناسبت انتشار ترجمه انگلیسی کتاب «قصه‌های مثنوی» - سخنران: ایرج شهبازی، مریم مافی، ملیحه میرصفی و علی دهباشی - خانه گفتمان شهر http://bukharamag.com/1397.11.24494.html جلسه هم‌اندیشی برگزاری گرامیداشت مقام سهروردی - دفتر ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی http://www.ihs.ac.ir/fa/news/17847/گزارش-جلسه-هم-اندیشی-برگزاری-گرامی-داشت-مقام-سهروردی ششمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره عبید زاکانی در «گونه‌شناسی طنزهای عبید زاکانی» - سخنران: علیرضا فولادی - مرکز فرهنگی شهر کتاب http://www.bookcity.org/detail/17541/root/Lectures

^۱ دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

مناسبت‌ها	روزهای هفته / هجری شمسی
هفتمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره عبید زاکانی در بررسی و تحلیل «تاریخ مردم ایران در آیینۀ آثار عبید زاکانی» - سخنران: داریوش رحمانیان - مرکز فرهنگی شهر کتاب	چهارشنبه ۲۴ "
http://www.bookcity.org/detail/17576/root/Lectures	
شب شعر «شبی با بیدل، شاعر آئینه‌ها» - سخنران: هادی سعیدی کیاسری و احمدی - رایزنی فرهنگی سفارت ایران در کابل	
http://www.icro.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=261&pageid=32247&newsview=723757	
یکصد و چهل و سومین جلسه از نشست‌های صبح پنجشنبه‌های مجله بخارا در دیدار و گفت‌وگو با حسن انوشه - خانه گفتمان شهر (خانه وارطان)	پنجشنبه ۲۵ "
http://bukharamag.com/1397.11.24504.html	
چهل و سومین مراسم تجلیل از مفاخر و شخصیت‌های علمی و فرهنگی آذربایجان، تجلیل از میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی - سخنران: رحیم رییس‌نیا، باقر صدری‌نیا، صمد رحمانی - بنیاد پژوهشی شهریار، تبریز	
http://bonyade-shahriar.ir/page/0/صفحه-اصلي.html	
آغاز دومین دوره کارگاه حوزه‌های نوین مطالعاتی در ادبیات تطبیقی در موضوع «نقش ترجمه، دریافت و افق انتظار در ادبیات تطبیقی» - سخنران: شهرزاد - فرهنگستان زبان و ادب فارسی	شنبه ۲۷ "
http://apll.ir/1397/11/29/آغاز-دومین-دوره-کارگاه-ادبیات-تطبیقی	
شانزدهمین دوره همایش حامیان نسخ خطی - سخنران: سید صادق سجادی، سید عبدالله انوار، عارف نوشاهی، حسن نصیری و محمد رجبی - مرکز همایش‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران	
http://www.nlai.ir/enterprise-news/-/asset_publisher/5Xxp6q5vfs9r/content/--6167	
دومین روز کارگاه حوزه‌های نوین مطالعاتی در ادبیات تطبیقی در موضوع «رابطه میان ادبیات و هنرها در ادبیات تطبیقی» - سخنران: بهروز محمودی بختیاری - فرهنگستان زبان و ادب فارسی	
http://apll.ir/1397/12/01/گزارش-دومین-روز-کارگاه-حوزه‌های-نوین	
شب رشیدالدین میبیدی - سخنران: سید عبدالعظیم پویا، سیدمحمد حسینی، علی دهباشی و بهرام پروین گنابادی - دانشگاه میبد، یزد	یکشنبه ۲۸ "
http://bukharamag.com/1397.11.24505.html	
نکوداشت سیروس پرهام، احمد سمیعی (گیلانی)، سید صادق سجادی و مهدی محقق در هشتمین نشست «یکشنبه‌های ملی» - سخنران: فرهاد طاهری - اندیشگاه فرهنگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران	
http://www.nlai.ir/enterprise-news/-/asset_publisher/5Xxp6q5vfs9r/content/--6169	
سومین روز کارگاه حوزه‌های نوین مطالعاتی در ادبیات تطبیقی در موضوع «بینامتنیت و ادبیات تطبیقی» - سخنران: بهمن نامورمطلق - فرهنگستان زبان و ادب فارسی	
http://apll.ir/1397/12/01/گزارش-سومین-روز-کارگاه-حوزه‌های-نوین	
سی‌ودومین نشست دوستداران زبان فارسی - سخنران: ابوالفضل صالحی‌نیا - رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دمشق	دوشنبه ۲۹ "
http://www.icro.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=261&pageid=32247&newsview=723885	
ستایش فرزادنگی؛ مراسم بزرگداشت محسن ابوالقاسمی - سخنران: حسینعلی قبادی، مصطفی عاصی، محمدتقی راشد محصل، ناصر تکمیل همایون، یحیی مدرس، سیروس نصراله زاده - سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	
http://www.ihcs.ac.ir/fa/news/17864/ستایش-فرزادنگی-مراسم-بزرگداشت-دکتر-محسن-ابوالقاسمی-برگزار-می-شود	
چهارمین روز کارگاه حوزه‌های نوین مطالعاتی در ادبیات تطبیقی در موضوع «نوزایی اسطوره‌ها در ادبیات معاصر ایران و جهان» - سخنران: فریده علوی - فرهنگستان زبان و ادب فارسی	سه‌شنبه ۳۰ "
http://apll.ir/1397/12/01/گزارش-چهارمین-روز-کارگاه-حوزه‌های-نوین	
ششمین مجلس از سلسله مجالس علمی بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار با عنوان «زریاب و تاریخ‌نگاری اسلام و ایران» - سخنران: علی بهرامیان و سید صادق سجادی - باغ موقوفات محمود افشار	
https://www.ettelaat.com/mobile/?p=116182&device=phone	



انتظار

امیر هوشنگ ابتهاج
(متخلص به، ا.ه. سایه)
(۱۳۰۶ اسفند)

بازای دلبرا که دلم بی قرار تست
وین جان بر لب آمده در انتظار تست
در دست این خمار غم هیچ چاره نیست
جز باده‌ای که در قدح غمگسار توست
ساقی بدست باش که این مست می پرست
چون خم ز پا نشست و هنوزش خمار تست
هر سوی موج فتنه گرفته‌ست و زین میان
آسایشی که هست مرا در کنار تست
سیری مباد سوخته تشنه کام را
تا جرعه نوش چشمه شیرین گوار تست
بی چاره دل که غارت عشقش به باد داد
ای دیده خون ببار که این فتنه کار تست
هرگز ز دل امید گل آوردنم نرفت
این شاخ خشک زنده به بوی بهار تست
ای سایه صبر کن که برآید به کام دل
آن آرزو که در دل امیدوار تست



اطلاعیه گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی



فرهنگستان زبان ادب فارسی

برگه ثبت نام برای ارتباط مستمر با گروه در
فرهنگستان زبان و ادب فارسی

اطلاعات فردی	اطلاعات شغلی
نام و نام خانوادگی:	میزان تحصیلات:
نام پدر:	رشته تحصیلی:
شماره شناسنامه:	شغل:
تاریخ تولد:	شهر محل خدمت:
محل تولد:	منطقه و واحد خدمت:
شماره تماس:	علاقه:
نشانی:	نشانی پیام‌نگار:

برای آگاهی از اخبار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی
به کانال خبرنامه در نشانی زیر پیوندید:

<https://telegram.me/xabarname>

همچنین می‌توانید با ارسال پیامک به شماره ۰۹۹۰۳۵۸۹۹۱۲ پیوند
کانال خبرنامه را دریافت کنید.

تماس با ما:
فرهنگستان زبان و ادب فارسی
گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی

ارتباط با خبرنامه: ۴۸-۸۸۶۴۲۳۳۹
داخلی ۴۲۶
وبگاه فرهنگستان:
<http://apl.ir>
www.persianacademy.ir

سالنمای موضوعی

خبرنامه گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی سال ۱۳۹۷

(خبرنامه‌های شماره ۴۴ تا ۵۵)

گیتی قریب



- مقاله

۱. ارزش‌های اخلاقی و آموزشی متون ادب فارسی. حسن ذوالفقاری. شماره ۴۴
۲. سعدی در کتاب‌های درسی. حسن ذوالفقاری و گیتی قریب. شماره ۴۶
۳. تمرین‌هایی برای کاربست ادبیات در آموزش زبان فارسی. حسن ذوالفقاری. شماره ۴۸
۴. تأملی در اهمیت محتوای کتاب‌های درسی. عبدالحسین موحد. شماره ۴۹
۵. بررسی عناصر داستان در داستان قصه عینکم درس شانزدهم فارسی ۲ دوره دوم متوسطه. علی‌اکبر امامی و عادل منصوری و حجت یوسفی‌نژاد. شماره ۵۰
۶. کدام فردوسی؟ کدام شاهنامه؟ محسن احمدوندی. شماره ۵۳

- سخن نخست

۱. رشد نامتوازن آموزش و پژوهش زبان و ادبیات فارسی در کشور. حسن ذوالفقاری. شماره ۴۴
۲. مرا معلم عشق تو شاعری آموخت (یادروز معلم). حسن ذوالفقاری. شماره ۴۵
۳. دلایل حفظ، ترویج و آموزش زبان فارسی در نظام آموزشی به مناسبت ۲۵ اردیبهشت روز پاسداشت زبان فارسی. حسن ذوالفقاری. شماره ۴۶
۴. ضعف نگارش‌های دانشگاهی. حسن ذوالفقاری. شماره ۴۷
۵. آموزش اخلاق علمی و پژوهشی در دانشگاه. حسن ذوالفقاری. شماره ۴۸
۶. دشواری‌ها و روش‌های فارسی‌آموزی در کلاس‌های چندپایه. حسن ذوالفقاری. شماره ۴۹
۷. آموزش دستور مقدم است یا آیین نگارش. حسن ذوالفقاری. شماره ۵۰
۸. ضرورت تدوین اصول و مبانی نثر آموزشی. حسن ذوالفقاری. شماره ۵۱
۹. چگونه می‌توان دانش‌آموزان را به درس ادبیات فارسی علاقه‌مند کرد؟ حسن ذوالفقاری. شماره ۵۲
۱۰. مشق شب. حسن ذوالفقاری. شماره ۵۳
۱۱. آموزش املا فارسی. حسن ذوالفقاری. شماره ۵۴
۱۲. زبان مادری. حسن ذوالفقاری. شماره ۵۵

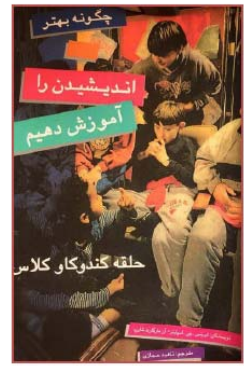
- گزارش

۱. کم‌لطفی بزرگ وزارت علوم به زبان فارسی. محمدرضا ترکی. شماره ۴۴
۲. نشست فرهنگستان زبان و ادب فارسی با سرگروه‌های درس زیست‌شناسی. گیتی قریب. شماره ۴۵
۳. گنجینه آموزش و پرورش چهارمحال و بختیاری. بابک زمانی‌پور. شماره ۴۷
۴. گزارش برگزاری همایش شاهنامه و تعلیم و تربیت. سیدعلی کرامتی‌مقدم. شماره ۴۸
۵. گزارش برگزاری دوره دوروزه ویراستاری و درست‌نویسی برای معلمان زبان و ادبیات فارسی استان ایلام. عبدالستار منصوری. شماره ۴۹
۶. آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان با روش و کتاب‌های پرفا. شماره ۵۱
۷. اهدای نشان عالی یونسکو به دکتر محمدعلی موحد عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی. شماره ۵۲
۸. گزارش مراسم بزرگداشت دکتر فتح‌الله مجتبائی. شماره ۵۲
۹. بررسی وضعیت ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌ها و گزارش دومین دوره کارگاه ادبیات تطبیقی. شماره ۵۴
۱۰. بازدید دانش‌آموزان پایه ششم از فرهنگستان زبان و ادب فارسی. شماره ۵۵

- معرفی واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی

۱. واژه‌های عمومی حوزه ورزش - واژه‌های بیگانه در کتاب‌های درسی چهارم دبیرستان (پیش‌دانشگاهی) (قسمت شانزدهم). شیما شریفی. شماره ۴۴
۲. واژه‌های عمومی حوزه پزشکی - واژه‌های بیگانه در کتاب‌های درسی چهارم دبیرستان (پیش‌دانشگاهی) (قسمت هفدهم). شیما شریفی. شماره ۴۵
۳. واژه‌های عمومی حوزه روان‌شناسی - واژه‌های بیگانه در کتاب‌های درسی چهارم دبیرستان (پیش‌دانشگاهی) (قسمت هجدهم). شیما شریفی. شماره ۴۶
۴. واژه‌های عمومی حوزه ورزش - واژه‌های بیگانه در کتاب‌های درسی چهارم دبیرستان (پیش‌دانشگاهی) (قسمت نوزدهم). شیما شریفی. شماره ۴۷
۵. واژه‌های عمومی حوزه حمل‌ونقل درون‌شهری - واژه‌های بیگانه در کتاب‌های درسی چهارم دبیرستان (پیش‌دانشگاهی) (قسمت بیستم). شیما شریفی. شماره ۴۸
۶. واژه‌های عمومی حوزه آرتاپزشکی - واژه‌های بیگانه در کتاب‌های درسی چهارم دبیرستان (پیش‌دانشگاهی) (قسمت بیست‌ویکم). شیما شریفی. شماره ۴۹
۷. واژه‌های عمومی حوزه رایانه و فناوری اطلاعات - واژه‌های بیگانه در کتاب‌های درسی چهارم دبیرستان (پیش‌دانشگاهی) (قسمت بیست‌ودوم). شیما شریفی. شماره ۵۰
۸. واژه‌های عمومی حوزه هنرهای تجسمی. شیما شریفی. شماره ۵۱
۹. واژه‌های عمومی حوزه رایانه و فناوری اطلاعات. شیما شریفی. شماره ۵۲
۱۰. واژه‌های عمومی حوزه حمل‌ونقل هوایی. شیما شریفی. شماره ۵۳
۱۱. واژه‌های عمومی حوزه روابط عمومی و تبلیغات بازرگانی. شیما شریفی. شماره ۵۴
۱۲. واژه‌های عمومی حوزه گردشگری و جهانگردی. شیما شریفی. شماره ۵۵

تصحیح نظر خود یا نظر آن‌ها با هم مشارکت کنند. فعالیت‌های درست داشته باشند. برای تأیید نظر خود یا رد نظر دیگری ابتدا گوش کنند سپس با همدلی نظر مستدل خود را در چرخه‌های کتبه‌کتابخانه‌ای بیان کنند. آموزگار در این کتاب راهنمایی می‌شود نه فقط فنکار فلسفی و حلاق را به دانش‌آموز یاد دهد بلکه هر دانش را که کودک باید بیاموزد در هر حوزه درسی که باشد مانند علوم با ریاضی یا سایر شاخه‌های علمی به‌صورت کتبه‌کتابخانه‌ای فعال درآورد. او کودکان و دانش‌آموزان را برمی‌انگیزد که پرسش‌های با معنایی را مطرح کنند که موضوع مورد تدریس به شکل خلاقانه و به‌صورت گفت‌وگویی هدفمند و با معنا پیش رود و آن مطالب را به تجربیات کودکان ربط می‌دهد به نحوی که آن‌ها می‌توانند معنای درس را بهتر بفهمند و دوباره درباره نظرات خود فکر کنند و آن‌ها را ارزیابی کنند و بین آنچه فکر می‌کنند، می‌گویند و در زندگی خود انجام می‌دهند ارتباط برقرار کنند. به دلیل همین روش است که این کتاب نه‌فقط برای آموزگاران که برای مشاوران، مددکاران و نیز تمام والدینی که می‌خواهند فرزندانشان نه‌فقط در کلاس درس بلکه در زندگی‌شان، سوالات تکرار، بحث کردن و استدلال آوردن را یاد بگیرند جذابیت و فواید خود را دارد.



اسپایتر، لورنس جی و آن مارگارت شارب، چگونه بهتر اندیشیدن را آموزش دهیم: حلقه کتبه‌کتابخانه در کلاس، مترجم ناهید حجازی، نشر پژواک، فرزان، تهران، ۱۳۹۶، ۲۷۴ صفحه.

دکتر ناهید حجازی^۱

- معرفی کتاب

۱. درآمدی بر ادبیات‌شناسی (راهنمای اصول آموزش و پژوهش در ادبیات فارسی). قدرت ضرونی. شماره ۴۴
۲. راهی به سوی عاقبت خیر در بیان بعضی از مسائل و مشکلات آموزش و پرورش. گیتی قریب. شماره ۴۷
۳. چگونه بهتر اندیشیدن را آموزش دهیم: حلقه کتبه‌کتابخانه در کلاس. ناهید حجازی. شماره ۴۷
۴. مجموعه برگ درختان سبز (قصه‌های تصویری از کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، مثنوی معنوی و گلستان). علی زارعی‌مزدآبادی. شماره ۴۹
۵. نگاهی توصیفی - تحلیلی به عروض و قافیه شعر پارسی. شماره ۴۹
۶. هفت‌پیکر نظامی گنجوی. پروانه فخام‌زاده. شماره ۵۲

- مصاحبه

۱. گفت‌وگو با مؤلفان کتاب‌های درسی (۳۱): سید بهنام علوی مقدم. گیتی قریب. شماره ۵۲
۲. گفت‌وگو با مؤلفان کتاب‌های درسی (۳۲): ابوالفضل علیمحمدی. گیتی قریب. شماره ۵۴
۳. گفت‌وگو با مؤلفان کتاب‌های درسی (۳۳): حسن دوالفقاری. گیتی قریب. شماره ۵۵

- معرفی کتاب‌های آموزش زبان فارسی در خارج از ایران

۱. معرفی کتاب‌های آموزش زبان فارسی در خارج از ایران (۱):
تدریسات فارسیه. سیده‌زیبا بهروز. شماره ۴۵
۲. معرفی کتاب‌های آموزش زبان فارسی در خارج از ایران (۲): مختصر
اصول فارسی. سیده‌زیبا بهروز. شماره ۴۶
۳. معرفی کتاب‌های آموزش زبان فارسی در خارج از ایران (۳): قواعد
فارسیه بر طرز نوین. سیده‌زیبا بهروز. شماره ۴۸
۴. معرفی کتاب‌های آموزش زبان فارسی در خارج از ایران (۴): بدرقه
قواعد فارسی. سیده‌زیبا بهروز. شماره ۵۰
۵. معرفی کتاب‌های آموزش زبان فارسی در خارج از ایران (۵): اصول و
منتخبات زبان فارسی. سیده‌زیبا بهروز. شماره ۵۱
۶. معرفی کتاب‌های آموزش زبان فارسی در خارج از ایران (۶): برلیتس
فارسی (قسم ۱). سیده‌زیبا بهروز. شماره ۵۲
۷. معرفی کتاب‌های آموزش زبان فارسی در خارج از ایران (۷): تعلیم
فارسی. سیده‌زیبا بهروز. شماره ۵۳
۸. معرفی کتاب‌های آموزش زبان فارسی در خارج از ایران (۸): تفسره
فارسی. سیده‌زیبا بهروز. شماره ۵۴
۹. معرفی کتاب‌های آموزش زبان فارسی در خارج از ایران (۹):
نتیجه‌القواعد. سیده‌زیبا بهروز. شماره ۵۵



- نقد و تحلیل متون درسی

۱. نقد و تحلیل متون درسی (۱۶): درس «رباعی‌های امروز» سال
یازدهم. عبدالحسین موحد. شماره ۴۴
۲. نقد و تحلیل متون درسی (۱۷): درس «حملة حیدری» سال یازدهم.
عبدالحسین موحد. شماره ۴۵
۳. نقد و تحلیل متون درسی (۱۸): درس «قصه عینکم» سال یازدهم.
عبدالحسین موحد. شماره ۴۶
۴. نقد و تحلیل متون درسی (۱۹): درس «خاموشی دریا» سال یازدهم.
عبدالحسین موحد. شماره ۴۷
۵. نقد و تحلیل متون درسی (۲۰): درس «خوان عدل» سال یازدهم.
عبدالحسین موحد. شماره ۴۸
۶. نقد و تحلیل متون درسی (۲۱): درس «شکر نعمت» سال دوازدهم.
عبدالحسین موحد. شماره ۵۱
۷. نقد و تحلیل متون درسی (۲۲): درس «مست و هوشیار» سال
دوازدهم. عبدالحسین موحد. شماره ۵۲
۸. نقد و تحلیل متون درسی (۲۳): درس «دفتر زمانه» سال دوازدهم.
عبدالحسین موحد. شماره ۵۳
۹. نقد و تحلیل متون درسی (۲۴): درس «دماوندیه» سال دوازدهم.
عبدالحسین موحد. شماره ۵۴
۱۰. نقد و تحلیل متون درسی (۲۵): درس «نی‌نامه» سال دوازدهم.
عبدالحسین موحد. شماره ۵۵



معرفی رساله (۲)
پروسی و ارزیابی شیوه‌های واژه‌گزینی و واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (فرهنگستان سوم)
نویسنده: دکتر حسین جعفری
ناشر: انتشارات دانشگاه گیلان

معرفی رساله (۳)
پروسی و ارزیابی شیوه‌های واژه‌گزینی و واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (فرهنگستان سوم)
نویسنده: دکتر حسین جعفری
ناشر: انتشارات دانشگاه گیلان

- معرفی رساله

۱. معرفی رساله (۳): «پروسی و ارزیابی شیوه‌های واژه‌گزینی و واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (فرهنگستان سوم)». علی شیوا. شماره ۴۵
۲. معرفی رساله (۴): «تحلیل نقش ادبیات در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و طراحی الگوی مناسب». مهرداد اصغرپور ماسوله. شماره ۵۴

کارگاه نویسندگی

۱. کارگاه نویسندگی دانش آموزان (۱۴): تمرین رجزنویسی. سید رضا باقریان موحد. شماره ۴۴
۲. کارگاه نویسندگی دانش آموزان (۱۵): تمرین کاریکلماتورنویسی. سید رضا باقریان موحد. شماره ۴۵
۳. کارگاه نویسندگی دانش آموزان (۱۶): گزارشی از امتحان نگارش خرداد ۱۳۹۷ دبیرستان شهید شهریار قم. سید رضا باقریان موحد. شماره ۴۶
۴. کارگاه نویسندگی دانش آموزان (۱۷): گزارشی از امتحان نگارش خرداد ۱۳۹۷ دبیرستان شیخ صدوق قم. سید رضا باقریان موحد. شماره ۴۷
۵. کارگاه نویسندگی دانش آموزان (۱۸): گزارشی از امتحان نگارش خرداد ۱۳۹۷ دبیرستان شهید قدوسی قم. سید رضا باقریان موحد. شماره ۴۸
۶. کارگاه نویسندگی دانش آموزان (۱۹): گزارشی از امتحان نگارش خرداد ۱۳۹۷ دبیرستان دخترانه شاهد نجمیه قم. سید رضا باقریان موحد. شماره ۴۹
۷. کارگاه نویسندگی (۲۰): زبان حال حیوانات قصه‌های مذهبی. سید رضا باقریان موحد. شماره ۵۰
۸. کارگاه نویسندگی (۲۱): مهارت تصویرخوانی. سید رضا باقریان موحد. شماره ۵۱
۹. کارگاه نویسندگی (۲۲): آموزش مهارت‌های نگارش به دانش پژوهان غیر ایرانی. سید رضا باقریان موحد. شماره ۵۳
۱۰. کارگاه نویسندگی (۲۳): نهادینه کردن فرهنگ نیکوکاری از راه ادبیات و انشا. سید رضا باقریان موحد. شماره ۵۴

آشنایی با دانشگاه‌های ایران و جهان

۱. آشنایی با دانشگاه‌های ایران و جهان (۳۱): دانشگاه ملی استرالیا. مینا گلستانی. شماره ۴۸
۲. آشنایی با دانشگاه‌های ایران و جهان (۳۲): دانشگاه دورهام. مینا گلستانی. شماره ۵۰
۳. آشنایی با دانشگاه‌های ایران و جهان (۳۳): دانشگاه کمبریج. مینا گلستانی. شماره ۵۱
۴. آشنایی با دانشگاه‌های ایران و جهان (۳۴): دانشگاه تورنتو. مینا گلستانی. شماره ۵۲
۵. آشنایی با دانشگاه‌های ایران و جهان (۳۵): دانشگاه بریتیش کلمبیا. مینا گلستانی. شماره ۵۴



آشنایی با مراکز آموزشی و پژوهشی زبان و ادبیات فارسی

۱. آشنایی با مراکز آموزشی و پژوهشی زبان و ادبیات فارسی (۳): پژوهشگاه فرهنگ فارسی - تاجیکی. لاله حاجی بای‌اوا. شماره ۴۴
۲. آشنایی با مراکز آموزشی و پژوهشی زبان و ادبیات فارسی (۴): مرکز تحقیقات فارسی ج.ا. ایران، دهلی‌نو. احسان‌الله شکراللهی. شماره ۴۶



همچنان بخش از مجموعه سوره نمازگاه در حد به زبان فارسی است. در برخی مناطق چون کشور یونان فارسی همچنان زبان دین است. و به‌ویژه در مدارس علوم دینی مسلمانان در مدارس هندوستان کتاب کهنستان مسلمانان به زبان فارسی است که به حجاب دین ادب می‌باشد. با این همه نباید فراموش کرد که زبان فارسی در حد وجود هر زبان مسلمان است.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی
گروه آموزش زبان ادبیات فارسی

منابع آموزش

خبرنامه گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی فرهنگستان، شماره ۵۵، دی ۱۳۹۷

منابع آموزش

خبرنامه

معرفی کتاب درسی - فارسی نوبت اول سال چهارم دبستان (۱۳۹۴)

مجله طاهری^۱

تالیفات	فصل	موضوع
آموزش تعلیم و تربیت و نظریات و روشها	آموزش تعلیم و تربیت و نظریات و روشها	آموزش تعلیم و تربیت و نظریات و روشها
روشهای تدریس و ارزشیابی	روشهای تدریس و ارزشیابی	روشهای تدریس و ارزشیابی
مباحث تخصصی	مباحث تخصصی	مباحث تخصصی
موضوعات تخصصی	موضوعات تخصصی	موضوعات تخصصی

این کتاب دارای سوخت درسی است که در آن نمونه‌ای از سون سادگان فارسی آورده شده است. پس از پایان هر متن، نکته‌ها و ترکیب‌های تازه متن، نمونه‌هایی از پرسش، نکات دستوری و تعیین آورده شده است. برخی از دروس این کتاب مانند پس‌فشار (پرس)، بار باران و بهترین ارمان در کتاب‌های قبل از انقلاب هم آمده است. در مجموع، هشت تمرین یا عنوان خود را با بارنایه در کتاب آمده است که سؤالاتی از اجزای تریوس و نکات دستوری و بلاغی آن‌ها مطرح شده است. این کتاب در سال ۱۳۵۸ به وسیله گروه بررسی وزارت آموزش و پرورش مورد تجدید نظر قرار گرفته است.

پادشاه

موضوع	نوع	شماره
آموزش تعلیم و تربیت و نظریات و روشها	آموزش تعلیم و تربیت و نظریات و روشها	آموزش تعلیم و تربیت و نظریات و روشها
روشهای تدریس و ارزشیابی	روشهای تدریس و ارزشیابی	روشهای تدریس و ارزشیابی
مباحث تخصصی	مباحث تخصصی	مباحث تخصصی
موضوعات تخصصی	موضوعات تخصصی	موضوعات تخصصی

۱) دانشوران زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

روزشمار رویدادهای ادبی

۱. اسفند ۱۳۹۶. علی زارعی مزد آبادی. شماره ۴۴
۲. فروردین ۱۳۹۷. علی زارعی مزد آبادی. شماره ۴۵
۳. اردیبهشت ۱۳۹۷. علی زارعی مزد آبادی. شماره ۴۶
۴. خرداد ۱۳۹۷. علی زارعی مزد آبادی. شماره ۴۷
۵. تیر ۱۳۹۷. علی زارعی مزد آبادی. شماره ۴۸
۶. مرداد ۱۳۹۷. علی زارعی مزد آبادی. شماره ۴۹
۷. شهریور ۱۳۹۷. لیلا نوری کشتکار. شماره ۵۰
۸. مهر و آبان ۱۳۹۷. فاطمه نیک‌خواه. شماره ۵۲
۹. آذر ۱۳۹۷. فاطمه نیک‌خواه. شماره ۵۳
۱۰. دی ۱۳۹۷. فاطمه نیک‌خواه. شماره ۵۴
۱۱. بهمن ۱۳۹۷. فاطمه نیک‌خواه. شماره ۵۵

شعر پایانی

۱. پدرم. پروین دولت‌آبادی. شماره ۴۴
۲. کس در نیامده است بدین خوبی از دری. سعدی. شماره ۴۵
۳. زبان گم‌کرده. لایق شیرعلی. شماره ۴۶
۴. معلم و شاگرد. سیمین بهبهانی. شماره ۴۷
۵. شبانه. احمد شاملو. شماره ۴۸
۶. گرگ. فریدون مشیری. شماره ۴۹
۷. طرح نو. میرزا محمد فرخی یزدی. شماره ۵۰
۸. کیش مهر. علامه طباطبایی. شماره ۵۱
۹. درآمد. حمید مصدق. شماره ۵۲
۱۰. عاشقانه. فروغ فرخزاد. شماره ۵۳
۱۱. تساوی. خسرو گل‌سرخ. شماره ۵۴
۱۲. انتظار. امیر هوشنگ ابتهاج (متخلص به، ه. ا. سایه). شماره ۵۵

سایر مطالب

۱. نامه رسیده: نقد و بررسی کتاب فارسی یازدهم. رضا قلی نیا سرگروه و دبیر ادبیات شهرستان بابلسر. شماره ۴۶
۲. معرفی استاد: دبیری به سیاق دبیران کهن. حسن ذوالفقاری. شماره ۵۰
۳. آشنایی با مدارس ایران (۸): مدرسه اسعدیه (اسعد) چهارم‌حال و بختیاری. عباس قنبری عدیوی. شماره ۵۵

معرفی کتاب درسی

۱. دستور برای سال چهارم دبیرستان (۱۳۵۸). محدثه طاهری. شماره ۵۰
۲. آیین نگارش برای سال سوم دبیرستان (۱۳۵۹). محدثه طاهری. شماره ۵۱
۳. فارسی برای سال سوم دبیرستان (۱۳۶۱). محدثه طاهری. شماره ۵۲
۴. فارسی برای سال چهارم دبستان (۱۳۶۲). محدثه طاهری. شماره ۵۳
۵. فارسی برای سال سوم دبستان (۱۳۵۸). محدثه طاهری. شماره ۵۴
۶. آیین نگارش برای سال اول دبیرستان (۱۳۵۹). محدثه طاهری. شماره ۵۵

معلمان شاعر

۱. معرفی همایون علی‌دوستی به همراه گزیده اشعار. داریوش گودرزی. شماره ۴۵
۲. معرفی علی‌حسین عزیزی به همراه گزیده اشعار. داریوش گودرزی. شماره ۴۷
۳. معرفی احمد عالی به همراه گزیده اشعار. داریوش گودرزی. شماره ۴۹
۴. معرفی سمیه فلاحی به همراه گزیده اشعار. داریوش گودرزی. شماره ۵۰



فرهنگستان زبان و ادب فارسی
گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی

خبرنامه

خبرنامه گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی فرهنگستان، شماره ۵۵، اسفند ۱۳۹۷



جمهوری اسلامی ایران

فرهنگستان زبان و ادب فارسی
گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی

بهار ۱۳۹۸ مبارک

بصفتی یا ایها القفل والال
بصفتی یا ایها القفل والال
بصفتی یا ایها القفل والال
بصفتی یا ایها القفل والال

طراح: علیرضا طیبی